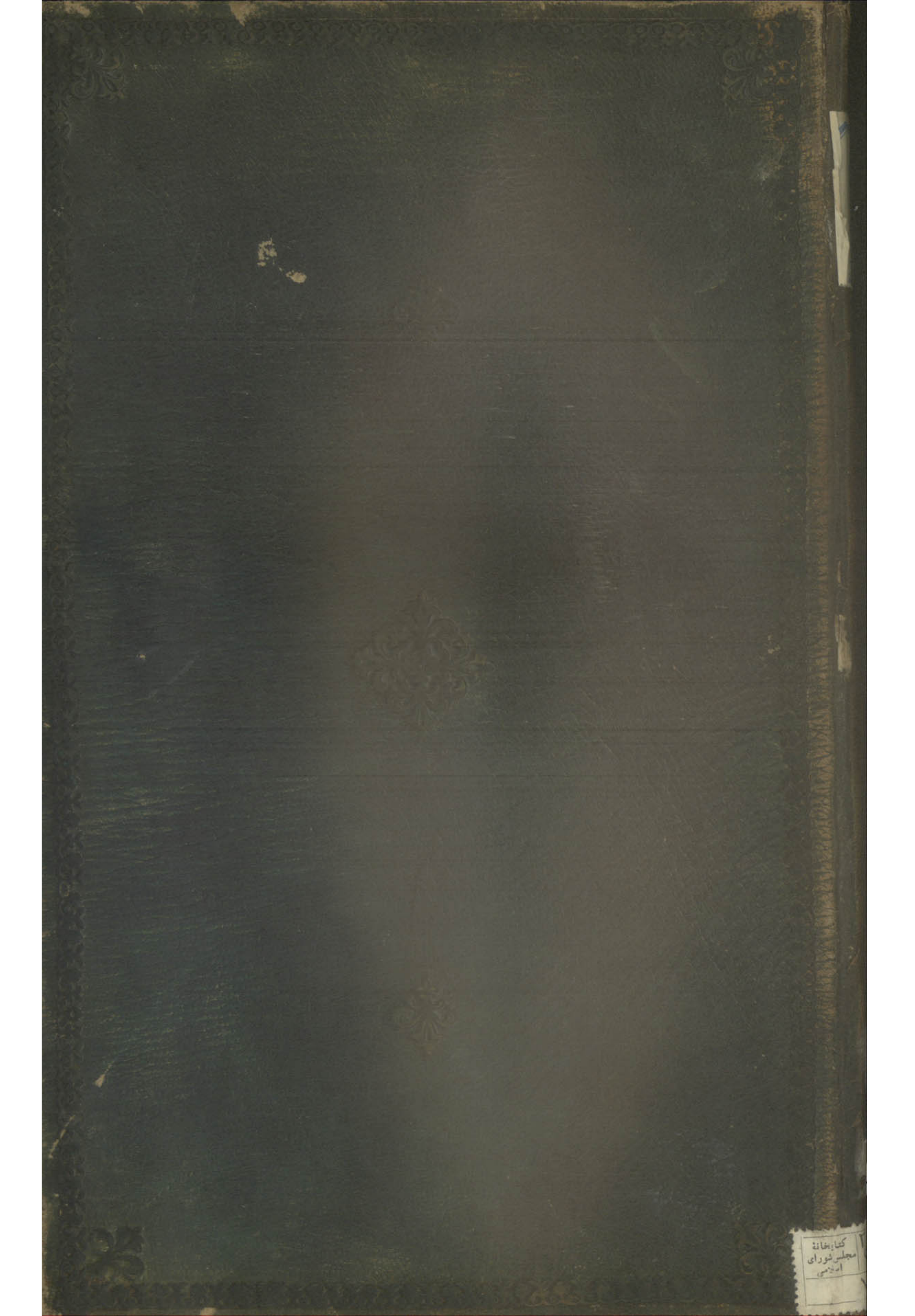
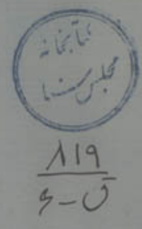

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی

۵۰۰

ترجمه اخبار از روزنامه
ژورنال پطرزبورک

۹۶۷۱۸/



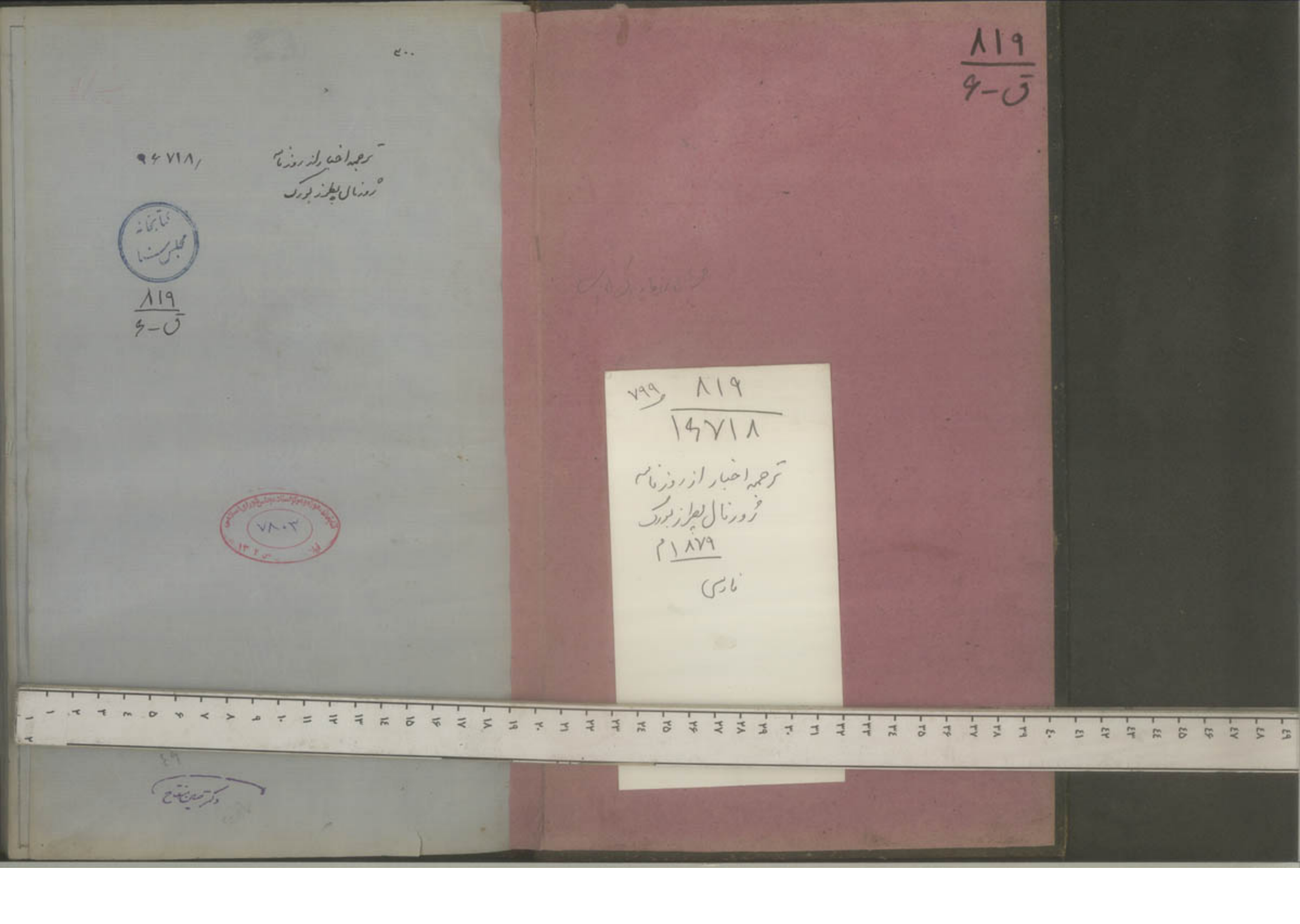


۴۹

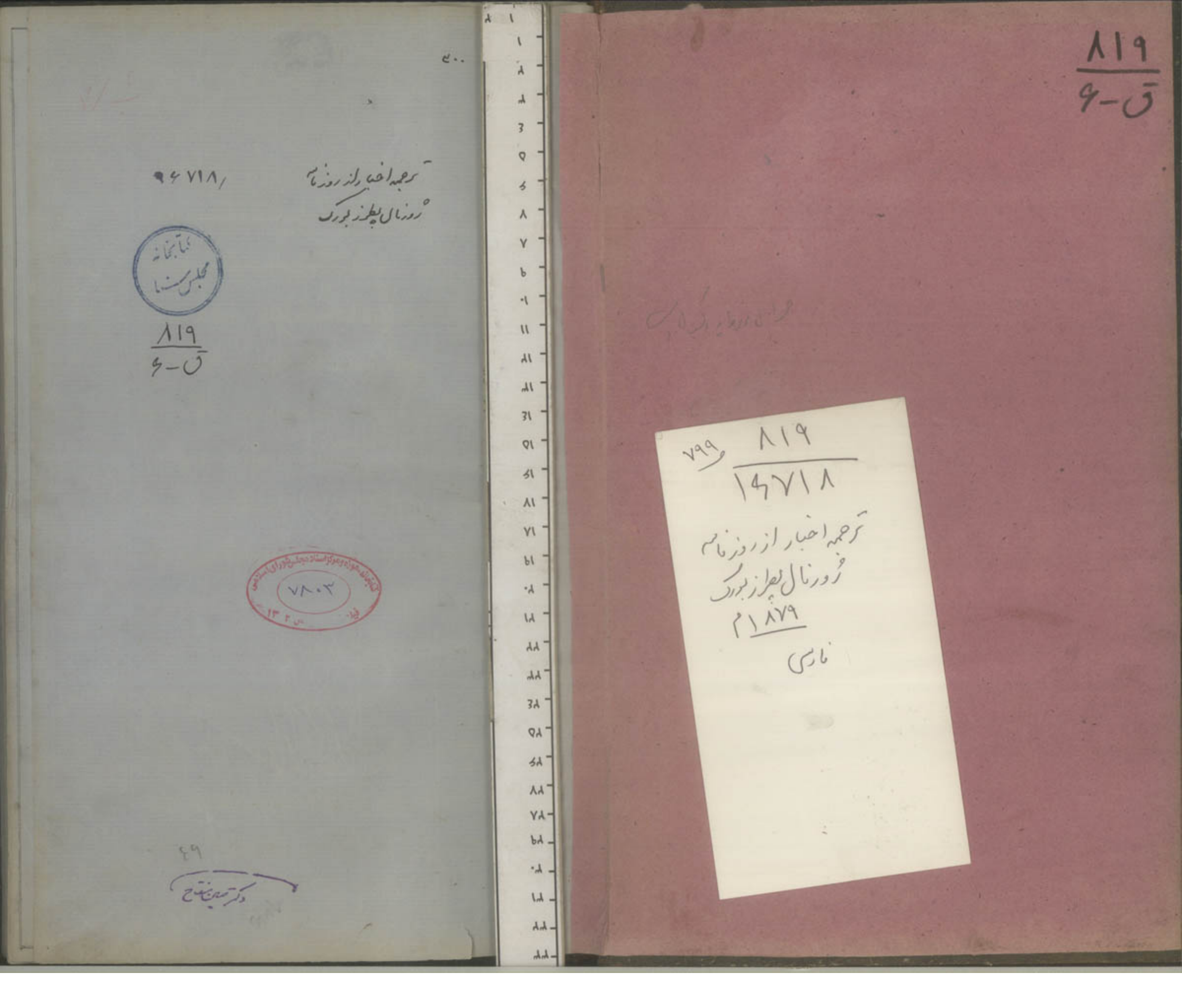
دکتر حسین نصر

ترجمه اخبار از روزنامه
ژورنال پطرزبورک
۱۸۷۹ م

فارسی



۸۱۹
ق-۶
ترجمه اخبار از روزنامه
ژورنال پطرزبورگ
کتابخانه مجلس سنا
۸۱۹
ق-۶
۷۹۹
۸۱۹
۱۴۷۱۸
ترجمه اخبار از روزنامه
ژورنال پطرزبورگ
۱۸۷۹م
فارسی



ترجمه اخبار از روزنامه
ژورنال پطرزبورگ
۹۶۷۱۸
۸۱۹
ق-۶
۷۸۰۲
دکتر مهدی بیانی
۸۱۹
۱۶۷۱۸
۷۹۹
ترجمه اخبار از روزنامه
ژورنال پطرزبورگ
۱۸۷۹م
فارسی

بسمه تبارک و تعالی

ترجمهٔ اخبار از روزنامهٔ ژورنال دو سن پطرزبورغ بتاریخ آخر ماه سپتامبر سنه
هزار و هشتصد و هفتاد و نه عیسوی نمره ۲۵۸

دولت روس   از روزنامهٔ گولوس روسی

بموجب اخباری که در روزنامهٔ قفقاز بتاریخ چهاردهم سپتامبر از بابت سفر جنگی دستهٔ لشکر روس در
مقابل ترا کمه آخال تپه مسطور است   در شب چهارم سپتامبر مقدمة الجیش لشکر مأمور از گردنهٔ کاپت داغ
عبور کرده اند و ترکمنها از اطراف بجانب قصبچهٔ معروف به گیوک تپه جمع میشوند شرح حالت مکانی که
لشکر روس داخل در آن شده و مرکز عمده آبادی ترا کمه میباشد از قرار تقریرات کوروپاتکین که یکی از اشخاصی است
که معرفت کامل بحالت آسیای مرکزی دارد از قرار ذیل است
ارتفاع کوههای گیورنداغ یعنی کاپت داغ را فقط در قسمتهای مغربی آن جبال معین و معلوم نموده اند که زیاده
از دو هزار پاست بطرف دامنهٔ کم شیب کوه مزبور رودخانه های کوچک بسیار جاریست و بواسطهٔ آبهای این
رودخانه ها یک قطعه زمین کم عرض طولانی که تقریباً سی و شش فرسنگ طول آنست قابل زراعت میباشد

وهمین

وهمین اراضی است که معروف بجزیرهٔ آبری تکه است و جمیع آبادیهای آخال تکه در همین محل جمع میباشد در
این اراضی در جنب دهات باغات بسیار وسیع خرم مملو از اشجار هلو و زردآلو و گردو و انگور دیده میشود و
فیمابین باغها مزارع بسیار حاصلخیز هست در امتداد این قطعه زمین پرحاصل از پهلوی دامنهٔ جبال راه
و جادهٔ مستقیمی است که از قزلسو بمرو میرود و دو دستهٔ لشکر روس مأمور در مقابل ترا کمه آخال تکه از پشت کوهها
از طرف جنوب غربی داخل در راه مذکور شده اند و در اثنای حرکت از چکشلر مجرای رودخانهٔ اترک و شعبه
طرف یمین آن که بسومبار موسوم است بحال قشون مزبور خیلی نافع بوده و آنها را از گرفتاری و درماندگی در
صحرای بی آبادانی واقع در این راه از قزلسو محفوظ داشته محل قصبچهٔ معروف بگیوک تپه در سمت شمال
قریه بروما که واقع در میانهٔ اصل تپه است میباشد و در همین نقطه یعنی در گیوک تپه همه ترا کمه جمع شده اند
از راپورتی که ژنرال لاماکین نوشته معلوم میشود که جنگ اول معتبری که دستهٔ قشون عمده روس با ترا کمه
نموده در همین نقطه اتفاق افتاده اصل مطلب راپورت ژنرال مشار الیه از یک مخابرهٔ تلگرافی اخذ شده
که از شهر تفلیس بعنوان مخابرهٔ مخصوص رسمی روزنامهٔ قفقاز اعلام نموده اند و بعد در روزنامه دیگر طبع کرده اند
از مخابرهٔ مزبوره چنین مستفاد میشود که لشکر پیش قراول روس بجهت جاسوسی و اطلاع از اکمه و مواضع
بطرف گیوک تپه حرکت کرده و مدت این جاسوسی بعد از آن که یکهفته طول کشیده در روز نهم سپتامبر
این دستهٔ قشون قلیل پیش قراول یک جمعیت زیاد بیشماری از ترا کمه برخورده و چندین بار این ترکمنها
بان دستهٔ لشکر حمله نموده اند   بموجب راپورت سرکردهٔ قشون پیش قراول گیوک تپه که لشکر پیش قراول

بطرف آن حرکت کرده قریه ایست در نزدیکی این قریه در دنگیل تپه ترالکه یک قلعه مستحکمی ساخته که یازده
هزار نفر از ترکمنهای تکه دران متحصن شده اند و بهمین قلعه و حصار و دیوار ظاهری گیوک تپه دسته پیش
قراول قشون روس در نهم ماه سپتامبر حمله و یورش برده اند

از ظاهر عبارت راپورت مذکور چنین مفهوم میشود که یورش و حمله مزبور را تنها همان دسته پیش قراول
جاسوس برده اند و متحمل خسارات کلی شده در راپورتی که ژنرال لاماکین بتاریخ شانزدهم ماه سپتامبر
نوشته گوید امروز من با دسته لشکر در قلعه بروما هستم یعنی دسته لشکر همانحالت را دارد که پیش از
حمله و یورش در نهم سپتامبر داشت نیز ژنرال مشار الیه اعلام مینماید که ظن غالب من این است که
شکست فاحشی که باهالی تکه داده شده اسباب تسهیل عمل ما شود

خلاصه هنوز ازین راپورتهای مختصر اصل مطلب بدست نمیاید ولی در هر حال واضح و هویداست که
لشکر روس در این سفر جنگ در مقابل ترالکمه تکه نباید تعلل و تامل نماید بلکه لازم است که حتی الامکان سعی
کند که بزودی شکست نمایان تری بترکمنهای تکه بدهد والا مکث و تامل لشکر روس را طایفه مزبوره حمل بضعف و
دست کشیدن از جنگ و خیال مراجعت خواهند نمود

دولت المان وکیل روزنامه گولوس روسی بتاریخ بیست و ششم سپتامبر از شهر برلن مینویسد
بغیر از روزنامه پروونسیال کورسپوندانس که ملاقات اعلیحضرت امپراطور روس و اعلیحضرت
امپراطور المان را دلیل مجدد و ثبوتی جدید برای دوستی و مودت مابین دو امپراطور میداند جمیع روزنامه های

دیگر این شهر در باب این ملاقات هیچ گفتگو و تحقیقی نمینمایند و از انطرف روزنامه معروف بروز نامه
شمالی در جواب روزنامه دباکوید جمیع شهرتهائیکه روزنامه های مختلفه در باب منازعه صدر اعظم دولت
روس و صدر اعظم دولت المان داده اند باطل و بیمعنی است و گوید بعقیده من معین کردن جهته و سبب
این نزاع از روی حدس و قیاس کار بسیار مشکلی است زیرا که بر همه کس این مطلب معلوم است که از
زمان انعقاد مجلس کنگره برلن این هر دو صدر اعظم با هم کمال دوستی را داشته و هیچوقت اتفاق
نیفتاد که آنها بدون واسطه شخصاً با هم مکالمه و مراوده داشته باشند که حالت فیمابین آنها مجهول و
مستور بماند خلاصه مقصود و منظور عمده نگارنده روزنامه عمومی المان شمالی اینست که بالفرض هم
اگر آن دو شخص بزرگ دولتین با هم عداوتی داشته باشند دخلی به پلتیک دو دولت ندارد و خصومت
و کدورت شخصی دو صدر اعظم نمیتواند اسباب دشمنی دو دولت بشود مگر علت عمده دیگر فیمابین دو دولتین
وجود بهم رساند برای توضیح و تبیین حالت و عقیده عمومی اهالی اینشهر بموقع نیست که بعرض مطالعه
کنندگان این روزنامه برسانیم که قلیل زمانی قبل ازین اعلیحضرت امپراطور المان چندگاهی در شهر
کیونیکسبرگ توقف داشتند در آن ایام یکروز در عمارت بورس مجلس ضیافت و جشن بسیار بزرگی
برای اعلیحضرت امپراطور منعقد نمودند و رئیس انمجلس در ضمن نطقی که کرد بکنایه ذکری از قراولان و
مستحفظین که در امتداد رود ویسلا استند نمود اجزای مجلس اعتنائی باین سخن نکردند و اعلیحضرت
امپراطور نیز در جوابیکه بنطق رئیس مجلس دادند در باب کنایه مزبوره هیچ اظهاری ننمودند

ولیعهد دولت المان هم اظهار داشته اند که این مباحثه های پلیتیکی روزنامه های متفرقه کلا لاطایل و بی معنی است
ولی با وجود این تفصیلات مردمان اینجا هنوز آرام نگرفته اند و با اینکه هیچ علامت و اثری که مؤید صدق
عقاید آنها باشد و موجب تصدیق آرای آنها گردد بظهور نرسیده باز مردم مضطرب اند و معلوم میشود که
همه این مباحثه ها ناشی از اینست که در عالم پلیتیک دول کمال امنیت و آسایش حاصل است و بمحض
اینکه در اروپا یک واقعه عمده و بزرگی روی نماید و وجود یابد رفع جمیع این گفتگوها خواهد شد

این اوقات بنا است که پرنس بیزمارک سفری بوینه نماید و مردم در باب این سفر چیزها میگویند و تحقیقات
میکنند عقیده بعضی اینست که این سفر پرنس بیزمارک شبیه است بیکنوع حرکتی که در بازی شطرنج معمول است
و بر ضد و مخالف بازدید امپراطورها در الکسندررو میباشد اما صاحبان این عقیده تصور نمینمایند که پرنس
بیزمارک با وجود اینهمه اعتباری که دارد چگونه میتواند بر ضد خیال و رای امپراطور دولت متبوعه خود حرکت
و رفتار نماید و در هر صورت پلیتیک او باید مطابق با رای و میل امپراطور معظم الیه باشد اعتقاد برخی
دیگر اینست که پرنس بیزمارک از روی میل دولت اطریش را تقویت و حمایت میکند که آن دولت
متوالیا ممالک متعلقه بطوایف سلاو را متصرف شود و بواسطه داشتن ممالک وسیعه طایفه سلاو
مستغنی شده چشم از رعایای المانی خود بپوشد آنوقت بتدریج المانهای رعایای اطریش را با
اراضی آنها پرنس مشار الیه ضمیمه دولت المان نماید

اعتقاد من اینست که مقصود اصلی اعلیحضرت امپراطور المان از سفر کردن بوینه منعقد نمودن یک عهدنامه

تجارتی

تجارتی میباشد که دیر گاهی است در باب آن گفتگو مینمایند و تاکنون دو دفعه چنین عهدنامه منعقد
شده ولی چون هر دو دفعه مبانی آن غیر مستحکم بوده و چنانکه باید کاملا انعقاد نیافته حال صدر اعظم
دولت المان بخیال افتاده که اینعمل را بدرستی انجام دهد و احتمال میرود که این عهدنامه بزودی
منعقد شود زیرا که موانع عمده برای اینکار در پیش نیست

الآن قریب یکسال است که قوانین در باب سوسیالیستها برقرار و امضا شده با وجود این نمیتوان
گفت این قوانین کاملا مجری شده و معمول و دایر گردیده است زیرا که در مجلس انتخاب اجزای
دیپلوماسی در دولت ساکس برای هواخواهان فرقه سوسیالیست امکان یافته که دو نفر از
خودشان را در جزو اجزای منتخب شده برقرار نمایند

دولت انگلیس وکیل روزنامه استاندارت از شهر بمبئی بتاریخ بیست و سیم ماه سپتامبر
مینویسد که در سرحد دولت انگلیس اخبار مختلفه شهرت دارد در باب وقایع متفرقه شهر کابل
یکفقره در میان بومرادان ولایت مشهور است که امیر وفات کرده ولی همین خبر هم باختلاف ذکر
میشود بعضی گویند امیر را یاغیان بقتل رسانیده برخی دیگر بر این اند که امیر خود اسباب اتلاف خود
شده باینمعنی که خود را بدست خود کشته است و میگویند در شهر کابل اغتشاش و بی نظمی کلی میباشد
و یاغیان باتفاق اجامره و اوباش تمام بازارهای شهر را چپو و غارت کرده اند و بسیاری از مردمان
بی گناه را که مطلقا در کار جنگ و طغیان مداخله نداشته هلاک نموده اند در قندهار با کمال سعی و کوشش

مشغول کارهای لازمه میباشند و قسمت عمده دیویزیون ژنرال استیوارت دوباره در کار جمع شدن
در این نقطه است نیز آنچه تهیه و تدارک برای حرکت بطرف کلات گیلزای لازم است دیده شده
کسبه و تجار شهر نهایت رضامندی و خوشحالی را از مراجعت قشون انگلیس دارند و عموماً کمال
نظم و امنیت حاصل است اهالی شهر قندهار مدتهای متمادی گرفتار ظلم و تعدی کابلیها بوده اند و
حالا احتمال میدهند که قندهار دوباره پای تخت افغانستان شود و این امید اسباب مسرت آنها
میباشد از سکنه آنهائی که معتبر اند انگار و ظاهر ارگشتن سفیر انگلیس و اجرای آن دلتنگی مینمایند
و بشدت این کار را تقبیح میکنند بعضی نوشتجات بقندهار رسیده بود مبنی بر تحریک و شورانیدن
اهالی این بلد با انگلیسها و مشارکت و همدستی با سایر یاغیها و گویند از این قبیل مراسلات بسایر بلاد
افغانستان هم فرستاده بودند در قندهار واهمه و تشویشی از بی نظمی و آشوب عمده نیست اگرچه گاه گاه
مفسده های جزئی که نتیجه تعصب مذهبی است برپا میشود گفتگو در اینست که اهالی شهر غزنی و گیلزای چگونه
رفتار نمایند غزنی که مردم آن شریرترین اهالی بلاد افغانستان میباشند احتمال دارد که تقلید
کابلیها را کنند سرکردگان و سرداران قندهار را عقیده اینست که محرک اصلی طغیان و یاغیگری
مردم کابل افواج هرات میباشند و بموجب دستورالعمل و راهنمائیهای مخفی ایوب خان حاکم هرات
که قلیل زمانی قبل از این کاغذی مبنی بر مذمت و ایراد بیعقوب خان امیر افغانستان نوشته که چرا
با انگلیسها صلح کرده است حرکت نموده اند ایوب خان بجاه طلبی و میل مفرط بعزت و بزرگی وکراهی

معروف است و کمال رشک و حسد را نسبت ببرادر خود از بابت ریاست او دارد اهالی ولایات
سرحدیه علی العجاله ساکت و آرام میباشند مع ذلک هنوز بطور اطمینان و یقین نمیتوان گفت
که آنها بهمین حالت باقی خواهند ماند و محتمل که آنها منتظر روز معینی باشند که طغیان و شورش عمومی
برپا شود و بنابرین ما باید حاضر باشیم که یورش و حملهای آنها را بسرحدات خودمان مدافعه نمائیم و
راههای خود را از دست اندازیهای آنها محفوظ داریم دسته های قشون که مأمور نقاط مختلفه سرحدات
اند با کمال مراقبت و دقت مشغول خدمت و مأموریت خود میباشند عقیده عمومی اینست
که وکلای روزنامه های مختلفه را اجازه دهند که همراه قشون حرکت کنند اما اگر قرار این باشد که وکلای
مزبوره هریک برای خود بنه و اسباب مخصوص بردارند و بخرج خود آن اسباب و بنه را حمل و نقل
نمایند و بکلی جدا از قشون باشند نادر کسی از آنها داوطلب خواهد شد که باین راه برود در صورتیکه
وکلای روزنامه ها قشون را همراهی کنند امید هست که تفصیلات مشروح مبسوط مبتنی بر حقیقت و عیب
جوئیها از حرکات و رفتار آحاد و افراد لشکری انتشار یابد ولی اگر وکلای مزبوره با قشون همراه نباشند
و اخبار و وقایع متعلقه بجنگ بدستورالعمل و اجازه صاحب منصبان لشکر نوشته شود بهیچوجه آن سطورات
را اعتباری نخواهد بود گذشته از این ممکن است صاحب منصبان گرفتار کار و خدمت خود باشند یا کشته شوند
در اینصورت اشخاصی که از روزنامه های آنها کسب فایده میکردند در حین اشتعال نایره حرب و بحبوحه جنگ
از اخبار و اطلاعات عمده بی بهره و محروم خواهند شد در باب آسایش و تسهیل عمل وکلای مذکوره

البته خود آنها فکر درستی خواهند کرد

بموجب اخباری که دوازدهم ماه سپتامبر در روزنامه استاندارت لندن اعلام شده مملکت واقع فیمابین کابل و هرات نیز بسیار مغشوش است امنا و ارکان هندوستان نهایت ساعی میباشند که با قشونی کافی حرکت کنند و افواج هرات را تعاقب نمایند و بلوکاتی را که افواج مزبوره در بین عبور مغشوش و تحریک بیاغیگری کرده امن و آرام کنند نیز اعلام مینمایند که مبنای تدبیر و طرح جنگ امنای هند اینست که جمیع راهها و جاده هائی را که از هندوستان انگلیسی بطرف کابل میرود بگیرند و اقلا در همه جا موقتا دسته های قشون قراول بمحارست بگمارند در باب امیر سنوز دولت انگلیس هیچ خبر صحیحی ندارد

دولت عثمانی بتاریخ دوازدهم ماه سپتامبر از شهر اسلامبول بروزنامه نگار کورسپوندانس چنین تلگراف کرده اند راست است که ظاهرا معلوم میباشد که گفتگو و سؤال و جواب در باب تصحیح سرحدات یونانی بقا و امتداد خواهد داشت ولی از آنجا که دول اروپا چندان از روی میل اقدام بکار تصحیح سرحدات مزبوره نمینمایند و از توسط نمودن در اینکار اکراه دارند نتیجه این گفتگو و سؤال و جوابها مختلط بشک و شبهه میشود و بلکه بسیاری از مردم مرخصی موقتی بعضی از سفرای دول اروپا را دلیل و مؤید حل نشدن مسئله سرحدات یونانی بدلخواه یونانیان و مطابق دعاوی اهالی یونان میدانند در بعضی اداره های متفرقه دولت عثمانی چنین شهرت دارد که توفیق پاشا خدیو جدید مصر اعلام نموده است که بعد از ماه رمضان باسلامبول بحضور اعلیحضرت سلطان خواهد آمد

بلغارستان

بلغارستان از صوفیه به آژانس رتیر بتاریخ یازدهم سپتامبر تلگراف کرده اند که امروز در اینجا یک عید بزرگ و جشن عظیمی محض افتخار عید مخصوص اعلیحضرت الکساندر امپراطور روس و پرنس الکساندر والی بلغارستان گرفته اند و تمام شهر بزینتهای مختلفه مزین گردیده و در کلیسای جامع شهر نماز و دعای شکرانه خوانده اند جمیع مأمورین و وکلای مخصوص دول اروپا در عمارت و تالار پذیرائی پرنس الکساندر حضور داشتند بعد از آن سان لشکر دیده شد شب تمام شهر را چراغان کردند و در همین روز حکمی صادر شده که بموجب آن باید در یازدهم ماه اکتبر جمیع اجزای مجلس شورای ملتی منتخب شوند و در بیست و ششم ماه مزبور مجلس پارلمان افتتاح خواهد شد

در شهر بلگراد هم محض افتخار روز عید مخصوص اعلیحضرت امپراطور روس جشن بزرگی گرفته اند و از این شهر نیز به آژانس رتیر تلگراف نموده اند که دانشمندان مملکت منتظر میباشند که ایلچی عثمانی در باب اینکه بلغارستان حق دارد که مأمور مخصوص دیپلوماسی از جانب خود در سربستان داشته باشد یا دارای این حق نیست سؤال و جواب نمایند یعنی عقیده دولت عثمانی این باشد که چون بلغارستان بدولت عثمانی باج بده میباشد مجاز نیست که مأمور مخصوص دیپلوماسی در سربستان داشته باشد

اطریش از بانیا یکی از روزنامه های شهر وینه موسوم به پرس در سیزدهم ماه سپتامبر تلگراف کرده اند که سرکرده لشکر عثمانی تخلیه اراضیی را که قشون اطریش گرفته بتاخیر میاندازد و انکار از این فقره دارد و منتظر وصول حسنی پاشا از سرایوو که میباشد و اظهار داشته که حکم این فقره با او است بهمان

روزنامه از پلیوبله تلگراف میکنند که تازه امروز اقدام بحرکت بطرف پرپیولیه نموده اند ودوک دو مارک

امروز بجهة استقبال حسنی پاشا روانه پرپیوی شد اهالی این شهر برای لشکر اطرافش تقریبا دویست باب

خانه خالی کرده اند یک قسمت از قشون ساخلو در سوباتی تروحیا منزل خواهند نمود آذوقه و مأکول

عساکر این پاشالق را تجار اینجا که اکثر از اهالی عثمانی هستند بموجب قرارنامه خواهند رسانید و

تاکنون بقدر پنجاه هزار اشرفی برسم ضمانت وبیمه سپرده اند

دولت فرانسه — ازشهر پاریس بتاریخ هشتم ماه سپتامبر بعد از نصف شب بروزنامه کیولن تلگراف کرده اند که مجلس جشن وضیافتی که در باغات معروف به بیوت شومون برای مقصرین کمونیست که از اخراج بلدی خلاص ومراجعت بوطن کرده فراهم آورده اند نصف شب بانجام رسید وباآنکه پنجاه هزار نفر جمعیت در آن مجلس حضور داشتند واکثر آنها عمله جات متفرقه بودند باکمال آرامی وامنیت گذشت اگرچه چندین مرتبه جمع اقدام بخواندن تصنیف معروف بمارسلیز نمودند ولی اغتشاش وآشوبی برپا نشد وفی الحقیقه شب بسیار خوبی بود چه از بابت چراغان وچه از جهة آتشبازی وغیره

دولت اسپانیا — ازشهر مادرید در دهم ماه سپتامبر به آژانس رتیر تلگراف کرده اند که کانواس دل کاستیلیو سفارش شده که ازجانب اعلیحضرت الفنس پادشاه اسپانیا بوینه رفته ارشیدوشس ماری کریستین را برای اعلیحضرت معظم الیه خواستگاری نماید چون ارشیدوشس مشارالیها با اعلیحضرت الفنس قرابت نزدیکی دارد لهذا دولت اسپانیا باین خیال است که پیش از وقت رجوع بحضرت پاپ نماید

نماید واجازه عقد ونکاح بخواهد

اخبار مختلفه

وکیل روزنامه طمس در پاریس شرحی مبنی بر تساوی ونسبت حالات متفرقه خدیو جدید مصر با خدیو قدیم نگاشته که خالی از ملاحتی نیست روزنامه نگار مزبور گوید میل مفرط وحرص زیاد اسمعیل پاشا خدیو سابق در جمع کردن پول وبنابرین حکایات وقصص زیاد درباب این حالت مشارالیه در السنه وافواه دایر است از جمله گویند از چهل ودو دست اسباب میز وسفره که از عهد سعید پاشا باقی مانده وبسیاری از آنها از طلای خالص مکلل بجواهر بود اسمعیل پاشا وقت رفتن بناپل چهل ویکدست از اسباب مذکوره را در صندوقهای خود گذاشته بارکرده برد وقتیکه یکنفر از دوستان توفیق پاشا خدیو جدید بنهار مهمان او شده اسباب سفره او را ناجور دید علت پرسید توفیق پاشا گفت پدرم فقط همین یکدست اسباب سفره را برای من گذاشته است وقتیکه مسئله معزولی اسمعیل پاشا معین شد وبانجام رسید مشارالیه هیچ خیال دیگر نداشت مگر اینکه حتی المقدور زیادتر اسباب در صندوقهای خود بگذارد ووقتیکه صندوقهای او را در گمرک خانه حاضر کردند قنسولهای دول خارجه حیرت وتعجب نمودند وپیش خود می گفتند که آیا لازم نیست اینهمه اسباب را ضبط کنیم کل [illegible] اسمعیل پاشا را شانزده ملیان لیره انگلیسی قیمت میکنند وباوجود این بکنت در روز حرکت بارگاری کرد که اسباب تعجب بود وتبیین آنکه درکنار سنگچین دریا وقتیکه بنا بود اسمعیل پاشا داخل کشتی شود یک قالیچه

کلی محض تشریفات او اند خسته‌اند اما چون اسمعیل پاشا خواست بنماید که معزول است و دیگر تشریفات سلطنتی برای
او جایز نیست پا روی آن قالیچه نگذاشت و از کنار قالیچه گذشت اما محض اینکه بمحل پلی که در آنجا وجوه گمرکخانه جمع میشود
رسیده و دانست که چهار هزار لیره از نقود گمرک موجود است باز وقار سلطنتی را بخود بسته مانند سابق حکم کرد آن
پولها را بیاورند در کشتی نزد او و با وجود تصاحب اینوجه چند روز بعد کاغذی بتوفیق پاشا پسر خود نوشته
اظهار معطلی و احتیاج نموده خواهش کرد سه هزار لیره برای مخارج او بفرستند توفیق پاشا برخلاف
آدمی است بسیار ممسک و قانع و صرفه جو چنانکه بسیاری از عملجات دربخانه خود را کم کرده و آنهائی را که
نگاهداشته ماه بماه در حضور خود مواجب میدهد و نیز تخفیف کلی در مخارج شخصی خود داده است بحدیکه کمتر از این غیر
ممکن است و اصلا یکدینار بدست خود خرج نمیکند و بانجام رسانیدن تعهدات مصر را برای خود تکلیفی عمده
قرار داده و اینفقره را از شرایط اولیه انسانیت میداند و یکنفر از اشخاص ثقه که خود برأی العین توفیق پاشا
را دیده گوید حالت امساک و ملاحظه مشار الیه بدرجه ایست که یک چراغی که در اطاق خالی از جمعیت
میسوزد او خود شخصا برمیخیزد آن چراغ را خاموش میکند

نمره ۲۵۹ بتاریخ اول ماه اکتبر

عقاید مختلفه روزنامه های متفرقه درباب ملاقات صدراعظم دولت المان و

صدراعظم دولت اطریش

سفر پرنس بیزمارک هنوز مطرح افکار و اسباب تحقیقات و تأویلات روزنامه های متفرقه دول اروپا میباشد

اما

اما ظاهرا دیگر شان و عظم پیش را نداشته باشد در ابتدای ورود پرنس بیزمارک بوینه همه
نمساویها یعنی مخالفین طوایف سلاو منتهای خوشی و وقتی را داشتند ولی اندک اندک این خرمی و
شادی رو بتخفیف نهاد و حالا کار بجائی رسیده که بر همه کس معلوم شده است که دولت اطریش
حتی الامکان باید در فکر صرفه خود باشد بلکه بعضی از روزنامه های اطریش چنین مذاکره مینمایند که حالت
دولت اطریش در منتخب نمودن دوست و معاهد خیلی بهتر از المانست و دولت اطریش در قبول
اتحاد و دوستی با دولت المان نباید ترک مودت و اتحاد دیگر با سایر دول خاصه با دولت فرانسه از دست
بنماید و آخر سخن اینکه در اداره همان روزنامه نگارها که منتهای خوشحالی را از اتحاد دولتین اطریش و المان
داشتند و گمان میکردند که این اتحاد برای دولت روس مثل یک ضربت کاری مهلکی خواهد بود این
اوقات خورده خورده مأیوس میشوند و دریافت میکنند که بهم خوردن میانه دولتین روس و المان
از کارهای بسیار مشکل میباشد بنابرین اهالی نمسه و مردم مجارستان نباید چندان از فتحی که در مقابل
طوایف سلاو نموده اند مطمئن و خاطر جمع باشند
اگر عقیده و رای روزنامه های مختلفه از قبیل روزنامه پرس شهر وینه و روزنامه دولتی هونگری موسوم به
لوید از این قبیل باشد اما روزنامه نگاران روزنامه های سلاو که از ورود پرنس بیزمارک بپای تخت
دولت اطریش هیچ امید خیر و خوشی نداشتند چندان اصراری در ثبوت فواید ملاقات دو صدراعظم
دولتین ندارند روزنامه موسوم به پلیتیک شهر پراگ در تمام اینمدت متوالیا با کمال اصرار مذاکره نموده

که این مودت و دوستی که دولت المان به دولت اطریش تکلیف مینماید منتهای خطر را از برای دولت اطریش
خواهد داشت و دولت اطریش در صورت قبول شرایط این مودت و اتحاد لابد بستگی کلی به دولت المان
بهم میرساند مگر در صورتیکه شرایط مودت دولت اطریش را مجبور بترک دوستی دولتین روس و
فرانسه کند   و حال اگر بر همه کس معلوم شده که صدر اعظم دولت المان موقع خوبی بدست آورده
و اسباب چینی نموده که یک راه وسیع بلا مانعی برای تجارت اهالی المان در ممالک اطریش و هنگری
بچنگ آورد   روزنامه پراگ در اثبات خطر دوستی دولت المان با دولت اطریش زیاده مصر گردیده
گوید با وجود این مودت و اتحاد هیچ بعید نیست که دولت اطریش از هر بابت وابسته بدولت المان
شود و اخر الامر باینده دولت ملحق گردد
وقتیکه بروزنامه های فرانسه رجوع میکنیم می بینیم که فرانسویها در اینفقره کمال هوشیاری و پیش بینی را
دارند و بهمین جهة اهالی فرانسه قوت و قدرت ملت خود را دانسته بطور وضوح و آشکاری حالت حالیه
و آتیه خود را مشاهده مینمایند و پیش از وقت میدانند که تکلیف آنها در این اوان و در آتیه چه خواهد بود روزنامه
رپوبلیک فرانسه یک مطلبی را انتشار داده که کل عالم پلیتیک را ملتفت خود ساخته و در آن مطلب
ظاهر مینماید که منافع و شان دولت فرانسه در اینست که خود را آزاد نگاه دارد و بستگی بهیچیک از دول
نداشته باشد و گوش بحرف هیچکس ندهد و همیشه خاصه این اوقات با احتیاط و هوشیار باشد این
دوستی و مودت پرنس بزمارک و کنت اندراسی ذره از برای دولت فرانسه موهم خطر نیست و این فقره را

یعنی نبودن بر ضد فرانسه را این هر دو صدر اعظم اظهار کرده اند و اگر هم اظهار نمینمودند باز توهم خطری نبود
علاوه بر این روزنامه رپوبلیک فرانسه گوید اینوقایع شهر وینه یعنی ملاقات صدر اعظم المان با صدر
اعظم اطریش و سئوال و جواب آنها اینقدر عظم و وقع برای فرانسه ندارد که دولت فرانسه با سایر دول
اروپا اظهاری در باب معاهده و اتحاد نماید یعنی در مقام انعقاد عهد مودتی بر خلاف و بر ضد معاهده
و اتحاد دولت المان و اطریش برآید
روزنامه نگارهای ایطالیا در ملاقات دو صدر اعظم مشار الیهما ملاحظه تغییر و تبدیلات زیاد در حسن
سلوک و معاملات دول متفرقه نسبت بیکدیگر مینمایند و هیچ چه اعتمادی بقول روزنامه های دولتی
المان و اطریش که میگویند ملاقات و گفتگوی پرنس بزمارک با امنای دولت اطریش محض حفظ
و برقراری امنیت و آسایش اروپاست نمینمایند   روزنامه اوپینیونه شهر رومه گوید هرگاه دولت المان
و اطریش یکرای شوند که با هم متفق و همدست باشند و در کارها باتفاق حرکت کنند میتوانند مختار و مالک
کل فواید اروپا گردند   روزنامه ریفورما افسوس میخورد که پرنس بزمارک عوض اینکه حفظ و نگاهداری
مودت ایطالیا را نماید باطریش چسبیده است   خلاصه روزنامه های ایطالیا باین گفتگو و سئوال و
جوابی که در وینه شده بیش از انقدریکه فی الحقیقه عظم و شان دارد وقع گذاشته اند و بلکه در اینباب
بطور اغراق سخن میگویند و معلوم میشود در شناختن و دانستن شان و لیاقت ملت خود حست و چالاک تر از فرانسه اند
در همان هنگامی که روزنامه نگارهای مطیع وزارت دولت انگلیس توصیف و تمجید از گفتگو و سئوال جواب وینه

مینمایند و این گفتگو را منزله یک ضمانتی برای امنیت و آسایش اروپا میدانند هواخواهان دسته لیبرال
بحالت اطریش افسوس میخورند و قیاس کار آتیه اطریش را نموده میگویند در دوستی پرنس بزمارک از
برای دولت اطریش فایده و خیری نیست روزنامه نگار ولی نیوس گوید دوستی و مودت پرنس بزمارک هیچ وقت
ثبات و دوامی نداشته است و همیشه مودت او محض غرض شخصی بوده و اسباب ضرر و خسارت طرف مقابل
در روزنامه نگار مزبور محض تمثیل دوستیهای پرنس بزمارک را با ناپلیون سیم و ایطالیا و روسیه بیاد
میآورد و دولت اطریش را مخاطب ساخته گوید مودت این دولت برای پرنس بزمارک نهایت مفید و
با ثمر است و این یک حسابیست که پرنس مشارالیه از روی کمال مهارت و استادی کرده است زیرا که
هر قدر دولت اطریش بطرف مشرق حرکت نماید همانقدر مجبور بزد و خورد با دولت روس میشود و دولت
روس باید جمیع هوش و حواس و قوای خود را بمصرف مدافعه اطریش رساند در اینصورت دولت المان
در سرحد مشرقی خود آسوده و خاطر جمع خواهد بود پس از این تحقیقات دلایل دیگر برای ثبوت پلیتیک با
غرض پرنس بزمارک اقامه نموده گوید این شخص در بهم زدن میانه دو دوست و مودت آنها را بدشمنی
مبدل نمودن و در اصلاح فیمابین دو دشمن و محض صلاح وقت آنها را باهم دوست نمودن ید طولائی دارد بلکه
اینکار در پیش او از کارهای بسیار سهل و فن و حرفه اوست و در آخر مطالب خود گوید در عصر ما این حرکات
و رفتار از یک مقتدر معظم معززی قبیح است زیرا که مدار کار یک ملت بلکه تمام ملل همیشه اوقات در تحت
این قسم پلیتیک و تدابیر غیر مردانه نخواهد ماند ولی چه باید کرد که علی العجاله در مقابل این پلیتیک هیچ مانع و سدی ممکن نیست

دولت

دولت فرانسه

دیروز فرقه لژیتیمیست فرانسه یعنی هواخواهان دودمان سلطنت بوربن
یک عید و جشنی محض افتخار روز مولود کنت شامبور گرفتند و در هر محل از فرانسه که از هواخواهان مزبور جمعیتی بود
میشد جشن و مجلس ضیافتی منعقد بود بموجب اخبار تلگرافی مجالس جشن و مهمانیهای امسال بیش از سنوات
سابقه بوده است ولی از این فقره نباید چنین استنباط نمود که بر دسته هواخواهان لژیتیمیست افزوده شده بلکه
جهة زیادی مجالس جشن و ضیافت این است که رؤسا و صاحب داعیه‌های این فرقه پیش از وقت مرور
و تدریج اسباب چینی و تهیه برای یک اغتشاشی کرده بودند و میخواستند اعتبار و قدرت خود را بنمایند ولی
فرقه مزبوره خبط کرده اند زیرا که موجب بعضی وقایع و اوضاع این حرکات لژیتیمیست ها بدتر و بیشتر اسباب خرابی
کارهای آنها خواهد شد بلکه آنها آن عظم و شأنی را که در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و سه داشتند که دو شعبه
دودمان سلطنتی بوربن بواسطه مواصلت مبدل بیک شعبه شد یعنی پرنسهای اورلیان خویشی و قرابت با
کنت شامبور بهم رسانیدند حالا نخواهند داشت
مجالس جشن و ضیافت دیروز شرح و سرگذشت مخصوصی دارد و آن اینست که بعد از رسیدن خبر
مرگ پرنس امپریال بلافاصله یک حرکت عمده بجهة نمودن اعتبار و قوت دسته هواخواهان سلطنت
ظهور نمود و اول دسته هواخواهان پرنس اورلیان اقدام باین خیال و حرکت نمودند و تدبیر که کردند این
بود که خواستند جمیع دشمنان طریقه جمهوری را شکل یکنفس بسیار قوی در مقابل دولت جمهوری وادارند
لژیتیمیست ها با کمال گرمی و رغبت این خیال را پذیره شدند ولی در اقدام و انجام این خیال با شکی و دقوقی

گردند و بجای اینکه برای خیال واراده خود یک بهانه بدست بیاورند که برضد اورلیانیست ها باشند برضد بوناپارتیست ها

که نمیخواهند ژرژم بوناپارت را بریاست قبول کنند وطوری کنند که همه بوناپارتیست ها درکمال میل ورغبت در

مجالس ومجامع آنها جمع وحاضر شوند لژیتیمیست ها روز جشن وضیافت را روز مولود کنت شامبور یعنی روز

بیست ونهم سپتامبر قرار دادند وقبل ازینکه معلوم کنند که اورلیانیست ها شرکت در این جشن وضیافت خواهند

کرد یانه اقدام بتهیه جشن نمودند لژیتیمیست ها قطع ویقین داشتند که هواخواهان فرقه اورلیانیست در مجالس

جشن آنها حاضر خواهند شد بدلیل اینکه در سنه هزار وهشتصد وهفتاد وسه جمیع پرنسهای اورلیان کنت

شامبور را بریاست دودمان سلطنتی فرانسه قبول کرده اند وحال آنکه اورلیانیست ها اندک میل اقدام باینکار را نداشتند

زیرا که از فصل پاییز سنه هزار وهشتصد وهفتاد وسه وقت زیادی گذشته ووقایع وسوانح متفرقه روی داده

وآن وقایع وسوانح بطور وضوح ثابت نموده که آن طرح وتدابیر که هواخواهان طایفه بوربن کشیده کردند نتیجه

بطور دلخواه ایشان نخواهد داد ومقصود دیگر که درین خویشی وقرابت بود بعمل نخواهد آمد پرنسهای اورلیان فقط بیک

ملاقات با نری پنجم در فرشدرف نصف بیشتر از هواخواهان آنها ترک این هواخواهی را کرده از ایشان بری

جستند وآن هواخواهان جزو دسته جمهوری طلب شدند کنت پاریس ملتفت این خبط خود شده کمال سعی و

کوشش را مینماید که رفع آن را بکند واز رؤسای دولت جمهوری استدعا کرد که او را در جزو صاحب منصبان لشکر

وقشون قبول نمایند ومنصب سرهنگ درجه دویم گرفت پرنسهای دیگر اورلیان جمیعاً در قشون بحری مشغول خدمات

نظامی میباشند حتی در ریاست ژول گروی هم در مشاغل خود باقی وبرقرار هستند واز همه این فقرات بطور

وضوح

وضوح معلوم میشود که اورلیانیست ها بهیچ وجه ادعای اینکه از اجزای خانواده سلطنتی فرانسه باشند ندارند در

حالتی که رئیس وشخص اول آن خانواده آشکارا اعلام مینماید که در اولین موقعی که بدست او آید طریقه حالیه دولت

فرانسه را بهم خواهد زد لژیتیمیست ها این نکات ودقایق را درست ملاحظه کردند وبرای بعضی از معتبرین

وصاحب اسمهای اورلیانیست ها دعوت نامه فرستادند که آنها در جشن وضیافت بیست ونهم ماه سپتامبر

با لژیتیمیست ها شرکت نمایند واز جمله یک دعوت نامه هم برای رئیس اداره روزنامه پرنسهای اورلیان موسوم

بسلیل یعنی مسیو ادوارد اروه فرستادند ولی مسیو اروه قبول نکرده است که در آن جشن شراکت نماید

سهل است در روزنامه خود مطلبی درینباب طبع نموده ودلیل انکار خود را از مداخله وشراکت در این جشن

وبیمیلی خود را نسبت بمقصود اصلی لژیتیمیست ها اظهار کرده است مسیو اروه دوست ورفیق مخصوص کنت

پاریس وسایر پرنسهای اورلیانست واین فقره بر عظم واعتبار مطلبی که در روزنامه خود طبع کرده میافزاید و

همه کس ازین مطلب دریافت نمود که اجزای خانواده شاهزاده های اورلیان ترک اتحاد ومودت با کنت

شامبور را خواهند نمود واین فقره بهم خوردن میانه شاهزادگان اورلیان وکنت شامبور بحدی

آشکار وثابت است که بسیاری از خود لژیتیمیست ها بنهایت اوقات تلخی وخشم میگویند وارث حقیقی

کنت شامبور کنت پاریس نیست بلکه دن کارلس است ازینوضع که ذکر شد معلوم می شود که دولت

جمهوری منتهای قوت واقتدار را بهم رسانیده وبسیار عاقلانه رفتار کرده است که مانع این مجالس جشن

وضیافت دشمنان دولت جمهوری نشده واینک کل دول اروپا معتقد شده اند که دولت فرانسه دیگر

تشنه و شایق استقلال و برقرار شدن دودمان سلطنتی مثبت

دولت روس   در روزنامه انوالید روسی تفصیل ذیل که حاوی اخبار و حرکات و اعمال
دسته قشون روس در مقابل تراکمه تکه میباشد و ژنرال لاماکین در شانزدهم ماه سپتامبر از
بروما نوشته مسطور است

از سیم ماه سپتامبر الی دهم همین ماه قشون پیش قراول با بیارز بیده و جاسوسی مکان واقع در سمت گیوک تپه
میپرداخت و مخصوصا مشغول جمع اوری و کسب اطلاعات لازمه از مکان معروف بجزیره بری تراکمه
که ما تا بحال از آن کوی هیچ آگاهی نداشته ایم بود در دهم ماه سپتامبر دسته لشکر پیش قراول ما در نزدیکی
گیوک تپه بیک گروهی کثیر الجمعیت از ترکمنهای تکه برخورده و ترکمنها چندین مرتبه حمله بر دسته قشون لشکر
مذکور نموده ولی هر دفعه با شکست و خذلان کلی خود را عقب کشیده اند در نزدیکی گیوک تپه یعنی در دنکیل تپه
تراکمه تکه یک قلعه و استحکامات معتبری برپا نموده بودند و پانزده هزار نفر در آنجا حاضر و موجود بود و با وجود مدافعه
یاس آمیز تراکمه دسته قشون پیش قراول ما در استحکامات جلو آن قلعه قرار گرفته و جای گیر شده اند و
خسارات عمده بدشمن وارد آورده بعد از آن در مدت شش ساعت دسته پیش قراول ما مشغول تیر اندازی
بطرف قلعه دشمن که زیاده از بیست هزار نفر زن و مرد و طفل در آن متحصن شده بودند بود و فی الحقیقه
توپخانه ما نهایت خرابی و خسارت را بآن قلعه و اهالی قلعه وارد آورد چنانکه اسرای تراکمه که بجنگ ما افتادند
میگویند در این روز چندین هزار نفر ترکمن هلاک شده اند در ساعت پنج بعد از ظهر دسته قشون ما دوباره اقدام

بیورش

بیورش و حمله نمود و با کمال جرأت دست بسرنیزه تفنگ کرده پیش رفت ولی از آنجاکه در قدمی
انواع و اقسام اشکالات وجود بهم میرسانید و شب هم در رسید و هوا تاریک شد دسته لشکر ما لابد
ایستاد و ظلمت شب میان جان دشمن رسیده فرار کرد و قشون ما چون بسیار خسته شده بودند نتوانستند
آنها را تعاقب کنند   در حقیقت از اول این جنگ تا آخر لشکر ما با کمال افتخار و سر بلندی حرکت
نمود ولی خسارت کلی هم متحمل شده چنانکه هفت نفر صاحب منصب و دویست و سی و چهار نفر سرباز کشته
شده بالجمله نتیجه و حاصل این جاسوسی و بازدید آن شد که طریقه و طرزی که باید بعد ها حرکت شود معلوم شد و
بدست آمد امروز با دسته عمده لشکر در بروما هستیم و در تحمیل بفراهم آوردن انبارهای آذوقه و توپخانه اشتغال
داریم و گمان میکنیم این شکست فاحشی که بتراکمه وارد آمده و خساراتی که متحمل شده اند اسباب تسهیل عمل ما شود
در روزنامه قفقاز شرح ذیل را که متعلق است بحرکات و اعمال دسته قشون مامور در مقابل تراکمه آخال
تکه از هیجدهم ماه اوت الی هفتم ماه سپتامبر نگاشته اند
در اثنای حرکت دسته قشون مامور در مقابل تراکمه آخال تکه از ترساکان بطرف قلعه خاجان اوغلی
پیش قراول این قشون بریاست پرنس دلگوروکی سرهنگ با یک دسته از ترکمنهای آخال تکه تلاقی
نموده است این دسته تراکمه مکان کوهستانی خود را محل امید قرار داده میخواستند جلو دسته لشکر روس را
سد نمایند و آنها را شکست دهند   بقیه این دسته تراکمه بعد از شکستی که در هیجدهم ماه اوت متحمل شدند
بسرداری و ریاست چند نفر از سرداران و ایشانهای (علما) بسیار معروف معتبر جمع شده در نزدیکی

پدرس و از جبال کوپت داغ عبور کرده منقسم بچند دسته شده هر دسته روانه منزل و آبادی خود شده اند
پرنس دلگورکی بخیال تعاقب نیز اگر ممکن باشد بقصد یکباره شکست دادن تراکمه فراری سه دسته سرباز
پیاده و سه عراده توپ کوهستانی و پانصد نفر سواره در بیست و دوم ماه از خاجان قلعه مأمور نموده که از
گردنه خواجه عبور نمایند و از پهلوی استحکامات متفرقه گذشته باطراف چاههای دمیرجان و دولت و
نیاز دکمین قزاق حرکت کنند دسته سوارها در یک شب شصت ورست که تقریباً نه فرسنگ باشد
راه طی کرده که بیست ورست از آن راه کوهستان بوده است و چهل ورست در میان ریگستان وقت
سحر روز بیست و هشتم او بغتة بدون اینکه ترکمنها مترقب باشند از هر سمت در اطراف چاههای مذکور نمودار
شدند و بعد از قلیل زمانی تیراندازی ترکمنهای مسلح را پراکنده و متفرق ساخته یکنفر از سربازان روسی را
که بجنگ آنها اسیر بود پس گرفته یکهزار و دویست نفر شتر و شش هزار راس گوسفند هم از آنها اخذ کردند
در بودند خسارت ها در این جنگ منحصر است بیکنفر از سربازان ملیس که مفقود میباشد و دو نفر سرباز هم
مجروح شده اند در بیست و چهارم ماه او پرنس دلگورکی جمیع اجزای دسته سواره خود را جمع نموده در نزدیکی قریه
بامی و وقت صبح مراجعت به پدرس کرده که بدسته قشون عمده ملحق شود

در چهارم ماه سپتامبر در هنگام حرکت لشکر پیش قراول در نزدیک دورون وقت غروب آفتاب
دسته های سواره ترکمه تکه بنای جنگ و جدال با زنجیر قراولان ها نمودند و از طرفین شروع بتیراندازی
شد و تا نصف شب طول کشید نصف شب عرصه بر ترکمنهائیکه جلوتر از سایرین بودند بسیار تنگ شد
آنوقت

آنوقت ترکمه خود را عقب کشیدند در همین تیراندازی یکنفر از دراگونها مجروح و یک اسب قزاقی کشته شده
در هفتم ماه سپتامبر لشکر پیش قراول روز را در دورون منزل و استراحت مینمایند و دسته عمده قشون
نیز امروز وارد این محل میشود از ارچامان تا دورون در مسافت سه فرسنگ و نیم سه قریه با باغات میوه
از قبیل هلو و انگور و حاصلهای دیگر از قبیل پنبه و گندم و جو و غیرها دیده میشود و بس در خود دهات بغیر از
بعضی آثار و علامات چادرها و اسباب و اثاث البیت دیگر چیزی مشهود نمیشد

اطریش — در دولت اطریش این اواخر یک کتاب بسیار مفیدی طبع شده که نه تنها اهل
نظام فایده بی اندازه از آن حاصل خواهند کرد بلکه اهالی غیر نظام نیز آنرا با کمال میل و رغبت مطالعه مینمایند
و از آن محظوظ میگردند این کتاب موسوم است به توپخانه صحرائی دولت اطریش و فرانسه و المان و
انکلیس و روس و ایطالیا از حیثیت اسلحه و سایر متعلقات توپخانه و وضع و طریقه و قابلیت و مناسبت
توپها و سایر لوازم آنها بجهة عمل جنگ مصنف این کتاب یکنفر از فرمان دههای باطری توپخانه لشکر اطریش
و موسوم به بکرکین است و چندین تصدیق علمی و رتبه دکتری در بسیاری از علوم و صنایع دارد و چون در
جمیع دول درین ایام عمده خیالات و سعی و کوشش علمای عصر اینست که عمل توپخانه صحرائی دولت
خود را حتی الامکان تکمیل کنند مصنف مشار الیه یک نگارش و نقشه کاملی از وضع و حالت و ترکیب
و ترتیب توپخانه شش دولت معظم اروپا مدون نموده است اخبار و اطلاعات متعلقه بتوپخانه
صحرائی روسی را این مصنف از کتب و روزنامه هائی که درباب توپخانه صحرائی روس نوشته شده کسب

کرده است و عدهٔ کل توپهای روس را دو هزار و هشتصد و چهل و هشت عراده قرار داده میگوید در صورتی
که فیمابین دولت روس و دول اروپا جنگ درگیرد دولت روس میتواند یکصد و بیست و سه باطری
سنگین و یکصد و بیست و دو باطری سبک و پنجاه و دو باطری اسبی در میدان جنگ حاضر نماید کل عدهٔ
باطریهای روس که میتواند در جنگ با دول اروپا در میدان جنگ حاضر شود دویست و نود و هفت باطری
با دو هزار و دویست و هفتاد و شش عراده توپ است هرگاه این عده را با عدهٔ توپها و باطریهای دول
دیگر که مصنف مشارالیه قلمداد نموده است نسبت دهیم معلوم میشود که تمکن هر دولتی از جنبهٔ بچه درجه است
چنانکه دولت اطریش یکصد و نود و دو باطری با یکهزار و پانصد و چهل عراده توپ دارد و دولت المان
سیصد باطری با یکهزار و هشتصد عراده توپ و انگلیس پنجاه و هفت باطری با سیصد و چهل و دو عراده
توپ و ایطالیا یکصد و چهل باطری با یکهزار و یکصد و بیست عراده توپ و اخرالامر دولت فرانسه سیصد و
بیست و سه باطری با یکهزار و نهصد و سی و هشت عراده توپ دارد

دولت انگلیس

در روزنامه استاندارت انگلیسی در بیست و سیم ماه سپتامبر بموجب مخابره
تلگرافی از شهر بمبئی مطلبی مسطور است که نگارنده آن روزنامه آنرا طرح ریزی رسمی افعال و اعمال آتیه
قشون انگلیسی در افغانستان قرار داده و گوید دیگر این طرح تغییر پذیر نیست و آن مطلب از قرار ذیل است
چون تصرف و تسخیر شهر کابل حتم و واجب شده است قرار برین داده اند که از درهٔ خورم لشکری بریاست
ژنرال روبرتس فرستاده شود که در پای تخت افغانستان مقیم و متوقف شوند عدهٔ لشکر مزبور

هفت

هفت هزار الی هشت هزار خواهد بود علاوه برین لشکر قشون دیگر برای حرکت حاضر است که راه مابین
پیشاور و کابل را امن و آسوده نگاهدارد ژنرال گوگ ریاست این دسته قشون را بعهده خود خواهد گرفت
و بطرف جلال آباد خواهد رفت ژنرال اربزنوگ بریاست دسته لشکر خیبر برقرار خواهد شد و فرمانفرمائی
کل اعمال و حرکات جنگی محول و مفوض بژنرال دورنیا شده است و ریاست لشکر واقع در اماکن مابین
اتلوک و چوکدالاک به ژنرال برایت تفویض شده است کل این قشون که حرکت کرده قابل است که
دفع کل عساکر افغان را که جسارت ورزیده بمقابله آیند نماید علاوه براین فقرات جمیع طرق و شوارع
امن و محفوظ خواهد بود و دو دسته لشکری که باید مشغول حمله و یورش باشد تقویت و کمک از پیشاور
خواهد یافت لشکری که باید از خیبر حرکت نماید عبارت از پانزده هزار نفر است مخابره تلگرافی مسطور در روزنامه
استاندارت اعلام مینماید که در اشت و دره واقع در میان لوگار و کابل حاصل فراوان است که علف تا
وقت درو آن میباشد علاوه براین در خود کابل هم تهیه و تدارک کلی از انواع و اقسام آذوقه بهم خواهد
رسید ولی از برای رفع جمیع موانع و اشکالات علی العجاله راه بطرف جلال آباد را متصرف خواهند شد
اخرالامر ژنرال استیوارت یک دسته قشون یعنی یک دیویزیون کامل با توپهای بزرگ بطرف غزنی
مامور نموده است و با آن دسته لشکر سپرده که هم ملتفت دشمن باشند هم مراقب و در صدد حفظ و
نگاهداری آسایش و امنیت برآیند در باب حرکت و طریقه رفتار آتیه در جلو شهر کابل و در خصوص
دفع و رفع طغیان و یاغیگری شهر هرات هنوز خبری نرسیده

و دولت فرانسه   توقف پرنس بزمارک در شهر وینه و پذیرائیها با شکوه و جلال که اهالی شهر

مزبور یا از صمیم قلب یا از روی تزویر از پرنس مشار الیه مینمایند و مشورتها و سؤال و جوابها که فیمابین

پرنس بزمارک و امنای دولت اطریش دایر است و تحقیقات مغرضانه روزنامه نگارهای انگلیس

درباب توقف پرنس بزمارک در وینه و مشاوره‌ها اسباب حرف و نقل و گفتگو میان اشخاص پلتیک

دان و اجزای دیپلوماسی شهر پاریس شده است

بطور یقین میتوان گفت این مشاورات و محاورات پرنس بزمارک و امنای دولت اطریش در

هر صورت نمیتواند اسباب خوشوقتی و مسرت دولت فرانسه شود این مودت و دوستی دولت

اطریش و المان سبب میشود که خیالات و امیدواریهائیکه مردم باتحاد و مودت دول فرانسه و

انگلیس و اطریش داشتند یکباره محو و نابود گردد   این روزها   مسیو وادینکتون وزیر امور خارجه

دولت فرانسه معجلا روانه دیپ شد که با کنت سالیسبوری وزیر امور خارجه انگلیس ملاقات نماید

و یک قسمت از دوستی و مودت مابین دول ثلاثه مذکوره را از محو و معدوم شدن محفوظ بدارد امروز

مسیو وادینکتون در مجلس شورای وزرا برفقای خود اطمینان داده گوید کنت سالیسبوری از ملاقات

و محاورات پرنس بزمارک و کنت اندراسی بهیچوجه مضطرب و مشوش نیست و نیز دولت انگلیس

از حالا بعد در دوستی و مودت با دولت فرانسه ثابت قدم و راسخ خواهد بود

نمیدانم چهار نفر وزیر دولت فرانسه که در مجلس شورای مذکور حضور داشتند این اطمینان مسیو وادینکتون

را چگونه

را چگونه پذیرفتند اعتقاد من اینست که وزرای مزبور بقدری عقل و شعور دارند که از حقیقت و کماهی مطلب

آگاهی داشته باشند و با این اطمینان مسیو وادینکتون خنده نکردند خودداری نموده اند زیرا که عدم اضطراب

و تشویش کنت سالیسبوری از ملاقات و مفاوضات آن دو صدر اعظم غرابتی ندارد بلکه این اتحاد

و معاهده دولتین المان و اطریش از آرزوهای عمده وزارت انگلیس بوده وجهه اینست که در صورتیکه

پرنس بزمارک یکمرتبه اطریش را بطرف مشرق پرت کند و میخواهد بواسطه کل اقتدار و قوت

دولت المان دولت اطریش را در حل مسئله شرقی مسلط تر از جمیع دول مینماید و بعد از آنکه دولت

اطریش در حل مسئله شرقی مسلط شد و تکیه گاه و اطمینانی در اقتدار خود بهم رسانید مثل اینست که یک

بار سنگینی کوه از دوش دولت انگلیس برداشته شده باشد

سالهاست که دولت انگلیس آرزو دارد که دولت اطریش را وادار باقدام بابتکار نماید تا درین اوقات

دولت اطریش بکمک و امداد دولت المان اقدام کرد و معلوم است که سالیسبوری ازین مرحله کمال

دلخوشی را دارد

وزیر امور خارجه انگلیس بقدری آسوده و آرام بوده که از تشویش و اضطراب وزیر امور خارجه فرانسه

بهره مندی حاصل نموده باینمعنی که او راضی ببعضی تخفیفات در مسئله تصحیح سرحدات یونان و مسئله

مصر نموده و بنابراین دولت یونان باید از یانینا بکلی صرف نظر نماید

وزرای فرانسه همه با مسیو وادینکتون همرای و صاحب یکعقیده نیستند و اکتفا و اعتقادی باین آسودگی

وعدم اضطراب کنت سالیسبوری ندارند و آنهائیکه نزدیک تر بسرحد دولت المان میباشند بوی
بارقطهائی راکه از مشق ها و جنگهای هفت لشکر در ممالکی که سابق از فرانسه بود و حالا متعلق است بدولت
المان مشتعل میشود احساس مینمایند از جمله مسیو لوپرسکام توقف در قلعه لوموون در نزدیکی بلفور
نطقی کرده و در ان نطق گفته است این استحکامات مرتفعه برای حفظ و حراست دولت فرانسه برپا شده
نه فقط برای تهدید و چون ما طالب صلح و امنیت و آسایش هستیم پس همه را حفظ و نگاهداری
خواهیم کرد و میتوانیم با کمال خرسندی و شادی اظهار نمائیم که اگر کسی میل دارد بما یورش آورد و حمله
نماید ما حاضر هستیم دولت فرانسه دولتی است که ملت آن با وجود یکه فرق متفرقه هستند منتهای
تعصب و حب وطن را دارند ما در مجلس صدور قوانین برای فراهم آوردن اسباب امنیت
و آسایش ملت خود یکرای و متفق بودیم و من در مسافت چند کیلومتر از سرحد خودمان این نجبان
را میگویم و بر صدق آنها تصدیق مینمایم

ازین گفتگوها چنین معلوم میشود که همه وزرای فرانسه در مسئله ملاقات دو صدر اعظم در روینه بیک عقیده
نیستند از یکطرف وزیر امور خارجه از عدم اضطراب و تشویش کنت سالیسبوری اظهار رضایت
و خوشوقتی مینماید از طرف دیگر رفیق او از مسافت دو قدم ثبت بمسئله ایشان میدهد
از اینها خوش مزه تر صحبتها و حرفهای متفرقه روزنامه نگارهای مختلفه فرانسه میباشد روزنامه های
اول جمهوری مدتی فقط باعلان نمودن اخبار تلگرافی انگلیسی درباب ملاقات و مشاوره دو صدر اعظم

الکفا

اکتفا مینمودند و بعد تهای مدید خیالات و استنباطهای غیر ممکن در خصوص معاهده دوستی دولتین المان و
اطریش میکردند و اظهار دلخوشی ازین مینمودند که در صورت وقوع معاهده مذکوره دولت روس تنها
و بدون یار و حامی خواهد ماند حالا که ملتفت مطلب شده اند جرأت نمیکنند که اقرار کنند که دولت
فرانسه تنها و منفرد مانده است

این دلخوشی و تسلی خاطر مردم از تنها ماندن دولت روس لایق بحال اطفال است زیرا که اگر دولت
روس یکمدتی موقتاً تنها بماند چندان واهمه و وحشتی ندارد زیرا که دولت روس خیال کینه جوئی
با کسی ندارد و آرزومند پس گرفتن ممالک خود که از او ربوده باشند نیست و خود فی نفسه بقدری مقتدر است
که احدی را بآن دست رس نیست و میتواند انقدر حوصله و صبر کند که باز در اروپا یک سانحه اتفاقی
واقع شود که از برای او امکان پذیرد که در پلتیک خارجه خود شعبه از شعب را اختیار نماید
تکلیف دولت فرانسه غیر از این نیست و اگر تنها و بی کمک بماند خطر کلی برای او در پیش خواهد بود پرنس بزمارک
بسیار خوب میداند که با یک تیر دو نشانه را زده است و با کمال مهارت و استادی گماشتگان مخصوص
در برلن و لندن دارد که تعریف و توصیف و تأویلات زیاد از بابت مسافرت او بوینه انتشار میدهند
باصرار هرچه تمامتر ساعی است که فایده و ثمره سفر خود را بجهت امور شرقی ثابت نماید ولی احتمال کلی دارد که مغرب
زود از شرق نتیجه و حاصل اتحاد و معاهده پرنس مشار الیه را با صدر اعظم دولت اطریش دریافت
نماید پرنس بزمارک از انجائیکه اصلا از اهالی برلن میباشد برحسب عادت سابقه خود اکتفا بوارد آوردن

یک ضربت کاری بدشمن موروثی خود نکرده او را میرنجاند و بهمین جهة است که روزنامه های انگلیسی و برلن و وینه
یکمرتبه بنا نموده اند باظهار و اعلام نمودن که دولت فرانسه نباید از اتحاد و معاهده دولتین اطریش والمان
واهمه کند و وحشت داشته باشد و اطمینان میدهند که دولت اطریش مداخله در جنگ دولت المان
با فرانسه نخواهد نمود و علت سعی و کوشش پرنس بزمارک در دوستی و مودت با دولت اطریش احداث
و ترتیب یک سد محکمی است در مقابل خیالات دولت روس از بابت تصرف و تصاحب نمودن
بعضی ممالک خلاصه میتوانیم از روی یقین بگوئیم این اطمینانهای روزنامه نگاران مشارالیهم که همگی نوع
عامل و گماشته از پرنس بزمارک میباشند هیچ دلیل دیگر ندارد مگر اینکه دولت فرانسه را برنجانند
روزنامه نگاران دولتی اینجا اگرچه انضربت شدید را که بواسطه معاهده مذکوره بدولت فرانسه وارد آمد با کمال
سکوت متحمل شدند ولی ریشخند و سخریه را دیگر نتوانستند تحمل نمود چنانکه ژورنال دوبا و رپوبلیک فرانسه و
سایرین با کمال رنجش و دلتنگی در جواب آن اطمینانها گویند دولت فرانسه ابدا واهمه و وحشت از معاهده
اطریش والمان ندارد و بهیچوجه محتاج بحرفهای مبنی بر اطمینان پرنس بزمارک نیست و از روی یقین
میداند که این پلتیک پرنس بزمارک بر ضد دولت روس است و معاهده دولتین المان و اطریش
یک ضمانت بسیار معتبری برای آسایش و امنیت اروپا میباشد
وکیل روزنامه تان که شخصی است بسیار نزدیک بسفیر فرانسه در شهر مذکور تلگراف ذیل را بروزنامه تان مینماید
من از یک سرچشمه معتبری میدانم که محاورات و گفتگوهای طولانی پرنس بزمارک و کنت اندراسی جمیعا از اول تا

تا آخر مبنی بر استقرار دوستی و مودت طرفین بوده و نتیجه و ثمره آن صحبتها این شده که اصول پلتیک
دولتین المان و اطریش را باهم موافقت و مناسبت داده معاهده دوستی و اتحاد فیمابین آن دو دولت
برقرار و منعقد نموده اند این معاهده و مودت بهیچوجه موجب و مورث حمله و یورش نخواهد شد ولی ضمنا
اسباب سکوت و خاموشی هواخواهان فرقه شوونیست و پانسلاویست میباشد که ضمانت اساس آسایش
و امنیت تمام اروپا را خواهد نمود حالت غیر معلوم دولت روس که دارای دو معنی است این اواخر دو
دولت را مجبور کرده که باهم نزدیک و معاهد شوند من بطور یقین میدانم که پرنس بزمارک به تیسران
دبور در سمانه اعلام کرده است که معاهده و مودت دولتین المان و اطریش بهیچوجه نباید اسباب
وحشت و تشویش دولت فرانسه شود و بسفیر فرانسه گفته ام که من شخصا در شهر برلن مسیو وادینگتون حقیقت
و صدق میل و آرزوی خود را در حفظ و نگاهداری دوستی و مودت با دولت فرانسه ثابت کرده ام و باز هم
میگویم که من هیچوقت از اختلاف کلمات و الفاظ بهره مند نمیشوم که خیال و عقیده حقیقی خود را پنهان نمایم
جواب روزنامه نگار ژورنال دوبا بروزنامه نگاران هنگری که آنها نیز در مقام اثبات بیخطری مشاورات شهر
وینه برای دولت فرانسه برآمده اند با معنی تر است و مضمون آن جواب اینست که دولت فرانسه آسوده
و مطمئن است و جهة اضطراب و تشویشی او را نیست و بقدریکه روزنامه نگاران هنگری اظهار خیرخواهی
بدولت فرانسه مینمایند دولت هم همان قدر اظهار خیرخواهی برای اهالی هنگری مینماید و میگوید
بگذار وکلای روزنامه های هنگری همانقدر که خطرات متفرقه را برای فرانسه مخفی مینمایند همانقدر هم نطایک

ان خطرات را بلامی هنگری مخفی و پنهان نمایند

فی الحقیقه این حرکت صدر اعظم المان که امنای دولت هنگری را وا میدارد بمجادله و جنگ با طوایف سلاوی اینده دولت برای همه کس هم خطر دارد هم میتواند اسباب اطمینان باشد برای تحقیق اینچنین مطلب یکعقل کاملی هست که هم عقل صدر اعظم المان و هم عقل صدر اعظم اطریش نسبت بآن ضعیف و قاصر و ناقص خواهد بود و آن عقل کامل عقیده و رای عمومی کل مخلوق روی زمین است که متفقا میگویند یک دولتی که مثل دولت اطریش و هنگری است یعنی مرکب است از اهالی مجار و سلاو و نمسه بهیچوجه نباید بخیال تسخیرات و تصرفات بیفتد زیرا که قو و ماهی دریائی و خرچنگ میتوانند بواسطه میل و حرکت بجهات مختلفه کالسکه اطریش را بهمان محلی که هست نگاهدارند (در امثال آورده اند که روزی خواستند یک کالسکه را راه بیندازند عوض اسب و قاطر و غیره یک قو و یک ماهی دریائی و یک خرچنگ بآن کالسکه بستند قو بطرف آسمان پرواز کرد ماهی ساعی بود که بطرف دریا برود خرچنگ مصر بود بعقب رفتن و از انجا که هر یک از آنها بنا بر حالت ذاتی خود میل بطرفی میکرد که ضد میل آن دیگری بود کالسکه بدون حرکت بجای خود باقی ماند حالت دولت اطریش و هنگری را هم باین کالسکه تشبیه کرده اند) و پرنس بزمارک بهیچوجه نمیتواند که مجار و سلاو و نمسه را بر این وا دارد که مدتی مدید پیروی یک پلیتیک را بنمایند و همین یکفقره بتنهائی اسباب منتهای خاطر جمعی و اطمینان است هم برای روس هم برای فرانسه

دولت جمهوری ارژانتین   این دولت در امریکای جنوبی است و در حقیقت یک

کنفدراسیون

کنفدراسیون یعنی اتحادی است که مرکب از چهارده ایالت است و هر یک از ایالات مذکوره بدون بستگی بآن دیگری بطور آزادی مشغول رتق و فتق امور خود میباشند از عجایب که درین دولت جمهوری است این است که مسکوکات آن نرخ معین معمول دائمی ندارد و هر ایالتی بملاحظه وقت و اقتضای پلیتیک خود در اوقات مختلفه نرخی از برای مسکوکات خود قرار میدهد مثلا پولی که موسوم به پشو ولاپلاتا است کاهی دو ریال یعنی یک فرانک رواج میباشد و کاهی یک ریال یعنی معادل نیم فرانک داد و ستد میشود و تعیین نرخ پول کلیة بسته بمیل و حکم و رای رئیس و حکمران ایالت است در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و دو مسیحی در پامپاس و ایالت بوئنوس آیروس قریب سه هزار گله گوسفند وجود داشت که عده گوسفند هر گله هزار و پانصد راس بود در این اوقات در همانجا سی و چهار هزار گله که عده هر گله مساوی است با عده گله های مزبور دارند در سنه مسطوره سالی دویست و هشتاد هزار راس گوسفند میکشتند و میخوردند حالا این عده رسیده است به بیست و چهار الی بیست و شش کرور یعنی در هر سالی بیست و چهار الی بیست و شش کرور راس گوسفند برای خوردن کشته میشود در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هشت تقریبا سی و پنج هزار و هشتصد و هفتاد و پنج نفر از اهالی خارجه نقل مکان و مهاجرت باین ولایت نموده اند

شرح مملکت کلجه   مملکت کلجه که قسمتی است از ایالت جونگاریا ناحیه ایست از ممالک چین غربی که در تصرف دولت روس است و دولت روس خیال دارد آنرا دوباره بدولت چین واگذار نماید آن مملکت از حیثیت صورت ظاهری و وضع و حالت طبیعی حاصل خیز از جمع قطعات د

اراضی آسیای مرکزی است و شباهت کامل بمملکت فرغانه دارد مملکت کلجه منقسم است بسه قسمت قسمت اول که قسمت حاصلخیز آنست دره است و از اتصال رودخانه گونگه با رودخانه تکه ترکیب و تشکیل یافته قسمت دوم عبارتست از کوهستان و جنگلها و قسمت اول را هم چنین دره های رودخانه های گونگه و تکه و کانی را احاطه کرده است قسمت سیم ریگستان و صحرا است که بطرف مغرب ممتد است و میرود تا خارج از مملکت مزبور قسمت حاصلخیز مملکت کلجه آب و هوای معتدل دارد و شدت حرارت و گرمی تابستان آن بدرجه شدت گرمای ترکستان نیست و بادهای سرد سیبری را هم جبال واقع در سرحد شمالی مملکت مانع است از رسیدن باین ساحت انواع و اقسام حبوبات و گندم و جو در اینجا بطور خوبی میروید و چون مقدار زیادی پنبه و تریاک و غیره از این قسمت مملکت کلجه بخارج حمل میشود این مملکت دارای مکنت و ثروت میباشد باغات اینجا میوه های خوب فراوان دارد که در شهرهای سرگیوپلسک و سمیپالاتینسک بفروش میرسد کرم ابریشم هم در اینجا در نهایت شیوع عمل آورده میشود در قسمت کوهستانی جنگلها و چراگاه و مراتع بسیار خوب وجود دارد و شکارهای زیاد و ممتاز در جنگلها یافت میشود آخر الامر در قطعه و قسمت ریگستان و صحرای مملکت کلجه بعضی قطعات مشهود است که کل ریش بسیار خوب دارد و از آن آجرهای چینی درست میکنند خود شهر کلجه موجب روایت زنی سیاح موسوم به اوبفاولی بوردون که سیاحتنامه معروف از اورنبورگ الی سمرقند را نوشته بسیار کثیف است و کوچه های تنگ بدون سنگ فرش دارد و راه مخصوص پیاده رو در کوچه ها نیست و پر است از پوست هندوانه و اطفال برهنه کثیف سکنه این شهر قالموق و مانجور و چینی و توروچا و دونگانها و سارتها میباشند

شرح سیاحت ماژور سرپا پنتیو

در افریقا

سرپا پنتیو از اهالی پرتوغال است و از سیاحان بحری بسیار معروف و مشهور و چندین سال رئیس لنگرگاه دولت پرتوغال بوده در گینه جنوبی در مدت چند سال توقف در آن صفحات انس و عادتی با آب و هوای آنجاها بهم رسانیده و اخبار و اطلاعات کامل از اوضاع و آداب و رسوم معموله آن نواحی حاصل نموده است سیاح مزبور در دوازدهم ماه نوابر سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هفت از بنگویلی باتفاق گرنیو و کاپلو و ایونس شروع بمسافرت نموده و در هیجدهم ماه مه سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هشت اشخاص مزبور در بیگه از هم جدا شده اند همراهان سرپا پنتیو بسمت شمال بطرف رودخانه زایر روانه شده اند و خود مشار الیه بطرف جنوب شرقی و از میان افریقا میان بر رفته در پانزدهم ماه بشهر ناتال رسید و نتایج عمده سیاحت او از قرار ذیل میباشد

اولا سرپا پنتیو محل مرتفعی را که محوطه رود لوالاب را در سمت شمال و محوطه رود زامبزه را در جنوب از هم جدا مینماید معین کرده است که در میان درجه دوازدهم و سیزدهم عرض جنوبی واقع میباشد و در آن سمت سلسله جبال کل سفید موسوم به بنگویلی ایضا از ارتفاعات سنگهای سماق که یکهزار و ششصد متر ارتفاع داشته عبور نموده و در جانب جنوب بسر چشمه های رودخانه های کوبانگو و زامبزه رسیده است این رودخانه آخری در اینجا معروف و موسوم به لیمبای یا لیمبا میباشد

ثانیاً سیاح مشارالیه بعد از عبور از جبال مزبور نازل شده است بیک مکان بسیار پر آب و باتلاقی
که محاط از مردابها بوده و از بسیاری باتلاق سکنه آنجا که کافرها میباشند الجاء در اماکن مرتفعه خانه و محل
سکنی برای خود قرار داده اند یعنی در آنجاها که آب نگرفته منزل و خانه ساخته اند سیاح مشارالیه گوید که کس
حتی جانورهای وحشی ازین مکان فرار مینمایند این امکنه زیاده از حد خالی از بضاعت میباشد حیوانات شکاری
در این صفحات بسیار نادرست و خود سرپانپتیو نزدیک بوده که از گرسنگی هلاک شود پس از آنکه این
سیاح قدری از امتداد رود ولیمبای دورتر میرود وحشیهای سفید پوست را می بیند که پیشانی برآمده
و لبهای کلفت آویخته و موهای بسیار کم درشت بر روی سرهای طاس خود دارند وحشیهای مذکور
ملبس بپوستهای کوچک میمون میباشند و اسلحه آنها تیر و کمان است اسم این وحشیها کاسکو
میباشد و مثل بوشمنها دائم الاوقات در سیر و گردش میباشند و هرگز زیاده از سه روز متوالیاً در یک جا
نمیمانند در امتداد رود زامبزه سیاح مشارالیه علامت و نشانی از طوایف باکالولوس و ماکالولوس
که لیوینگستون دیده بوده ندیده باید گمان کرد که آنها نقل مکان بجای دیگر کرده اند

ثالثاً بعد از آنکه سرپانپتیو در نزدیکی لباخوی از رود زامبزه گذشته داخل در یک صحرای بیابانی شده
رفته رفته بسواحل دریاچه ماکاریکاری ورود نموده این دریاچه بسیار شور است و نمک زیادی دارد دریاچه
ماکاریکاری بواسطه یک نهر طبیعی که موسوم به بوتلیه یا زوجا میباشد متصل است بدریاچه نگامی در سمت مشرق
آن دریاچه رودخانه بوگوباگو که سرچشمه آن در حوالی بیکه میباشد بدریاچه نگامی میریزد و وقت طغیان و فراوانی

آبها

آبهای رودخانه کوباگو و شعب آن میرود بطرف دریاچه نگامی از سمت مغرب از امتداد ماکاریکاری و در
فصل بارندگی آبهای ماکاریکاری از جانب مشرق میرود بطرف نگامی بنابرین در یک قسمت از سال نهر
بوتلیه بطرف مغرب جاری میشود و در قسمت دیگر سال بطرف مشرق

رودخانه کوماگو را مدتیست که سیاحان پرتوغالی اکتشاف نموده اند و در زمانیست که در آنجاها تجارت میکنند
سرپانپتیو از ماکاریکاری از صحرای موسوم بکالیگاری راه پیموده و به شوشونگ که شهریست در کنار رود لیمپوپو
و تقریباً سی هزار نفر جمعیت دارد رسیده است در اینجا این سیاح سیاحان انگلیسی را دیده و سیاحت
خود را ختم بهمین شهر مینماید

شرح دریاچه که آب جوشنده دارد

در یکی از جزایر آنتیل در دومینیک کوهی است مخروطی شکل بارتفاع یکهزار و چهار صد و پنجاه پا از سطح دریا و در یکی از
جوانب این کوه مخروطی دریاچه واقع است که آب آن جوشنده میباشد عرض دریاچه مزبوره یکصد و بیست
و پنج ذرع است و آب آن از دو چشمه سرد که از دامنه تلهای مرتفع جاری میشود میباشد در پایین جریان چندین
شعبه آب از چشمه های دیگر داخل در آن میشود و آب این چشمه ها بعضی سرد و صاف و برخی جوشنده یا گوگردی
سفید است که مقدار زیادی مگنزی در آنها محلول شده یا قرمز و سیاه است بنابر ترکیب شیمی که دارند بالجمله
آب دریاچه گاهی کاملاً در حالت جوشیدن است و حرارت آن میرسد بهشتاد الی هشتاد و سه درجه و زمانی
بکلی آرام است و فقط در بعضی جاها آب مثل فواره از زمین میجوشد در نزدیکی بزرگترین از فواره ها که تقریباً از چهار

الی پنجدرجه قطر آنست آب دریاچه بکلی سرد میباشد از قرار تجربه هائیکه بقاعده علم شیمی نموده اند آب این دریاچه

برای بعضی امراض از قبیل وجع مفاصل وغیره نهایت نافع ومفید باشد

تدبیر برای حفظ ونگاهداری چوب از آتش

یک قسمت ماسه نرم ودو قسمت خاکستر چوب وسه قسمت آهک آب زده را که در یک روغن نباتی سائیده
باشند باهم مخلوط کنند وآنرا بروی چوبیکه میخواهند از سوختن وآسیب آتش محفوظ بدارند بمالند ودر مالیدن
این شئ مخلوط بر روی چوب سعی واحتیاط کنند که ورقه اوّل مخلوط نازک باشد وورقه دوم ضخیم تر
این مخلوط محکم وسخت بر روی چوب میچسبد وآنرا از آتش حفظ مینماید

تدبیر برای رفع اذیت موش

چند دانه گردو را بشکنند ومغز آنهارا پوست کنده در آب خاکستر خوب بجوشانند وازآن در نزدیکی سوراخ
موش بیندازند از شرّ واذیت آنحیوان آسوده میشوند

از اوّل ماه ژوئیه در فرانسه مقرر شده که در پستخانه ها پاکتهای کاغذهای باز میگیرند ووجه جواب آنرا نیز دریافت
نموده صاحب کاغذ میتواند بدون اجرت مخصوص جواب خودرا اخذ نماید نرخ این کاغذ بلاحظه قرب وبعد
بلاد واماکن مختلفه متفاوت میباشد یعنی از بیست الی سی سانتیم که تقریباً از یکعباسی الی سیصد دینار
باشد میباشد این کاغذهای باز عبارتست از دو نیم ورق وقتیکه میخواهند جواب کاغذ را بفرستند آن نیم ورق دیگر

بر روی آن عنوان شخص جواب بده نوشته شده پاره میشود وجوابی که بر روی این نیم ورق سفید مینویسند
هیچ خرج پستخانه ندارد ونه تنها در ممالک داخله فرانسه اینفقره رواج است بلکه در الژری وممالک المان
معمول میباشد این کاغذهای باز را نیز مثل سایر کاغذها ممکن است سفارشی نمایند ودر انصورت برای هر یک
چنین کاغذی پنجشاهی علاوه بدهند

طریقه رفتار انگلیسها با طوایف پست افریقا

در یکی از روزنامه های دماغه امید موسوم به ارگوس تفصیلی درباب رفتار وحرکات اهالی انگلیس نسبت بطوایف
پست افریقا نوشته که صورت آن از قرار ذیل است

چند نفر از طایفه بوشمن گاوی از مهاجرین انگلیسی دزدیده بودند ومهاجرین از اینمطلب خبردار شده آنهارا تعاقب
میکنند وقتی بآنها میرسند که گاورا کشته وکباب کرده مشغول عیش وضیافت بوده اند مهاجرین مذکور
شروع بتیر اندازی نموده بساط عشرت وشادی آنهارا بهم میزنند ودر همانوقت تمام بوشمنهائی راکه در آنمحل
بوده اند قتل عام مینمایند یکی از اشخاصی که جزو همین مهاجرین وبا آنها همراه بوده نقل میکند بعد از تیراندازی بسیار
بقیة السیف بوشمنها که زنده بودند وهدف گلوله نشده تسلیم میشوند آنوقت مهاجرین انگلیسی بنای قرعه کشیدن را
میگذارند باینمعنی که قرعه باسم هرکس بیرون آید باید این اسرا را بقتل رساند وباید گفت که بما حکم شده بود که همه
بوشمنهائی راکه حالت وتوانائی حرکت نداشتند بقتل رسانیم ومن نهایت خوشوقتی را حاصل نمودم که قرعه باسم
من در نیامد یک دختر کوچک مجروح شده بود یعنی گلوله بپای او خورده ونمیتوانست برود من با رفیق خود در یکجا

ایستاده بودیم آن دختر رفیق مرا که یکوقتی آقای او بوده شناخت و پناه باو آورد زیرا که سه سال تمام باو خدمت
کرده بود رفیق من خواست کمکی باو کرده باشد و او را همراه خود بیاورد ولی چند نفر از همراهان ما که در میان [illegible]
زیاد اشجار گردش میکردند که انسان شکار کنند و مجروحین را پیدا نمایند که بقتل رسانند آن دختر بدبخت را
در همانوقتی که با دستمالی که آقای او باو داده مشغول بستن زخمهای خود بود کشتند خلاصه احدی از بوشمنها نجات
نیافت و این فقرات که مسطور شد در سه ماه قبل واقع نشده بلکه از سوانحی است که در ماه نوامبر سنه ماضیه سانح گردیده

من الغرایب

در امریکا شخصی مرسیه نام بعضی چیزها که تعلق بعلم طبیعی داشت هدیه داده بودند از جمله یک شاخه درخت قهوه
با برگ سبز و میوه است که در یک شیشه که قد آن قریب یکچارک و قطر آن تقریبا دو گره میباشد و در آن شیشه با چوب
پنبه بسته و با قیر در کمال استحکام پوشیده شده بوده و شیشه دارای مایعی است که علی الظاهر آب نمک باشد و شاخه را
این مایع مانع خرابی و فساد است مسیو مرسیه مدتها بتماشای طراوت و تازگی این شاخه قهوه که پدر او بارث برای
او گذاشته بود مشغول میشود و چون حساب میکنند معلوم میشود که این شاخه از پنجاه و سه سال قبل الی الآن باینحالت
باقی مانده است و چون بموجب تقریر و گفتار پدر خود چنین میدانسته که مایع این شیشه آب نمک است بخیال
افتاده که انواع و اقسام شاخه‌ها از درختهای مختلف در شیشه‌هائی که مملو از آب نمک است بگذارد و بدفعات
عدیده این کار را کرده ولی در هر دفعه شاخ درخت با برگ و میوه فاسد و ضایع شده است در سنه هزار و هشتصد و
هفتاد و هشت قیر سر شیشه که شاخه درخت قهوه در آن بوده فاسد میشود و مسیو مرسیه این قصه را مغتنم و نیکو دانسته

بار

که کسب بعضی فواید و اطلاعات از آن نماید بنابرین آب شیشه مزبوره را تجربه نموده و شخص شیمیست که این آب را
تجربه کرده تصدیق نموده که این مایع آب نمک است ولی چون در حین باز کردن سر شیشه معلوم شده که مطلقا
در شیشه گاز نیست گمان میکنند که این آب نمک را قبل از آنکه در شیشه بریزند جوشانیده اند و همینطور گرم گرم
در شیشه ریخته اند در موزه بجهة نگاهداشتن انواع و اقسام چیزهای نفیس الکل و جوهرات مختلفه دیگر استعمال میکنند
و بکار میبرند مسیو مرسیه را عقیده اینست که اثر و قدرت نمک دریائی را نیز بجهة این مقصود امتحان و تجربه نماید بحمل
آب و نمک را باید اول جوشانیده و وقتیکه آن آب نمک سرد شد چیزی را که میخواهند دیر زمانی نگاهدارند در آن بگذارند
و سر آن ظرف را با چوب پنبه و قیر محکم نمایند باعتقاد من باید آن ظرف را هم در آب نمک بجوشانند باینطور که
ظرف و شیشه که در آن چیزی برای نگاهداشتن گذاشته شده بعد از آنکه سر آنرا با چوب پنبه بستند قبل از آنکه
با قیر آنرا بپوشانند در یک حوضچه آب نمک گذارده بطوریکه آب چوب پنبه را احاطه کرده باشد و آب حوضچه را
بجوشانند تا آنکه تمام هوای شیشه یا ظرف جزو هوا شود آنوقت سر آنرا با قیر پوشانیده محکم نمایند و در این زمان
بهمین طورها در اکثری از دکاکین و انبارها آبهای ترش فواکه و میوه‌های متفرقه را بلکه خود میوه‌ها را نگاه میدارند

شرح لاک جلاکه از کهربا میسازند

در روزنامه ال ستند شرحی درباب ترجیح و برتری لاک جلا که از کهربا میسازند مسطور است و از قرار نگارش مزبور
برق و درخشندگی این لاک باعلا درجه امتیاز است و مخصوصا آنرا برای کالسکه و میز و صندلی و غیره که گران قیمت باشند
بسیار پسندیده اند خلاصه باید کهربای زرد را سفید نموده و از برای انجام این عمل یکمن تبریز کهربای زرد در یک دیگی بریزند

دو دو من نمک معمولی نیز در دیک ریخته بقدری آب روی آن ریزند که آن نمک حل شود بعد از آنکه نمک حل شد قدری باز آب بر آن بیافزایند و زیر دیک را آتش میکنند تا اینکه کهربا بکلّی سفید گردد آنوقت کهربای سفید کرده را اینکه در یک بوته آهنی و آن بوته را آنقدر روی آتش نگاه میدارند که کهربا آب میشود پس از آنکه کهربا آب شد و سرد گردید برای اینکه نمک را از آن استخراج کنند از آن در آب میشویند بعد از شستن دوباره کهربا را در بوته میگذارند و روی آتش نگاه میدارند تا مجدداً آب شود آنگاه این کهربای آب شده را میریزند روی یک تخته سنگ مرمر و آن سنگ را قدری گرم میکنند تا آبی که در کهربا مانده جزو هوا شود و هر وقت که میخواهند لاک جلا درست کنند قدری ازین کهربا را در هاون گذارده میکوبند بعد میگذارند در بوته آهنی پاکیزه و زیر آن آتش میکنند تا کهربا آب شود بعد از آنکه آب شد قدری روغن گردوی خوب بر آن بیافزایند و درست آنها را بهم میزنند همینکه این مخلوط قدری سرد شد بقدریکه لازم باشد برای ترتیب دادن لاک روغن بیافزایند

برای ترتیب دادن لاک خوب اشیای مسطوره در ذیل بمقدار مرقوم لازم است

کهربا پنج سیر   روغن گردو پنج سیر   روغن کتان یکچارک   ولاکی که از مخلوط این اشیا ساخته شود بهترین لاکها خواهد بود

تدبیر بجهة نگاهداری و حفظ اسباب و ظروف چینی و بلور از ترکیدن و شکستن بواسطه تغییرات فوری هوا

ظرف چینی و بلور را باید در پوشال پیچیده گذاشت در دیگی که مملو از آب سرد آمیخته با نمک باشد و مدتی آن آب نمک را

جوشانید بعد گذاشت آن آب نمک بتدریج و اندک اندک سرد شود و باید دانست که آبیکه آمیخته با نمک باشد بیشتر از آب متعارفی حرارت لازم دارد و هرگاه خواسته باشند ظروف و اسباب محکمتر شوند این عمل را مکرر کنند یعنی بمحض اینکه آب نمک از جوش افتاد و بنا کرد بسرد شدن دوباره بجوشانند

نمره ۸۴۲

در روزنامه گولوس روسی مطلبی بعنوان جنگ افغانستان نوشته شده که صورت آن از قرار ذیل است

در اواخر ماه ژوئیه هذه السنه سفارت دولت انگلیس داخل شهر کابل پای تخت افغانستان شد و معلوم است که ورود این سفارت با کمال تجمّل و عزت و احترام بود و محاورات طولانی با اصرار و تشدد و جنگ و جدالی که بقیمت بسیار گران تمام شده بود بدلخواه و خواهش دولت انگلیس اختتام یافت و آخر الامر سفارت مشار الیها در شهر کابل قبول شد

یکسال قبل نیز پدر امیر حالیه افغانستان مرحوم امیر شیر علیخان یک سفارت دیگر را با کمال میل و محبت در پای تخت خود قبول و پذیرائی نمود اما ایندفعه سفارت اروپائی با نهایت مودت و دوستی داخل شهر کابل شدند بعد از جنگ و جدال و تشدد و اصرار از حکام اهالی کابل با جلال و تجمل هر چه تمامتر و اطمینان و اعتماد وافر بحمایت و جانبداری اعلیحضرت امپراطور روس پذیرائی از سفیر اعلیحضرت معظم الیه نمودند نه از روی وحشت و اضطراب محاوره و گفتگوئیکه فیمابین دولت روس و امیر افغانستان بود بزودی مقطوع و موقوف شد ولی این انقطاع نه از بابت این بود که این گفتگو و سئوال و جواب در نظر مردم بیفایده و غیر طبیعی و دشوار آمده باشد بلکه بجهة این بود که دولت روس هیچ

که همسایه که امیر در آن طرف هندوکش دارد از این سؤال و جواب مضطرب و مشوش میباشد و نخواست اسباب
تشویش و اضطراب همسایه امیر شود زیراکه میدانست آن همسایه بسیار متکبر و مغرور و مطمئن باقتدار خود میباشد
و نهایت سوء ظن را دارد و در عین آنکه بسیار جسور است زیاد خائف میباشد و ظهور سفیر روس در شهر کابل
اسباب تشویش و اضطراب او گردیده گمان کرد دولت روس میخواهد آسایش و امنیت خانه او را بهم زند
و محض آسایش خیال و طلب صلح و امنیت عمومی بود که دولت روس سفیر خود را پس خواست
و احضار نمود و بر امنای دولت انگلیس و روزنامه نگاران انگلیسی این مطلب مشتبه شده گمان کردند دولت روس
از ضعف و ناتوانی ترک محاوره با امیر افغانستان نموده سفیر خود را پس خواست دیدند بواسطه این خیال شادی
و خوشحالی نمودند و در همانوقت در مجلس شورای هندوستان امنای دولت انگلیس حکم عقوبت افغانستان را
صادر کردند و بخیال تسخیر و تصرف افغانستان افتادند و چیزیکه بجهه رسیدن بمقصود باقی داشتند جنگ بود که
آنهم بزودی بواسطه یک بهانه بسیار جزئی صورت وقوع بهم رسانید و همانطور که بزودی و بسهولت شروع شد
همانطور باز بزودی و باآسانی بانجام رسید و انگلیسها بمقصود کلی خود رسیدند و عساکر رشید و دلیر آنها در هیچ جا جرئت
مقاومت و ایستادگی ندیدند بلکه مجال نیافت که رشادت خود را بروز دهد و ظاهر نماید و مطلوب حاصل آمد
چه در هندوستان و چه در خود ممالک انگلیس تعریفها و تمجیدها و اظهار افتخار زیاد از این فتح و نصرت سهل و آسان
و عهدنامه گاندامک و ظهور سفارت انگلیس در کابل نمودند بلکه در بعضی از روزنامه های معتبر انگلیسی از قبیل روزنامه تیمز
هنوز عبارات و مطالب عوامانه دیده میشد مثلا نوشته بودند روسها مثل مگس از کابل رفتند و در بسیاری از

روزنامه ها مینوشتند که جنگ افغانستان پرده از روی بعضی اسرار و دروغهای مخفی برداشت و الآن کل
اهالی هندوستان باید معتقد و مطمئن شوند که نه در افغانستان و نه در جاهای شمالی تر از افغانستان قوت
و قدرتی نیست که بتواند تاب مقاومت با دولت هندوستان داشته باشد و جنگی که با کمال امساک و
خودداری شروع شد نتایج بسیار خوب عمده بخشید و عهدنامه عاقلانه که از روی خودداری و امساک
بسته شد افغانستان را مبدل بیک باستیان بسیار محکمی نموده است از برای حفظ و حراست دولت
انگلیس و بگذار از پشت این باستیان روسها هرچه میخواهند فتنه و فساد بنمایند روزنامه نگارهای مذکور
سؤال میکردند که دیگر آیا شک و شبهه هست که دولت روس هیچ قوت و قدرت نفر جنگی
بطرف هندوستان ندارد همه کس حتی خود امیر یعقوبخان از روسها روگردان شده و گفته است من با
جمیع عیال و اطفالی که دارم و تمام خانواده من همعهد و دوست و محب اعلیحضرت پادشاه انگلیس میباشیم
قشون پادشاه هندوستان و عساکر باج بده او شکست فاحشی بلشکر افغانستان دادند ولی امنای عاقل اعلیحضرت
پادشاه انگلستان نهایت رعایت و ترحم را نسبت بدشمن مغلوب خود مبذول و منظور داشتند و بعنوان
خود انگلیسها این بزرگواری و مروت و کوچک دلی را که دولت انگلیس هنگام انعقاد عهدنامه گاندامک
اظهار نموده و معمول داشته بهر کسی حتی باعلیحضرت سلطان عثمانی اثر کلی نموده بلکه اعلیحضرت سلطان معظم
اظهار میل نموده که عهدنامه مزبوره را ببیند و فرموده است صورت این عهدنامه را که سند بسیار معتبر آشکار
و دلیل واضح و لایحی است از ترحم و بزرگواریها که دولت انگلیس نسبت بمسلمانان مرعی داشته در جمیع روزنامه‌ها

عثمانی طبع و منتشر نمایند تا مجموع عثمانیها بدانند که دولت انگلیس تا چه پایه تفضل بامیر افغانستان نموده و رعایای
مسلمان امیر دروغهائی را که درباب جنگ افغانستان دشمنان انگلیس شهرت و انتشار میدهند باور نکنند
بخت انگلیسها مساعدت و یاری نمود و اول جنگ انها در آسیا ظاهرا با منافع و فواید تامه بجهة دولت انگلیس
اختتام یافت   راست است که در جزو مطالب متفرقه روزنامه های انگلیس گاهگاه بعضی اخبار و اطلاعات
بطور کنایه از بابت اغتشاش و خیال طغیان و سرکشی برخی از طوایف کوهستانی که در نزدیکی دره های
کورام و خیبر میباشند مخفی میماند ولی در ضمن اظهار میشد که اهالی افغانستان چندان طالب و مایل امیر یعقوبخان
نیستند و سفارت انگلیس که با کمال عزت و احترام در شهر کابل قبول و پذیرائی شد همیشه از اهالی شهر میترسید
و احتیاط میکرد بلکه خود امیر هم بیک سبک و وضع غریبی نسبت برئیس سفارت انگلیس رفتار مینمود و مکرر
هم از ملاقات با او طفره میزد و اجتناب میکرد

باوجود اینهمه اخبار و اعلان روزنامه ها احدی باور نمیکرد که آن خطر و آسیب اینقدر قریب الوقوع باشد
هنوز یکماه نگذشته که حرفها و سخنان شیرعلیخان بانجام خواهد رسید شیرعلیخان میگفت بکنید هرچه میخواهید
همینقدر صاحبمنصبان خودتان را از سر من رفع نمائید و اینحرفها را امیر مرحوم در وقتی میزد که هنوز منتهای
دوستی و مودت را با انگلیسها داشت و در عهد حکمرانی لردمایو چندین مرتبه گفت و خود انگلیسها هم در عهد حکومت
لردمایو میدانستند و میفهمیدند که چرا افغانها نمیخواهند در شهر کابل قباهای قرمز نظامی انگلیسها را مشاهده کنند امیر
مرحوم هرگز ذره ای هیچ خوف و واهمه خود و ملت خود را از انگلیسها مخفی و پنهان نمیکرد حتی در اوقاتیکه کمال دوستی را

با انگلیسها

با انگلیسها داشت اینمعنی را اظهار مینمود و بر همه کس معلوم است که ملت افغان چه قدر کینه ورزاست
باوجود حالت معلوم و معین عموم اهالی افغانستان نسبت بسفارت دولت انگلیس و پیش بینی های
مرحوم امیر شیرعلیخان باز هم قتل عام سفیر و اجزای سفارت انگلیس در کابل اسباب حیرت و تعجب
کل امنا و ارکان هندوستان بلکه کل اروپا گردید

این قتل عام سفیر و اجزای سفارت انگلیس پرده از روی کارها برداشت و عمل کلی را روشن کرد و معلوم
نمود که افغانستان باستیان محکمی برای هندوستان نیست بلکه همسایه پرخطری است که حاضر است از
برای اقسام و انواع شدید العملیها و از جنگ و جدال مخفی و پنهانی بهیچوجه خسته نخواهد شد و یکدفعه خاموش
شدن و سکوت نمودن آن خیلی طول دارد

باوجود این اوضاع پیدا کردن بهانه جنگ بسیار سهل و کار آسانی است و جنگ هم حتمی و حکمی است و در همین
سنه هزار و هشتصد و هفتاد و نه باید یک جنگ دیگر واقع شود و شکی نیست که لشکر انگلیس دوباره افغانها را
شکست خواهد داد و دوباره یک عهدنامه مصالحه مفیدی بجهة انگلیس منعقد خواهد شد در جنگ اول هم شکی نبود
که انگلیسها فتح خواهند کرد و باوجود همه خبطها و خطاها و مخارج گزاف فوق العاده باز هم فتح کردند و عهدنامه
گاندامک منعقد شد و باوجودیکه در دسته لشکر قندهار شصت و سه هزار نفر شتر آنها تلف شد و بواسطه خبط
وندانمکاری صاحبمنصبان بنگالی که مامور و مواظب رسانیدن آذوقه و ماکولات بودند کم مانده بود که تمام دسته
لشکر از گرسنگی تلف شوند باز هم پیباک را متصرف شده ملحق بخاک انگلیس نمودند

بعد ازانکه انگلیسها بر خود حتم کردند که جنگ کنند میدانستند که با کی سر و کار دارند و باید با چه لشکری و چه قسم
مردمانی زد و خورد نمایند نیز میدانستند چه صنف تدبیر بکار برند که آن لشکر و آن مردم را مغلوب سازند و آخر الامر
خبر داشتند که افغانها تا چه حد بطلا عشق و میل دارند و چگونه ممکن است که آنها را رشوه خوار نمایند
در عهد امیر دوست محمد خان لشکر افغانستان عبارت بود از دسته های مختلفه عساکر که هر دسته متعلق بیکنفر
از خوانین و سردارها بود و در حقیقت هر دسته لشکری فقط تمکین و اطاعت خان و سردار خود را مینمود و ازانجا که
امرا و خوانین یکنوع بستگی با امیر بزرگ افغانستان داشتند در صورت لزوم با دسته های قشون خود در رکاب
امیر بزرگ حاضر میشدند و امیر بزرگ که حکمران تمام افغانستان بود از خود لشکر مخصوصی نداشت پس ازانکه امیر
شیر علیخان بر تخت حکمرانی افغانستان مستقل شد کمال سعی و کوشش را نمود که این سبک قشون را بهم بزند
و رسم و قاعده دیگر معمول دارد و تا آخر عمر خود ساعی بود که حالت و صفت جنگجویانه طوایف مختلفه افغان
تغییر و تبدیل دهد و همیشه اوقات ازان طایفه جنگجو واهمه و وحشت داشت و با وجود صفت جنگجوئی وجود آنها را بحال
سلسله و دودمان خود مضر میدانست و بر خود حتم کرده بود که قشونی مخصوص خود تشکیل و ترتیب دهد که بسبک عساکر
دول اروپا باشند و بطرز قشون فرنگستان مشق کنند و لشکری بطور مزدوری اجیر کرد و جمع آوری نمود و صاحب منصبان
فراری از هندوستان مشغول تعلیم دادن و مشق آنها شدند و امید امیر شیر علیخان این بود که آن قشون تقویت
خیالات و اجرای مقاصد او را خواهد نمود و نهایت واضح است که خوانین و سردارهای افغانستان ازین حرکات
امیر شیر علیخان رضایت و دلخوشی نداشتند و چندان هم بخود امیر و دودمان او راغب و مایل نبودند

بعد ازانکه

بعد ازانکه شکست های او را ملاحظه کردند خوشوقت شدند و ابدا باو کمک و تقویتی نکردند اینحالت و وضع سردارهای
افغانستان بعد از فوت امیر شیر علیخان و جلوس امیر یعقوب خان بر تخت حکمرانی افغانستان باقی
و کما فی السابق بود و تغییر و تفاوتی در آن بهم نرسید و امیر یعقوب خان همانوقتی که بر تخت حکمرانی کابل مستقل گردید
حالت بدبختی و وضع حزن انگیز خود را دانست و چون دید سردارهای او بکلی ازو کناره دارند و حمایتی ازو نمینمایند
و لشکر مزدور و اجیر او هم چندان اعتباری ندارد از ابتدای جنگ با انگلیس تا آخر حتی الامکان طفره میرفت و مسامحه
میکرد و کل امیدواری او راجع بسؤال و جواب دیپلوماسی شده بود و طولی هم نکشید که این گفتگو و سؤال و
جواب دیپلوماسی شروع شد طریقه شروع و ختم سؤال و جواب همچنین طریقه رفتار و حرکات طوایف مختلفه
کوهستانی افغانستان تاکنون هم مستور میباشد و در زیر پرده مانده و بهیچوجه معلوم نیست از چه قبیل بوده همین
قدر معین است که قبل ازانکه امیر شیر علیخان فرار بافغانستان ترکستانی نماید پسر خود یعقوبخان را که چندین سال در
حبس داشت از زندان بیرون آورده خلاص کرد و گویند امیر شیر علیخان بنا بر توسط و میانجیگری پادشاه خان
سردار که از سردارهای امین بسیار معتقد شیر علیخان بود یعقوبخان را از حبس مرخص نمود
بمحض اینکه امیر یعقوبخان بر تخت کابل مستقل شد پادشاه خان را نزد خود خواست و منتهای نوازش و محبت را باو کرد
و جمیع کارهای خود را بمشار الیه رجوع نمود و او را وزیر اول خود قرار داد و وعده التفات زیاد باو کرد و پادشاه خان
در بخانه یعقوبخان بسیار مقتدر شده و گفتگوی صلح و انعقاد عهدنامه گاندامک نیز بدون مداخله و اطلاع پادشاه خان
نشده بلکه میتوان گفت مشار الیه عمده اسباب این عهدنامه و مصالحه گردیده است و دلیل اینکه او در شغل همراهی نمود

اینست که او نیز مثل بسیاری از سردارهای افغانستان معتقد بجنگ کردن واضح وآشکار افغان با قشون انگلیس
نبود واینکار را بیفایده وثمر میدانست بنابرین امیر یعقوبخان را راهنمائی کرده که با ژنرال رابرتس اقدام بگفتگوی
صلح ومصالحه نمایند   در روزنامه های انگلیسی ذکری از دوستی ونزدیکی پادشاه خان سردار با یکی از
کاپی تن های انگلیسی در دسته لشکر کورام موسوم بکاپی تن رهینک میشود ونیز گویند در ماه مارس گذشته که امیر
یعقوب خان رشته سوال وجواب وگفتگوی خود را با انگلیسها قطع کرد وقصد نمود که بطرف سرحد شمالی افغانستان
فرار کند واز آن حدود با انگلیس مشغول جنگ وجدال شود در اینوقت نیز پادشاه خان یعقوبخان را از این خیال
باز داشت ومانع او گردید وبلیه ومخمصه کلی را از انگلیسها دفع ورفع نمود واگر این پادشاه خان سردار وچند نفر
سردار دیگر یعقوب خان اظهار بیمیلی وکراهت از جنگ کردن با انگلیس را نکرده بودند هر آینه یعقوبخان ترک
این سبک جنگ کردن را مینمود وبسمت شمال افغانستان فرار میکرد وانگلیسها بر خلاف میل ومقصود خود
لابد وناچار بودند که جنگ را طول وامتداد دهند وتمام افغانستان را متصرف شوند واین کار آسانی نبود وبسیار
مشکل بود که انگلیسها بتوانند چنین کاری بکنند

باری انگلیسها ازین غایله جستند وعهدنامه ومصالحه را با یعقوبخان منعقد نمودند بشرایطی که در ذیل مسطور است
شرط اول اینکه انگلیسها معبر وتنگه خیبر را متصرف باشند   شرط دویم آنکه دره ومعبر کورام متصرف آنها باشد و[illegible]
در یک مکان هم راه بطرف کابل پیدا کردند وهم معبر غزنی بدست ایشان آمد   شرط سیم پیشاک را که یکی از
بلوکات بسیار حاصلخیز است با معبر کرقان که بواسطه آن داخل میشود بدشت وجلگه قندهار در تصرف داشته باشند

ابو غم

ودیگر قسم سه دروازه معتبر که بواسطه آنها عبور ومرور بهندوستان میشود بدست انگلیسها افتاد وراههای هندوستان
مسدود شد

شک نیست که دولت انگلیس مختار ومجاز است که برای حفظ ونگاهداری ممالک هندوستانی خود
انواع واقسام باستیانها بر پا نماید حتی دروازه هائی را که هیچکس خیال نداشت از آنها داخل شود مسدود کند وببندد
ولی چیزیکه از جنگ افغانستان معلوم شد اینست که دولت انگلیس عمده مقصود دیگر از جنگ با افغانستان
داشت تصاحب وتسخیر ملکی بود وسر پلیتیک انگلیسها در آسیای مرکزی معلوم وآشکار شد وثابت نمود
که در باب این مسایل گفتگو وسوال وجواب ودیپلوماسی هیچ فایده وثمری ندارد

اکنون بهترین موقع ووقتی است که حرفها وسخنان یکنفر از پلیتیک دانهای عصر را که در باب مسئله افغانستان
گفته مذاکره نمائیم ونصب العین خاطر داریم واکثر حرفها از ینقرار است

ممکن نیست که از همسایه کلیدهای درهای او را گرفت ولی هرگاه آن همسایه خواسته باشد آن کلیدها را بدست
دشمن شما بدهد حق شکایت وگله دارید علی الخصوص بدشمنی که در کمال وضوح وآشکاری میخواهد آن کلیدها را در مقابل
و بر ضد شما بکار اندازد در جنگ با افغانستان از برای انگلیسها یک مقصود کلی بود وآن مقصود مخفی نیست زیرا
که در نطقهائیکه امنای دولت انگلیس در مجالس متعدده کرده اند بهیچوجه آن قصد را پنهان ومستور
نداشته اند وآشکار گفته اند که غرض از جنگ دولت انگلیس با افغانستان فقط تنبیه وسیاست امیر
شیرعلیخان نیست بلکه مقصد عمده تصحیح سرحدات علیه این دولت وبمداخله نمودن روسها است در امور

افغانستان و اینمقاصد جمیعاً بانجام رسیده و این قتل عام سفیر و اجزای سفارت انگلیس در کابل نیز وضع
و حالت امورات را تغییر و تبدیل نخواهد داد و جنگ جدید که بنا شده اسباب این میشود که انگلیس ها بر
ادعاهای سابقهٔ خود بیفزایند و مطالبه‌های عمده‌تر از پیش نمایند و آخر الامر بیشتر از پیشتر تحصیل فواید خواهند نمود
یک اتفاق ناگهانی در کار است که ممکن است در صورت وقوع آن اتفاق جمیع تدابیر و پلتیک دولت
انگلیس بهیچ ختم شود و تبیین انتقال اینست که انگلیسها الآن بکابل میروند که قاتلین سفیر و اجزای سفارت خود را
تنبیه کنند و امیر یعقوبخان را بر تخت حکمرانی کابل برقرار نمایند ولی امیر یعقوبخان در افغانستان مثل سایر امیرها
دشمن دارد و بلکه دشمنان او اغلب در میان ملت افغان بیش از او اعتبار دارند و رشادتها از آنها بظهور
پیوسته تا اینکه در میان ملت افغان محل اعتماد و اعتبار شده‌اند همین قدر کافیست که یکنفر ازین دشمنهای
معتبر امیر یعقوبخان در شهر هرات یا در افغانستان ترکستانی پیدا شود و مخصوصاً در نقطه پدیدار گردد که اهالی
انجا رشادت و جلادت و اعمال و کردار او را بنظر داشته باشند شک نیست که جمیع آن اشخاصی که الآن از
امیر یعقوبخان راضی نیستند و از دوستی او با دولت انگلیس شاکی میباشند دور او جمع خواهند شد و افغانستان
که بموجب عهدنامه کاندامک از آزادی دولتی خود محروم و منفک شده منقسم بدو قسمت خواهد شد آنوقت
در کابل یکنفر امیر حکمرانی خواهد کرد که دوست و محب حقیقی پادشاه انگلستان باشد و در بلخ یا در هرات و اماکن
واقع در جوار ممالک آسیای مرکزی روسی امیر دیگر مستقل خواهد شد که از جانب دولت روس برقرار شده باشد

دولت اطریش

فصل

فصل مجالس پارلمان در اروپا ابتدا اسمنایه شلار روز سه شنبه هفتم ماه اکتبر در شهر وینه اجزای جدید مجلس وکلای ملتی
جمع شده مجلس اول را منعقد نمودند و سوگند معمول را در موافقت و همراهی با تنظیمات و طریقهٔ کنستیتوسیون
یاد کردند و دیروز که روز چهارشنبه بود مجلس اعضای شورای دولتی اطریش منعقد شد و بواسطهٔ نطق علیحضرت
امپراطور افتتاح یافت و مضمون نطق مذکور تماماً بتوسط تلگراف بما رسیده است
مدتی بود که این نطق را داشتند و طوایف مختلفهٔ اطریش در امیدواریهائی که ایشانرا بود فریب نخورده اند
اول مطلب این نطق مقدم بر همه مطالب گفتگو در باب اصلاح امور پلتیکی بین ملتین اطریش که در سمت
مغرب اطریش سکنی دارند بوده بطور واضح و آشکار معلوم میشود که باید من بعد کل طوایف ساکن در
ممالک اطریش در جمیع حقوق و امتیازات برابر و مساوی باشند و اول کاری که کرده اند اینست که از ملت
چخ وکلا در مجلس شورای دولتی حضور خواهند داشت و بواسطهٔ این تغییرات کلی در امورات دولت امیدوار
میباشند که دولت بیشتر از پیشتر مقتدر و قوی شود جمیع طوایف طریقهٔ تنظیمات کنستیتوسیونی را
یکسان قبول خواهند کرد زیرا که دیگر تفاوت و اختلافی در حقوق هیچیک از ملل مختلفه نخواهد بود
طوایف مختلفهٔ سلاو که در ممالک دولت اطریش و هنگری سکنی دارند معتبرتر و جان نثارتر از جمیع طوایف
میباشند نسبت بدودمان سلطنت اطریش و با وجود این چندان هم پر ادعا نیستند و مثل اهالی مجارستان
مطالبهٔ امتیازات و اجازات انحصاریه نمینمایند و مانند اهالی نمسه خیال ندارند که بر طوایف دیگر تسلط و سلطنت
داشته باشند چرا که مطالبه می کنند اینست که میخواهند با سایر ملل و طوایف همشان باشند و در حقوق

مختلفه با دیگران برابر و مساوی کردند و ادارات نظمیه و مدارس آنها مثل ادارات نظمیه و مدارس سایر ملل باشد اعلیحضرت امپراطور در نطق خود حصول همه مطالب را وعده داده اند و تقبل نموده که بانجام برسانند و از آنجا که بهمه طوایف تکلیف مینمایند که قدری با دعاهای خود تخفیف دهند و معلوم میشود که امیدواری کلی بطوایف سلاو داده اند که از مقاصد خود و حصول آنها مایوس نباشند و طایفه که مدعی بر این اند که محض ریاست و سلطنت بر سایر طوایف خلق شده اند باید بدانند که این ادعای ایشان بیمعنی و از فرط خودبینی است و باید چشم از این ادعا بپوشند مقصود اصلی و غرض عمده اعلیحضرت امپراطور از نطق خود همین مطالب و دولت پلیتیک کنت طاآفه اینست که در نطق مذکور بیان میشود

از برای دولت اطریش نیز وقت و زمان قضای دیگر بهم رسانیده و طایفه چخ شانزده سال است گفتگو مینمایند و ثابت میکنند که باید در حقوق و امتیازات با سایر طوایف مساوی باشند تا اینکه حالا مثل طوایف دیگر حق داشتن وکلا در شورای دولتی بهم رسانیده و بطور قطع اظهار داشته که بهیچوجه راضی نخواهند شد که همیشه طرف ضد واقع و پست تر از سایر طوایف و ملل دولت اطریش محسوب شود

روزنامه های رسمی اطریش نیز بطور وضوح میگویند راه وزیدن بادها تغییر نموده و عقیده ایشان اینست که هرگاه فرق مختلفه قدری تخفیف در ادعاهای خود دهند کار دولت پیشرفتی نخواهد داشت ولی اگر این کار را نکنند یعنی تخفیفی در ادعاهای خود بدهند قوای دولت مجدد میشود و طراوت و تازگی بهم میرساند و از کسالت بیرون میآید و در ادارات مختلفه دولتی امورات منظم تر و با فایده تر خواهد شد روزنامه پرس شهر وینه ادعای

هواخواهان کنستیتوسیون حقیقی را که میخواهند برتری بر سایر فرق داشته باشند و در پارلمان رجحان آنها بر دیگران محقق باشد بطور سخت تقبیح و مذمت مینماید و پس از ذم و هجو شدید میگوید بلی زمانه و دوره عوض شده و خیلی بسرعت هم عوض شده و تغییر پذیرفته است علاوه بر اینکه اعلیحضرت امپراطور در باب اجازه داشتن جمیع ملل و طوایف وکلای مخصوص در مجلس وکلای ملتی و مساوی بودن آنها در تمام حقوق و اختیارات که فی الحقیقه چاره و تدبیر واحد است برای اصلاح امور ملتین اطریش و هنگری در نطق خود اظهارات نموده اند در باب دایر شدن و صدور بعضی قوانین نیز اشاره مینمایند که اجزای شورای دولتی باید بلا تامل مشغول آنها گردند و قوانین مزبوره بیشتر متعلق به تنظیمات متفرقه نظامی و رتق و فتق امور مملکتی بسنی و هرزگوین که از ممالک عثمانی و در تحت حمایت دولت اطریش در آمده میباشد نیز در نطق مذکور بعضی اشارات در باب لزوم دایر نمودن یکمیزان حقیقی درستی در خرج و دخل دولت شده که تازگی ندارد و از گفتگوی انعقاد عهدنامه تجارتی با دول متفرقه پیداست که گفتگو و سئوال و جواب در باب عهدنامه تجارتی مابین دولتین اطریش و المان پیشرفت کلی کرده و امید هست که این گفتگو نتیجه و حاصل خوبی داشته باشد

از مطالبی که در این نطق متعلق بدول خارجه است چنین مستفاد میگردد که دوستی و مودت دولت اطریش نسبت بسایر دول کما فی السابق باقی و برقرار است و اعلام میشود که بموجب رضایت دولت عثمانی و از روی دوستی و مودت قشون اطریش داخل در سنجاق نووی بازار شده است و در نطق مزبور گفته شده

که عمده سعی و کوشش دولت در مسئله شرقی باید در تعدیل و ترقی مسئله خرج و دخل ممالک جدیده که در تحت
حمایت دولت اطریش در آمده بوده باشد و گفته میشود که از روزی که ایالت نووی بازار بدست لشکر اطریش
افتاده اسباب سهولت این عمل کاملا فراهم است و تسهیل کلی خواهد یافت

استعفا و مرخصی کنت اندراسی صدر اعظم دولت اطریش از شغل خود رسما بانجام رسید در روزنامه
دولتی موسوم به وینر تسیتونگ دستخط اعلیحضرت امپراطور اطریش فرانسوا ژوزف طبع شده و در
دستخط مذکور امپراطور بعبارات و الفاظ رائقه مبنی بر کمال افتخار وزیر اول خود قبول استعفا و مرخصی
مشار الیه را از شغل خود اظهار مینمایند و با کمال دلگرمی از خدمات بزرگ کنت اندراسی بدولت اطریش
و هنگری و دودمان سلطنتی اطریش مذاکره کرده میگویند کنت اندراسی بواسطه این استعفا و مرخصی بکلی معاف
از خدمت نمیشود بلکه در صورت لزوم و احتیاج دولت بنابر جان نثاری او که بامتحان و تجربه رسیده بمحض
اشاره اعلیحضرت امپراطور دولت متبوعه خود بر سر خدمت حاضر خواهد شد

این مطالبی که در دستخط مذکور مندرج شده دلیل بر منتها درجه افتخار کنت اندراسی میباشد ولی از مضامین
دستخط هنوز معلوم نمیشود که استعفا و مرخصی کنت اندراسی از شغل صدارت حکما موقتی باشد زیرا که اعلیحضرت
امپراطور در حق جمیع صدر اعظمهای خود از این قبیل دستخطها نوشته اند و در هر دستخطی نوشته شده
که این صدر اعظم که از خدمت خود معاف شده یکباره از خدمات دولت معاف نخواهد بود و هر وقت
که دولت محتاج بوجود و خدمت او شود بمحض اشاره امپراطور دولت متبوعه خود بر سر خدمت حاضر خواهد شد

فرقی که

فرقی که این دستخط با دستخطهای سابق دارد اینست که اعلیحضرت امپراطور صفات متفرقه کنت اندراسی را
بعبارات و الفاظ دیگر بیان نموده اند خلاصه کلام ما مقید معانی مخفیه دستخط مزبور نیستیم همینقدر ما معلوم
شده که شخص کنت اندراسی در نظر دول اروپا در پلیتیک دولت اطریش و هنگری بیمداخله میباشد
و بارون هیمرله بجای اوست و نه تنها بارون مشار الیه ملقب بوزیر امور خارجه شده بلکه بریاست مجلس
وزرای دولت اطریش و هنگری نیز برقرار میباشد بنابراین الآن بارون هیمرله رسما شخص اول
دولت اطریش و هنگری است

ولی از این نباید خیال و استنباط کرد که این وزیر امور خارجه جدید شخصی مسئول و دلیل و راهنمای مطلق در
پلیتیک دولت اطریش و هنگری خواهد بود زیرا که بتصدیق و قول اشخاص معتبر بارون هیمرله برای
این شغل و منصب بهیچوجه مناسبت و مصرف ندارد و میگویند بارون مشار الیه صاحب منصبی است بسیار
ساعی و کارکن و دانا و با سررشته و اعلیحضرت امپراطور اطریش در نیمه اول عهد سلطنت خود بتجربه
معلوم کرده که نتایج و حاصل اعمال و افعال بالاستقلال این نوع مردم چگونه خواهد بود و باعتقاد جمعی
بارون هیمرله فقط اسما بر سر شغل و منصب مذکور برقرار است و عمل پلیتیک دولت اطریش را
اشخاص دیگر یعنی راهنمایان حقیقی و اصلی پادشاه اطریش مباشر خواهند بود

و اگر هم در مطالب متفرقه که دیروز در شهر وینه در روزنامه های دولتی در باب استعفای کنت اندراسی
و استقلال بارون هیمرله انتشار یافته چیزی را موقتی فرض توان کرد آن استعفای کنت اندراسی نیست بلکه

وزارت بارون هیمرله است زیراکه درصورت دخول وکلای چخ درشورای دولتی اطریش ازبرای دولت اطریش یک روزگار جدیدی موجود میشود وبارون هیمرله دراین دقیقه حاضره نمیتواند ازعهده تکالیف مشکله شخص اولی برآید وازین شغل دست خواهد کشید

دولت روس

دیروز که روز هفتم ماه اکتبر بود درنهر مصنوعی موسوم به کریوکفسکی درشهر پطرزبورغ اقدام بتجربه وامتحان یک آلت جدید جرثقیل معروف به پولزومتر نمودند این آلت را مسیو گل وکلین ونیگاذرولگ تکمیل کرده اند واز اختراعات بسیار تازه این عصر است واول اجازه انحصاریه وامتیاز نامه این آلت درسنه هزار وهشتصد وهفتاد ودو بشخص مخترع آن آلت داده شد ولی دراروپا ازسنه هزار وهشتصد وهفتاد وپنج معمول ومتداول گردید اصول وطریقه اصلی این آلت بعینه همان اصول وطریقه آلت مسیو ساوری است که بجهت بلندکردن آب اختراع کرده دراین ایام آلت پولزومتر را استعمال میکنند وبکار میبرند برای خشک کردن پی ها وبنیادهای عمارات و ابنیه دربین چیدن آنها وازبرای حفرنمودن چاهها وبرای بلندکردن آبها دربین نصب نمودن استوانه ها دراثنای پل ساختن وازبرای خشک کردن معادن سنگها وازبرای بلندکردن آب درمعادن زغال سنگ وبجهت بلندنمودن ماسه ازته رودخانه ها وازبرای بلندکردن دوغ آب آهک وآجرها وغیره دربین ساختن عمارات ودرکوره پزخانه ها وازبرای بلندنمودن مایعهای مختلفه وجوهریات متفرقه درلابوراتوارهای شیمی و بلندکردن آبها درلوله ها وتنبوشه ها وراه آبهای متفرقه ازبرای حمام ها وکارخانه جات وغیره بسیاری ازمردم

بااین آلت پولزومتر آشنا هستند ولی درحالتی آنرا دیده اند که هنوز بعضی تکمیلات درآن نشده ولی حالا این آلت باتکمیلات زیاد وتازه واردشده واشخاصی که اجازه انحصاریه وامتیاز نامه این عمل راگرفته اند میگویند باوجود تصرفات جدید دراین آلت قوه محرکه آن خیلی بیشتر ازپیشتر شده است

جمعیت عظیمی تماشاچی هرروزه دور این آلت جمع اند وتماشای فواره آب که بارتفاع خیلی زیادی بالا رفته میریزد بشهر میپردازند گاه گاه شخص مکانیسین چندین آلت پولزومتر را یکمرتبه دریک هنگام راه میاندازد وآنوقت حظ ولذت تماشا بیشتر است ازبرای پیمودن ومعین کردن مقدار آب که این آلت میتواند بلندکند وبجائی بریزد یک منبعی را ازآب بمقدار معین پرمیکنند وباساعت مشخص مینمایند که درچند دقیقه آن مقدار معین آب را آلت مذکور بلند کرده بمقصود رسانید هرکس ازتماشاچیها که مایل باشند نقشه وطرح وخود آلت را جزو بجزو ببینند بآنها نشان میدهند وچند نفر ازمهندسین بسیار معتبر ازجانب دولت بنابخواهش صاحب آن آلت مشغول بعضی تجربه وامتحانات شده اند ازجمله فواید کلیه که ازین آلت درانواع واقسام کارها حاصل وعاید خواهد شد فایده ایست که ازخاموش کردن آتش حاصل میشود واهمیت آن معلوم است وحصول این فایده ازآنست که این آلت میتواند یکرشته آب بسیار معتبر را بیک ارتفاع عمده بلند کند وآتش را بسرعت خاموش نماید

بموجب حسابیکه کرده اند درروسیه عده روزنامه های مختلفه وکتب متعدده که روزنامه مانند بفصل

یعنی هفته بهفته یا ماه بماه طبع و منتشر میشود در رو ترقی کلّی است و این حساب را از روی وجه کرایه حمل و نقل آن روزنامه
و کتابها و اوطاق پست نموده اند و معلوم داشته که در مدت پنجسال آخر یعنی از سنه هزار و هشتصد و هفتاد و
چهار الی سنه هزار و هشتصد و هفتاد و نه وجه کرایه که بجهة حمل روزنامه ها دریافت شده نسبت بسنوات
سابق تقریباً دویست و بیست و پنجهزار منات زیادتر بوده بعبارة آخری بعد متوسط هر ساله اضافه حاصل
پست خانه ها از حمل و نقل روزنامه چهل و پنجهزار منات میباشد بجهة سال آینده از قراریکه اداره کل پست خانه
حساب نموده جمع کل وجهی که از برای حمل و نقل روزنامه دریافت خواهد شد زیاده از هفتصد هزار منات است
که تقریباً دویست و سی و سه هزار تومان پول ایران باشد

دولت انگلیس

وکیل روزنامه گولوس روسی در شانزدهم ماه اکتبر شرحی در باب حالیه شهر لندن نوشته که تفصیل آن
از قرار ذیل میباشد
در این ایام کل اهالی لندن بتحقیقات و توضیحات امور افغانستان مشغول اند میگویند فردا لشکر انگلیس بطرف
شهر کابل حرکت خواهد کرد و معلوم نیست که اهالی شهر مخالفت و ایستادگی خواهند کرد یا نه در هر حال عمده
اشکالات کارها بعد از تصرف شهر کابل خواهد بود احتمال کلّی هست که اهالی افغانستان علی العجاله حرکتی
نکنند و انتظار موقع خوبی را بکشند و همانوقتی که قشون دولت انگلیس و سایر اهالی این دولت گرم شادمانی
و خوشوقتی از فتح و نصرت خود میباشند اهالی افغانستان یکمرتبه هجوم و حمله بقشون انگلیس خواهند نمود همانطوریکه

بعد از انعقاد عهد نامه گاندامک وقتیکه کل لشکر و ملت انگلیس مشغول عیش و خوشحالی از فتح و غلبه
خود بودند سفارت آنها بکلی براه هلاکت رفت
حالت حضور امیر یعقوبخان در اردوی انگلیس نیز مجهول و غیر معلوم است و ظاهراً پس از آنکه بنا
بلشکر انگلیس برده از کرده خود پشیمان شده است و جهة پشیمانی او اینست که خیال و مقصود دیگر دا[شت]
بعمل نیامده است امیر یعقوبخان گمان میکرد که بمحض ورود باردوی انگلیس لشکر انگلیس دست از اقدام
و حرکت بطرف پیش خواهد کشید اما حالا که دید آنخیال باطل شد و صورت نگرفت ملتفت میشود که
حالت او چه قدر بد است بهر حال ورود او باردوی ژنرال روبرتس چندان فایده و ثمری بحال او نبخشید
زیرا که با وجود حالت و خصایص مخصوصه اهالی افغانستان این حرکت امیر یعقوبخان اسباب خرابی کارهای
او خواهد شد و اعتبار و تسلط او بکلی بهدر خواهد رفت اهالی افغانستان بهیچوجه تسلط و سلطنت شخصی را که
بکلی خود را بدشمن ایشان تسلیم کرده قبول نخواهند کرد و نتیجه و حاصل اینکارها همین است که آن جزئی سایه که
از حکمرانی و سلطنت افغان در افغانستان بود بکلی محو و نابود شود و مملکت افغانستان در کمال بی نظمی
و خرابی در دست انگلیسها خواهد ماند و جهة بی نظمی و اغتشاش افغانستان اینست که این مملکت تقسیم شده است
بجزءهای لایتجزّی و نه تنها شهرهای بزرگ بلکه قصبه ها از هم جدا و مفروز شده و دیگر هیچ رابطه در
میان آنها باقی نمانده است
با وجود اینوضع و حالت دولت انگلیس باینخیال خواهد افتاد که آن مملکت را بکلی ملحق بممالک خود نماید اما

اصناف و طبقات مالیات بده انگلیس بقدری زیر بار گران انواع و اقسام مالیاتها هستند که زیر
بار مخارج گزاف عمده که برای ملحق نمودن افغانستان بممالک انگلیس لازم خواهد شد بهیچوجه نخواهند رفت
و آخرالامر کار بدانجا خواهد کشید که فقط بقندهار اکتفا کرده همانرا بدولت انگلیس ملحق نمایند و در کابل
فقط یک دسته لشکر ساخلو بگذارند خلاصه کارها بسیار مشکل شده هرگاه دولت انگلیس بخواهد
امیر یعقوبخان را در قندهار مستقل و برقرار نماید سایر ممالک افغانستان دایم الاوقات در مقام
مخالفت و منازعه و جنگ و جدال با امیر یعقوبخان بر خواهند آمد و باز هم امور افغانستان منتهای
اغتشاش را خواهد داشت انتخاب شخصی که باید جای ماژر کاوانیاری را بگیرد از مسائل عمده این ایام میباشد
گویند دکتر بلو او طبیب ایرلاندی بجای ماژر کاوانیاری برقرار خواهد شد و چنانکه گفته اند نایب السلطنهٔ هندوستان
بهتر از دکتر مشارالیه کسی را بنظر نیاورده که برای اینکار انتخاب نماید زیرا که دکتر بلو او قابلیت مخصوصی در
تحصیل السنهٔ مختلفه دارد و در فتح باب دوستی و مودت با طوایف مشرق زمینی ید طولی و مهارت کاملی
دارد و صنعتی که یکدفعه او در منباب تخرج امیر شیرعلیخان داد اسباب این شد که کل ملت افغان منتهای
دوستی و محبت را با او بهم رسانیدند و احترام و عزت زیاد نسبت باو منظور داشتند علاوه بر اینها دکتر بلو او
شخصی است بسیار ثابت قدم و مستبد الرای و صاحب عقاید مستحکم ولی عیب کار اینست که عقیدهٔ او
نیز ملحق نمودن افغانستان است بممالک انگلیس و مکرر اظهار رای و عقیده خود را نموده است و گفته که
بجهة حفظ و نگاهداری امنیت و آسایش هندوستان شرط اتم و الزم اینست که افغانستان را کلی ملحق

بدولت انگلیس نمایند و در همین سال دکتر مشارالیه یک کتابی بعنوان افغانستان و افاغنه تصنیف نموده
و طبع و منتشر ساخته و در این کتاب تفصیلات و توضیحات در بیان عقیده و رای خود مسطور داشته است
این اوقات که دولت انگلیس در خارج از حیز حد خود مشغول کارهای پر مخارج و خسارت است امورات داخله
دولت انگلیس بهیچوجه حالت بهبودی ندارد مبلغ دخل دیوانی در شش ماه آخر بطور وضوح معلوم میسازد
که حالت خزینهٔ دولت بسیار بد است فقط در دو فقره از فقرات دخل خزانه معادل دو کرور لیرهٔ انگلیسی
کسر و نقص هست و این دو فقره دخل از فقراتی بود که همیشه اوقات حتی در مشکل ترین ایام در کمال سهولت
وصول و عاید خزانه میشد زیرا که این دو فقره متعلق بگمرک دولت است و بعبارة اخری مدخلیت کلی با آذوقه
و ماکولات دارد و همه کس میداند که جنس انگلیس جنسی نیست که در کار اکل و شکم بحزم و قناعت کند و امساک
نماید این فقره کسر دایمی از دخل خزانه زودتر از هر چیز اسباب تغییر و تبدیل وزارت دولت خواهد شد بلکه با
اثرتر خواهد بود از خبط و خطاهای پی در پی وزارت در پلیتیک خارجه باید مسئله شکم در میان بیاید که انگلیس
بصرافت بیفتند و متذکر شود که بی عقلی و خبطهای امنای حالیه که حکم تقدیر و قبض و بسط امور دولت را
مینمایند چه قدر اسباب مخاطرات شده است گمان میکنند که سر استافورت نرثکت هم از این اغتشاش
و اختلالی که در خزانه دولت انگلیس راه یافته شاد و خوش وقت باشد زیرا که یقین دارد در اینصورت
وزارت خزانه سپرده بشخص دیگر خواهد شد و آن شخص هم از دستهٔ مخالفین وزارت حالیه خواهد بود و
بنظر من چنین میآید که این کسر دایمی دخل خزانه دولت دلالت بر وضع حالت عمومی دولت و ملت

مینماید و اقلاً میتوان گفت که امیدهای مردم در بهبودی عمل تجارت انگلیس هنوز بحصول نپیوسته است
در هفته گذشته سر ویلیام هارکورت اسباب گفتگو و تحقیقات کل اهالی شهر شده بود و پوشیده نباشد که بایر جمیع
اشخاص سخنور خوش تقریر که مخالف وزارت حالیه سر هارکورت ماهرتر و استادتر است در هجو
کردن و نمودن معایب اعمال و افعال وزارت حالیه و نیز باعلی درجه مهارت دارد که مطالب خود را
طوری عوام فهم بیان نماید که احدی از فهم آن قاصر و عاجز نباشد اگرچه آن مطالب متعلق بمسائل عمده غامضه
باشد و مردم نطقهای او را با کمال حظ و لذت مطالعه مینمایند مثل اینکه بیانات او در باب مطالب یومیه
و متعلق بمعاش و صحبتهای متعارفی باشد و بجهة ثبوت خوبی و اثر با قوت سخنان او همینقدر کفایت
میکند که در این اواخر بواسطه نطقهای او از کسالت بیرون آمده بطور آشکار بنا کرده اند بشکایت کردن از
حرکات و اعمال وزارت حالیه سر هارکورت در کمال زرنگی با ادله واضحه مذمت از عهدنامه برلین
مینماید و در اثنائیکه مستمعین او تصدیق و تحسین گفتار و عقاید او مینمودند این عبارت را مذاکره کرده که یکنفر
از اهالی دیپلوماسی روسی در باب عهدنامه عثمانی و انگلیسی گفته و آن عبارت اینست که عهدنامه عثمانی و
انگلیس بعینه شبیه است با ورای کوهنک انفیاخ علاوه بر اینها سر هارکورت یک نسبت بسیار خوبی
بعالم پیش بینیها و عیب گوئیهای وزرای حالیه در باب امور افغانستان و حالت حالیه این مملکت
داده است خلاصه از وقتیکه مجالس پارلمانی موقوف شده سر هارکورت یک حمله و یورش معتبری بکنت
بیکنسفیلد و پلتیک او برده است

حال

حالت مملکت ایرلاند رفته رفته مایه وحشت و تشویش شده است مردم بکمال اوقات تلخی و تغیر را نسبت
بمالکین املاک دارند و مشتهای نارضائی از مالیات اراضی که باید بمالکین برسد حاصل است در باب این
فقره پیش از اینهم اشارتی رفته ولی ایندفعه شدت بهم رسانیده است و قال و مقال و همهمه اینفقره خطرش
بیشتر از همه نطقهای عامه و مجالس متفرقه میباشد چندی قبل یکی از گماشتگان مالکین را خواسته اند
بقتل رسانند ولی در اثنائیکه متوجه انجام این خیال بوده اند یکی از آنهائیکه حمله بر آن گماشته کرده مقتول گردید
نیز کاغذهای متعدده محتوی بر تهدیدات بگماشتگان سایر مالکین نوشته اند و حالت امنیت یکماه
منتها دو ماه طول بکشد و قتل و اغتشاش عظیمی برپا خواهد شد خلاصه حالا هیچکس بطور یقین نمیتواند گفت
که کار اهالی ایرلاند بکجا خواهد انجامید احتمال کلی میرود که یکمرتبه جمیع مالکین و آنهائیکه خریداری زمین مینمایند
از گرسنگی هلاک شوند

اخبار مختلفه

تدبیر بجهة محکم کردن ریسمانها و نخها نسبت بحالت اصلی آنها

باید دو قسمت سریشم را در شصت قسمت آب حل نمود و نخ و ریسمان را مدتی در این محلول گذاشت بعد آن
نخ و ریسمان را در آب جوشی که با پوست درخت بلوط جوشانیده باشند فرو برده مستغرق نمود کمال
استحکام و دوام را بهم رساند

شهر استرازبورک

اینشهر محاط سیزده قلعه محکم میباشد والآن درکار اند که قلعه چهاردهمی را بنا نمایند و این قلعه در ظرف یکسال تمام میشود و هفتصد و پنجاه هزار فرانک مخارج آن خواهد شد

بارون جمس روچیلد که چند سال قبل در شهر پاریس وفات نمود یکهزار ملیان فرانک از او میراث ماند یعنی پنجاه ملیان فرانک مداخل پول و مبلغ مذکور است که عاید ورثه او میگردد مارکیز وست منیستر هر ساله چهل ملیان فرانک مداخل داشته و یونس که یکی از اجزای شورای سنا است در نوادا در کالیفرنی هر ساله از معادن نقره خود فقط پنج ملیان دولار یعنی پنجکرور تومان دخل دارد و این معادن را با سرمایه یکصد ملیان دولار یعنی پنجاه کرور تومان ماکنزی در نوال هر ساله سیزده ملیان و هفتصد و پنجاه هزار دولار دخل دارد که مساویست با دویست و هفتاد و پنج ملیان سرمایه فلذ اوبراک در کالیفرنی هر سال بیست ملیان دخل دارد استنفورت نیز در کالیفرنی سالی شش ملیان دولار دخل دارد

من الغرایب

این اواخر در کالیفرنی یک درخت بسیار عظیمی معروف بدرخت موسی پیر افتاده و یک قسمت از آن درخت را به سان فرانسیسکو آورده اند از قراریکه ورقه ها و طبقات آنرا شمرده اند و بموجب علم گیاه شناسی و معرفت نباتات و اشجار معلوم نموده آن درخت چهار هزار و هشتصد و چهل سال عمر داشته در آن قسمت از درخت

که

که بسان فرانسیسکو آورده اند سیصد نفر میتوانند در کمال آسودگی و استراحت جای بگیرند

مملکت لاپلاند

مسافت زمینی که لاپلاند است و قدری از آن متعلق بدولت روس و قدری بسوئد و مقداری هم بنروژ تعلق دارد مساویست با طول و عرض مملکت فرانسه و بلژیک با هم ولی کل این مسافت بیش از بیست هزار نفر جمعیت ندارد و قد مردمان متوسط لاپلاندی زیاده از یک متر و نیم نیست یعنی کوتاه ترین از قامتهای اهالی اروپاست

من النوادر

تپلیس شهریست در مملکت استیری و بواسطه آبهای معدنی که دارد معروف است این اواخر سرچشمه عمده این آبها غفلةً و یکمرتبه خشکیده دیگر آب از آن بیرون نیامد چون امر معاش و زندگانی اهالی این شهر بسته بوجود این آبهای معدنیست در صورت خشکیدن و نابود شدن آنها سکنه گرفتار دو چار تشویش و اضطراب گردیده بخیال جلای وطن و مهاجرت از این شهر افتاده بودند در این اواخر در چشمه عمده این بلد کار کرده بسرچشمه رسیدند و آب بطور فراوانی مجدداً راه می افتد

روس

در روزنامه انوالید روسی نامه بطبع رسیده که آن نامه را وکیل روزنامه مزبوره از اردوی لشکر مامور بخاک آتک نوشته و صورت آن از قرار ذیل میباشد

از چکشلر الی دوزاولوم دویست و هفتاد و دو ورست راه است که تقریباً سی فرسنگ باشد چنانکه بواسطه آن

پودوتر یعنی آلت مساحت و معلوم نمودن مسافت معین شده است و تقسیم مسافت مزبوره

بمنازل از این قرار است

ابتدا از چکشلر الی بوودن باشی سی ورست راه میباشد و این راه اول بمسافت چهار ورست واقع در بیابان یکسان است

چون دورتر روند تپه های غیر مرتفع و نهرهای غیر عمیق است و در بوودن باشی سه چاه است که چندان آبی ندارد

در نزدیکی این محل دریاچه دیده میشود که آب آن شور است که نه انسان میتواند بخورد و نه اسب و شتر

منزل دویم دلیلا است که از بوودن باشی تا این منزل پنج و یک ورست و ربع راه میباشد راه خوبست و

چندان نشیب و فراز ندارد آب دریاچه واقع در دلیلا شور و متعفن است و قابل خوردن نیست و در امتداد

راه چراگاه یافت نمیشود

منزل سیم از دلیلی بطرف کوههای گوندری واقع در امتداد رود اترک میباشد و پانزده ورست و نیم راه است

و جاده خوبست امّا باید از روی خطوط پیچ و خم راه عبور نمود تا در نزدیکی و حوالی نهرهای عدیده که از رود اترک

منشعب شده گرفتاری و معطلی حاصل نگردد در حوالی جبال گوندری چراگاههای بسیار خوب هست در این محل

رود اترک نی زار زیاد دارد ولی آب آن شور است

منزل چهارم بیات حاجی اولوم است و از گوندری تا این منزل بیست و نه ورست راه میباشد که راه خوبست

ولی چراگاه ندارد

منزل پنجم یاقلی اولوم میباشد و از حاجی اولوم تا یاقلی اولوم بیست ورست مسافت است راه خوبست ولی چراگاه ندارد

از

منزل ششم تکنجی اولوم است از یاقلی اولوم تا تکنجی اولوم بیست ورست و سه ربع است راه خوبست ولی چراگاه ندارد

منزل هفتم چات میباشد از تکنجی اولوم تا چات بیست و چهار ورست است در چات رودخانه سومبار

داخل اترک میشود و راه عایق بهم میرساند یعنی کودالها و دره های عمیق و پرت کاهها عایق میشود چراگاه هم ندارد

منزل هشتم خار اولوم است از چات به خار اولوم بیست و یک ورست میباشد راه خوبست و از

اول منزل تا هفده ورست لشکر بسهولت عبور مینماید همینکه از هفده ورست گذشتند بدره و کودالها میرسند

مع ذالک حرکت قشون دشوار و متعذر نیست آب رودخانه سومبار خوبست

منزل نهم دوزا اولوم است از خار اولوم تا دوزا اولوم بیست و شش ورست است رودخانه چاندیر در

این نقطه میریزد بسومبار از خار اولوم که روانه میشوند تا دوازده ورست راه خوبست و با اینکه در این راه کودالها و دره های

بسیار عمیق هست ولی عبور و مرور از آنها صعوبتی ندارد بلکه میتوان در آنجاها منزل نمود و چون نزدیک به

کوواکوواک شوند نهر بسیار بزرگی در جلو دیده میشود امّا ممکن است راه را تغییر دهند تا گرفتار عبور از آن نهر

نباشند امّا راه بقدری بد است که قطار شتر تک تک یعنی یکی از عقب دیگری باید راه به پیماید در دوزا اولوم

نی زار زیاد هست ولی چراگاه نیست این راه را لشکر روس در مدّت دوازده روز طی کرده اند یعنی از چکشلر در

هفتم ماه ژون حرکت نموده و در هفدهم وارد دوزا اولوم گردیده در این راه یکصد و نوزده شتر و دوازده اسب

تلف شده و یکصد و سه نفر شتر و پانزده راس اسب بسیار ضعیف و مهزول گردیده و با وجود اینحال

رسیده اند بهمان قشلاق لشکر در ساحل طرف یمین رود سومبار صف کشیده و نظام بسته اند و مشغول

ساختن پل شده در روز بیست و پنجم ماه ژون از عمل پل سازی فراغت حاصل نموده و بیست نفر بنایان
که مریض بوده در چاپ مانده اند در بیستم ماه مذکور در دسته قشون پیش قراول دو نفر صاحب منصب و
شصت و نه نفر سرباز مریض بوده اند

از شهر حاجی ترخان بروزنامه مالوای روسی نوشته اند از سلخ ماه اوایل پنجم ماه سپتامبر طوفان بسیار شدیدی
دریای خزر را مغشوش نموده باد جنوبی و باد جنوب شرقی در کمال سختی میوزیده دو فروند کشتی بارکش بادبانی
تجارتی متعلق بکمپانی قفقاز و مرکور دو فروند کشتی بزرگ بارکش متعلق به درو ژینا و یک کشتی بزرگ
بانفت متعلق به سیواوس غرق شده است و بسیاری از قایقهای مختلفه و زورقهای صید ماهی
بکنار دریا انداخته شده صیادان ماهی که در بحر خزر باین شغل مشغول اند ازین طوفان خیلی خسارت کشیده و
بسیاری از خانه ها و بورت ها و الاچیقهای آنها که در سواحل دریا ساخته شده بود بکلی خراب و منهدم
شده هنوز خبر نرسیده که آیا در سمت شمال و شرق دریا این طوفان چه خرابیها کرده است

المان

این اواخر فیمابین دولتین المان و ژاپن یک گفتگو و نزاعی در گرفته که روزنامه های مختلفه تاکنون بدرستی
شرح آنرا ننگاشته اند یعنی آنچه نوشته اند ناقص و مختصر و گاهی نیز مطالب آنها ضد و مخالف هم
میباشد و حال آنکه این منازعه نه تنها مدخلیت و عظم و شان برای دولتین مذکورتین دارد بلکه
مدخلیت کلی بکار جمیع دول اروپا و امریک دارد خلاصه این گفتگو و نزاع در باب قرانتین بوده است

سال گذشته وقتیکه در مملکت ژاپن مرض وبا بروز کرد دولت ژاپن یک مجلس طبی از اطبای خارجه و داخله
منعقد نمود که آن مجلس یک قانون و قراردادی برای قرانتین صادر و مقرر نماید و اجزای مجلس مزبور قانونی
بموجب قرارداد و قواعد حفظ الصحه که در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و چهار در شهر و بنه صادر نموده و آن قانون را
علاوه بر جمیع اجزای مجلس سفرا و قنسولهای دول خارجه کلا با میل و رغبت تمام قبول و امضا نمودند
زیرا که بواسطه این قواعد و قانون میتوانستند مداخله کلی در عمل تنظیمات و رسیدگی و مواظبت در کار
قرانتین ها داشته باشند

امسال در ماه ژون در ممالک ژاپن دوباره مرض وبا بروز کرد ولی دولت ژاپن بجای اینکه قوانین و قرارداد سال
گذشته را مجری و معمول دارد یک قانون و قرارداد دیگر را خود فی نفسه بدون مداخله قنسولهای دول خارجه مقرر
و صادر نموده حکم باجرای آن کرد بموجب مسطورات روزنامه موسوم به هامبورگر کورسپوندانس قنسولهای
المان و انگلیس در یوکوهاما فی الفور در مقام شکایت و گله بر آمدند ولی قنسول اتازونی ینکی دنیا از ابتدا تا انتها
حامی و معین دولت ژاپن بوده و مخصوصا در این فقره از دولت ژاپن تقویت و کمک مینموده روزنامه نگار هامبورگر را
عقیده اینست که اهالی امریک منتهای واهمه و وحشت را از تدابیر و اعمال دول متفرقه که میخواهند تجارت بحر محیط
را منحصر و مخصوص خود نمایند دارند و زیاده در این باب بدگمان اند و هر دفعه حتی الامکان ساعی هستند که از این
کار غفلت ننمایند

خلاصه بهر دلیل و جهتی که باشد دولت ژاپن هیچ اعتنائی بشکایت قنسولهای انگلیس و المان نکرده و بلا فاصله

واقعه رخ نمود که اسباب نزاع و گفتگوی ظاهر و واضح فیمابین دولت ژاپن و وکیل و کماشته مخصوص
دیپلوماسی دولت المان موسیو آیسندشر شد مبین و تفصیل اینکه یک فروند کشتی المانی موسوم به هسپریا
با تصدیق و استشهاد از جانب حکمران بحری بندر کوبه از بندر یوکوهاما آمده و مضمون تصدیق و
استشهاد او اینکه این کشتی از محلی روانه شده که هیچ‌چه ناخوشی عمومی و وبا و غیره در آن محل نبوده و
موسیو ژاپ قنسول المان مدعی شد که چون این کشتی از جائی آمده که اصلا ناخوشی در آنجا نیست باید
بدون توقف ایام معین در قرانتین وارد شهر شود و موسیو گیوچف طبیب قنسولگری المان را به کشتی
مزبور فرستاده او هم تصدیق کرد که اهل و اجناس این کشتی نهایت حالت صحت و سلامت را
دارند با وجود این مامورین و مباشرین قرانتین ژاپن کشتی مذکور را از توقف در قرانتین معاف نداشتند
انوقت قنسول مذکور مطلب را با یسندشر نوشت و او این فقره را به وزیر امور خارجه المان اظهار داشت ولی
وزیر امور خارجه ژاپن چند روزی جواب صریح صحیحی بسفیر المان نداد آنوقت سفیر المان حکم کرد که کشتی مذکور
هیچ اعتنا بقرانتین نکرده وارد خشکی شود و مباشرین و مامورین قرانتین ژاپونی هم هیچ ممانعت نکردند
این مداخله سفیر المان در امور داخله ژاپن اسباب تحقیق و سوال و جواب و شکایت عمده روزنامه‌های
اتازونی شده و آن روزنامه‌ها متفقا بسفیر المان ملامت و توبیخ مینمایند و میگویند سفیر مشار الیه حقوق
دولت ژاپن را پامال کرده است و جمیع دول را که سر کار و معامله و عهدنامه با دولت ژاپن دارند بحمایت و
دادخواهی دولت ژاپن میخوانند

بلی

وکیل روزنامه‌ها مبورگ که این مطلب را از سان فرانسیسکو نوشته در کاغذی که در اول ماه سپتامبر مرقوم داشته
گوید این منازعه و سوال و جواب که در نیمه اول ماه ژوئیه شروع شده هنوز ختم و رفع نشده و با صلاح منجر نشده
و سفیر اتازونی بکمافی السابق حمایت و جانبداری از دولت ژاپن مینماید ولی در این واقعه سفیر انگلیس سر جان
پارکس منتهای کمک و معاونت را بسفیر المان میکند اما دولت فرانسه و هولاند و ایطالیا و اسپانیول
و بلژیک و دانمارک تا غره ماه سپتامبر در حالت بیطرفی باقی بوده اند و هنوز بهیچ طرف یعنی نه بطرف
حمایت سفیر اتازونی در آمده اند و نه کمک و تقویت قول سفرای المان و انگلیس را نموده اند
روزنامه‌های المانی ساعی و مصرند که تحقیقات کامله در این باب بشود و میگویند حتما باید جمیع محاوره و سوال
و جوابی که فیمابین سفیر المان و دولت ژاپن شده طبع و اعلان شود تا اینکه ملت خوانده حکم عقوبتی از آن بنمایند

طریقه معالجه اثر و جای آبله

این اواخر در روزنامه‌های اروپا شرحی در باب معالجه اثر و جای آبله بواسطه مخلوط اسید کاربولیک و
گل سفید نوشته اند گویند بواسطه استعمال مخلوط مزبور دیگر بر روی صورت شخصی که آبله در آورده اثر و علامت
و جای آبله باقی نمیماند این طریقه معالجه در پطربورغ در مریضخانه دکتر بوتکین تجربه و امتحان شده است و فواید
کلی از آن دیده اند دکتر مشار الیه روغنی از یک قسمت اسید کاربولیک و بیست و چهار قسمت گلیسرین
ترتیب داده وقتیکه دانه‌های آبله در اشخاصیکه مبتلا باین مرض شده اند شروع بخشک شدن مینماید
یک خارش بسیار شدیدی بهم میرسانند ولی بواسطه مالیدن این روغن نهایت تخفیف میکند

و مریضها دیگر با دست پوست صورت خود را نمیکنند و پس از خشک شدن دانه های آبله بدون اینکه کسی
با آنها دست بزند بخودی خود میافتند و چندان علامت و اثر و جای آبله باقی نمیماند ولی در صورت
حالت شدت آبله این روغن چندان اثری ندارد و باز جای آبله بروی صورت باقی خواهد ماند

اسباب و آلت جدید الاختراع بجهة
چیدن حروف

شخصی موسوم به کوستبین در بروکسل آلتی اختراع نموده که نهایت ممد چیدن و واچیدن حروف میباشد
آلت مزبوره را در شهر برلن امتحان و تجربه نموده اند و بامداد آن دو نفر حروف چین باشی در ظرف یک ساعت
وقت شش هزار حروف چیده اند و سطر بندی و صفحه بندی آنرا نیز نموده اند این آلت جدید الاختراع
برای انواع و اقسام حروف چینی خاصه از برای چیدن حروف روزنامه بسیار مناسب و خوب است

اختراع متعلق بتلگراف

شخصی که در یکمنزلی از منازل تلگرافخانه باشد و بخواهد بمنزلگاه دیگر تلگرافخانه مطلبی را اعلام نماید قلمی
بدست میگیرد و یک نوک آن قلم را وصل بسیم تلگراف کرده مشغول نوشتن مطلب میشود در همان وقتی که
این شخص در این منزل مشغول نوشتن میگردد در منزلگاه دیگر قلم دیگر که بسیم وصل است بحرکت در میآید
و در کمال دقت و صحت بعینه همان خطوط و نقاط را که در منزل اول نوشته در اینجا تحریر مینماید و آنرا بخوبی میخوانند

واقعهٔ عجیبه در مملکت پرم از ممالک روس

یکنفر از اهالی کارخانه های مملکت پرم در بیست و ششم ماه ژانویه روانهٔ جمعه بازار اربیت میشود و در خانه
خود یکنفر زن آبستن و یک دختر سیزده ساله میگذارد و هنگام روانگی یک طپانچه رولور در پشت
آینه اطاق خود گذاشته چون شب میشود از بیرون پنجره اطاق صدای طقطق و یک صوتی شبیه
بصدای نسوان مسموع میشود که التماس میکنند او را بگذارند شب در آنخانه بسر برد زن حامله صاحب خانه
در جواب میگوید شوهرم بسفر رفته و اذن ندارم که کسی را داخل خانه نمایم و راه دهم از پشت پنجره باز خیلی
میکنند و الحاح مینمایند و میگویند که ما میدانیم شوهر شما بسفر رفته و خود او را ملاقات نموده ایم ولی از آنجا
که شب بسیار تاریک است و احتمال دارد دزدها ما را عریان نماید محض رضای خدا ما را راه دهید امشب در
یک گوشه از خانه بسر بریم زن صاحب خانه ترحم نموده دختر سیزده ساله خود را فرستاده درب خانه را باز
میکند و چندان طول نمیکشد که دو نفر ملبس بلباس نسوان سرتاپای خود را پیچیده داخل اطاق میشوند
و بنا میکنند باطراف نگاه کردن زن صاحب خانه بآنها میگوید چرا باطراف نگاه میکنید لباس خود را
بیرون آرید و بخوابید در این همین یکی از آنها که داخل در اطاق شده بود یک کارد بسیار بزرگی در آورده میگوید
پولها را بده و گرنه با تو نیز همان کنیم که با دختر تو کردیم معلوم شد که دختر را همان دم درب خانه سر بریده اند
زن بیچاره بدبخت آنچه داشت یعنی یکصد منات پول اسکناس که شوهرش برای خرجی او گذاشته
بود در آورده تسلیم دزدها نمود ولی دزدها باین اکتفا نکرده باز هم مطالبه وجه و پول مینمایند و یکی از آنها سر گلوی
آن زن بیچاره را گرفته در نهایت سختی فشار میدهد که پول بده زن ناچار بخیال تدبیر و دروغ افتاده میگوید

مبلغی که میخواهید هست امانه با من بلکه در انبار خانه است و شوهر من خود آن وجه را قایم کرده و از من مخفی
نگاهداری مینماید اگر در انبار درست جستجو و کاوش کنید احتمال دارد که آنرا بدست آرید پس از اظهار
این مطلب دزدها را بطرف انبار برده و در انبار را باز میکنند یکی از دزدها داخل انبار میشود و دیگری دم درب
انبار ایستاده چراغ بدست گرفته که روشنائی در انبار بیفتد و رفیق او بدرستی همه جا را ببیند ولی دزد این
بهمین خیال میافتد که مبادا آن رفیق پولی پیدا کند و مخفی بدارد او هم بی اختیار داخل انبار میشود زن
حامله صاحب خانه موقع بدست آورده فرصت غنیمت شمرده فوراً در انبار را می بندد و محکم قفل مینماید
و باطاق خود میرود و در آن هنگام درد زائیدن او را میگیرد و از آن بلیه فارغ نشده دو چار این صدمه میشود
و در عین این مرارت باز یکنفر دیگر بشدت دست به پنجره اطاق زده میگوید مرا راه دهید که امشب در این
خانه بخوابم زن بیچاره میگوید تو را راه نخواهم داد زیرا که خانه من امن نیست و شوهرم نیز خانه نمیباشد ناگاه
صدا کننده شیشه های پنجره را شکسته مهیای داخل شدن اطاق میشود زن مضطرب شده ولی
بخاطرش میآید که طپانچه رولوری پشت آینه هست بعد از آنکه آن مهمان ناطلبیده نصف بدن خود را
از پنجره داخل اطاق کرده بود زن طپانچه را برداشته و او را هدف گلوله کرده از شر او ایمن شد و بلافاصله
وضع حمل او شده طفلی زنده زائید روز بعد وقت صبح جمعیتی در اینخانه جمع شده صاحب منصب پلیس از
پنجره سؤال کرد که آیا کسی در اینخانه زنده هست زن بیچاره در حالت تب شدید از میان رختخواب جواب
میدهد که من زنده و در اینجا هستم ولی حالت برخاستن ندارم که در را باز کنم در را بشکنید و داخل شوید

چون

چون در را شکسته داخل میشوند زن ماجرا را باز گفته و کلید انباری را که آن دو نفر دزد اولی در آن بوده اند
بعجله جات پلیس میدهد مردم و پلیس داخل انبار شده آن دو نفر را مرده می بینند معلوم میشود که خود
را خفه کرده اند

ایطالیا

روزنامه کوریه دایطالی بعضی تحقیقات در باب مملکت تونیس نموده که تفصیل آن از قرار ذیل است
ما بارها حق گله و شکایت داشته ایم از اینکه دولت متبوعه ما یا از روی سهو و خبط یا بجهة لاقیدی و تنبلی ابداً بهای
مهاجرین ایطالیائی را در اقلیم افریقا بکلی رها نموده و هیچ بفکر آنها نیست و در اینوقت نیز لازم و واجب
میشماریم که بعضی تحقیقات در باب مسئله متعلقه بمملکت تونیس نمائیم و عقیده و رای خود را
در این فقره مهمه اظهار کنیم
فقط مدت ده سال است که بعضی از اهالی ایطالیا بمصر مهاجرت نموده آباد و بها در آن صنعت کرده اند و
یک زمانی از حیثیت کثرت و جمعیت عده آنها بیش از شماره جمیع مهاجرین سایر دول و ملل بوده است
ولی حالا از آن شان و عظم بکلی محروم و بی بهره میباشند راست است که حالا هم اهالی ایطالیا در مصر از
حیثیت جمعیت بیشتر از همه اهالی دول خارجه هستند ولیکن بهیچوجه شانی و عظمی ندارند و اگر هنوز بعضی
اشخاص منفرد معتبر ذیشان وجود دارند اما امنای مملکت مصر حتی الامکان سعی دارند که آنها را مضمحل
و بی اعتبار و نابود نمایند و بدینوضع جزئی علامت و اثر باقی مانده از اقتدار و اعتبار اهالی ایطالیا را محو

ومفقود سازند حالت حالیه اهالی ایطالیا در تونس نیز بهمین وضع و منوال میباشد و با وجود اینحالت
رفته رفته یعنی تا چند سال دیگر دولت ایطالیا در دریای مدیترانه منفرد و تنها خواهد ماند و بغیر از ایالت مونتکرو
و منتنگرو دیگر حامی و تکیه گاهی نخواهد داشت و حمایت و امداد ایالت مونتکرو و منتنگرو نیز چندان اسباب امیدواری
و اعتنا نیست زیرا که ممکن است دولت فرانسه و دولت انگلیس دولت ایطالیا را از این جزئی
دلخوشی نیز محروم و منفک نمایند

جمیع دول اروپا و غیره حتی الامکان سعی دارند که آبادیها از مهاجرین فراهم آورند و این کار را یا بواسطه
تسخیر و تصرف املاک در حدود خارج از وطن و مملکت خود میکنند یا بواسطه عهدنامه و غیره بهر حال
یک اسبابی فراهم میآورند که آن قسمت از اهالی مملکت خود را که صاحب هنر و کارآمد میباشند و در وطن
خود میدان تحصیل معاش آنها تنگ است موافق قوانین و قواعد دولت مهاجرت بولایات
دوردست دهند و در آنجا بنای آبادی گذاشته هم اسباب رفاهیت و آسودگی از برای خود فراهم آورند
و هم وسیله وسعت و اقتدار ملت و دولت خود گردند

از میان جمیع دول فقط دولت ایطالیاست که در این مسئله عمده تعمقی ندارد و براه لاقیدی و بی اعتنائی
میرود حتی از ممالکی صرف نظر مینماید که مسافت و فاصله آن از مملکت او بقدر یک تیر توپ است
علت و سبب این پلیتیک دولت ایطالیا معلوم نیست که چیست آیا ترس و واهمه است یا نادانی و عدم
علم و اطلاع و بی بصیرتی در کار خیر و شر خود میباشد بهرحال نتیجه و حاصل این پلیتیک امریست که اسباب افسردگی

دولت

و ملالت است ما بهیچوجه امنای دولت ایطالیا را تکلیف نمیکنیم که عبث خود را در معرض هلاکت و خطر
اندازند و اقدام بکاری کنند که مآل آن معلوم نباشد راست است که دولت ایطالیا هنگام معاهده
با سایر دول اروپا متعهد و متقبل شده است که رشته امنیت و آسایش را نگاهدارد و مستحکم داشته باشد
و البته باید بتعهد خود باقی بماند و آن را وفا نماید ولی نباید با وجود این در ضمن عظم و شان خود را از دست بدهد و بکلی
از منافع و حقوق خود قطع نظر نماید مگر نه دولت ایطالیا در وقتی که باعتبار و اقتدار حالیه نرسیده بود و این عظم
و شان را نداشت و یک دولت کوچک مختصری موسوم بساردن بود اقتدار و اعتباری کلی در اقلیم
افریقا داشت حالا چرا باید با وجود بیست و هشت ملیان سکنه حالیه و یک کرور لشکر و سفاین معتبره و عساکر
جرار بحری قبول کند که آن عظم و اعتبار سابق را نداشته باشد آیا شایسته و سزاوار است که ما افسوس
عهد و زمان کنت سولار دولامار گرنیا را داشته باشیم

باز مطلب سطور در فوق را مکرر میکنیم ما راضی نیستیم که دولت ایطالیا خود را در معرض خطر در آورد و اقدام بکاری
که عاقبت آن معلوم نیست بنماید همینقدر میخواهیم یک پلیتیک خوبی شایسته و در خور شان و
اعتبار خود داشته باشد و راه درستی را پیش گیرد که موافق با لوازم و حوائج روزگار حالیه باشد و خلاصه
کلام اینست که ما میخواهیم دولت ایطالیا بعد از این برخلاف آنچه تا حال رفتار نموده حرکت کند
اول شرط لازم و اهم برای حفظ و نگاهداری آن جزئی عظم و شان که بجهه دولت ایطالیا در افریقا باقی
مانده اینست که باید حتی الامکان تقویت از گماشتگان و مامورین مخصوص دیپلوماسی خود که در ممالک

افریقا هستند نماید وآنهارا بحالت واختیار خود نباید واگذار کند ومخصوصاً آنهارا از بعضی حرکات ورفتار
عاقلانه که از روی صلاح ومصلحت است مانع شود در این سه سال آخر حرکات ورفتار ژرال قنسول ایطالیا
در قاهره اسباب گفتگو وشکایت زیاد شده زیرا که او بهیچوجه متعرض حرکات ورفتار دولتین انگلیس و
فرانسه نشده وساکت نشسته ودولتین مذکورتین بدون هیچ مانع وعائقی هرچه خواسته اند کرده اند
وژرال مشارالیه مطلقا درصدد ممانعت آنها بر نیامده وتقصیری هم الحق نداشته بلکه همه تقصیرات
بگردن سیور پرتیس وارد است زیرا که سیور پرتیس از اول ماه اکتبر سنه هزار وهشتصد وهفتاد وشش
بر سبیل استمرار باموری مخصوص دیپلوماسی دولت ایطالیا در مصر دستور العمل میداد وحکم میکرد که در سایر
وگفتگو وسؤال وجواب دولتین انگلیس وفرانسه با خدیو مصر مداخله نکند سیور پرتیس واجزای وزارت
او خیال میکردند که مقصود کلی از جمیع سؤال وجوابها ونزاع وتهدیدها که دولتین انگلیس وفرانسه نسبت بخدیو
مصر دارند فقط حمایت وجانبداری رعایای خودشان که از مصر طلبکار میباشند میباشد ولی حالا که فهمیده اند
غرض ومقصود اصلی از آن مقاولات ومعارضات بکلی غیر از این یعنی غیر از آنچه آنها تصور میکرده اند
بوده کار از کار گذشته وحال آنکه اگر امنای دولت ایطالیا قدری بیشتر قوه پیش بینی ومطلب فهمی میداشتند
الان دولت ایطالیا نیز در فواید ومنافع حاصله برای دولتین انگلیس وفرانسه شریک میبود وبعلاوه دولت
ایطالیا واسطه ومیانجی واقع میشد ومیتوانست در نهایت تسلط رفتار نماید واگر ما در این سه سال در عمل
مصر موافق قاعده رفتار میکردیم در تونس هم حالت ما غیر از اینکه هست میشد پس حالا امنای دولت

ایطالیا

ایطالیا باید اقلا چاره وعلاجی در امور متعلقه بتونس نمایند زیرا که هنوز دیر نشده ووقت وفرصت بدست
هست ما در تونس یکنفر مرد قابل کافی در امور پلتیکی داریم اما امنای دولت واجزای پارلمان بلکه عموم
اهالی ملت باید او را تقویت وکمک نمایند ونمیگوییم که دولت جنگ کند واسلحه بکار برد یا نامه های رسمی
دولتی بنویسد اینکارها بهیچوجه لازم نیست بهترین تدابیر واسهلها اینست که دولت تجار صاحب مایه
متمول را در آن مملکت تقویت وحمایت نماید وارباب حرف وصنایع واشخاص هنرمند با
علم را ترغیب وتشویق کند که هریک در آن مملکت مشغول کار وکسب خود شوند ومعرفت واطلاع کامل
از وضع وحالت وخصائص وشرایط آن مملکت بهم رسانند وبواسطه همین اعمال میتوان فواید کلی حاصل
نمود ومطلب مهم اینست که دولت ایطالیا خبط وغفلتی را که در امورات مصر کرده فراموش نکند ومواظب
باشد که نظیر آن خبط را در کار تونس ننماید

روس

در روزنامه گولوس روسی شرحی درباب مقدار نمکی که در ظرف مدت یکسال در کارخانه های نمک
پزی روس تحصیل شده ومبلغ مالیاتی که از نمک عاید دولت شده نگاشته وصورت آن از قرار ذیل است
مقدار کل نمکی که در سال گذشته در جمیع کارخانه های نمک پزی دولتی وغیر دولتی بعمل آمده با نمک قریمی
سی ویک ملیان وپانصد وپنجاه ویکهزار وهفتصد وهفتاد وپنج پوت است که هر پوتی تقریباً معادل شش من
تبریز است ومبلغ وجهی که برسم مالیات از مقدار مزبور نمک عاید دولت شده نه ملیان وهشتاد و

وهفت هزار وهفتصد ویک منات بوده است بیشتر نمکی که تحصیل شده از دریاچه های شور ایالت
حاجی ترخان میباشد یعنی که تنها از دریاچه های مزبوره یازده ملیان ونیم پوت نمک عاید شده ومقدار
نمکی که از ممالک قریمه از دریاچه های دولتی وغیر دولتی بدست آمده هشت ملیان پوت وکسریست نمکی که
از مملکت پرم استخراج شده تقریباً چهار ملیان پوت بوده درسال گذشته از دریاچه های مملکت بوسکت
وبلوک زبایکال یک نمکی معروف بنمک گلوبریت عاید شد ومقدار آن هشت هزار وسیصد وشصت
پوت بوده وجه مالیاتی که از این نمک باصل دولت شده بود هزار وسی وشش منات رسید از قراریکه
اداره وزارت وجوه ومالیات حساب کرده وتخمین نموده است درسال آینده مقدار نمکی که از کارخانه های
متفرقه دولتی وغیره در ممالک روس اخذ وتحصیل خواهد شد سی وپنج ملیان پوت خواهد بود ومبلغ
مالیاتی که از این مقدار نمک عاید دولت خواهد شد متجاوز از ده ملیان منات است که تقریباً معادل با
شش کرور وسیصد هزار تومان پول ایران میباشد

در شهر لیورپول

این روزها واقعه عظیمی رخ نموده یعنی عمل شنیعی که در مدت یازده سال در پرده خفا مستور بوده ظاهر و آشکار گردیده وتفصیل آن از قرار ذیل است

شخصی موسوم بیارنس با زوجه او گرفتار ومحبوس شده اند وعلت گرفتاری وحبس آنها اینست که این
دو نفر یازده سال تمام شغل وکسبی که برای خود قرار داده بودند این بود که اطفال مردم خاصه بچه های زنهای

خدمتکار را

خدمتکار را که از راه غیر معقول صاحب اولاد میشدند باجرت ومزدگی میگرفتند که نگاهداری وتربیت کنند
وپس از گرفتن آن اطفال را بقتل میرسانیدند از قراری که معلوم شد منتهای وجه اجرتی که برای نگاهداری
وتربیت یک طفل میگرفته زیاده از سی لیره نبوده است چنانکه اظهار داشته اند اشخاصی که اطفال خود را باین
زن وشوهر برای تربیت ونگاهداری میداده اند اغلب دختر زنهای خدمتکار بوده اند واین کار را محض این کرده اند
که از بدنامی ورسوائی محفوظ مانند وآوردن طفل اسباب بی آبروئی وبی اعتباری وبازماندن آنها از مشاغلی که
داشته اند شود ومحض زائیدن طفل خود را باین زن وشوهر میداده اند وکمال اطمینان را داشته اند که باجرتی
که آن طفل نگاهداری وتربیت میشود واز حقیقت عمل بیخبر بوده نمیدانسته اند که آن طفل بیچاره بچه بلیه مبتلا میشود در صورت
خدا میداند که در مدت یازده سال این زن وشوهر چند تن از اطفال بیچاره را تلف کرده اند وبسیار مشکل است
که تقصیرات این زن وشوهر را بگردنشان وارد آورد وآنها را مقر ومعترف باین عمل نمود تا موافق قاعده و
قانون سیاست شوند زیرا که شهود وبینه در میان نیست وصاحبان اطفال نیز بجهة حفظ آبروی خود ساکت
اند ومطلقاً جرأت اظهار مطلب ندارند ومدعی نمیشوند بنابرین ظن غالب اینست که تقصیرات این زن
وشوهر ظالم غیر ثابت ودر پرده خفا پنهان بماند

روس

اخبار مسطورات روزنامه های انگلیس درباب موقتاً موقوف شدن سفر جنگی قشون روس بطرف
ترکمه آخال تکه بصحت پیوسته است چنانکه وکلای روزنامه های گولوس روسی نیز از بردها و حکایت این

فقره را تصدیق مینمایند نیز موجب اخباری که دیروز از لندن رسیده است شهرت اینکه دولت روس قصد کرده
و خیال دارد که در فصل بهار از دو نقطه سواحل بحر خزر و از ترکستان بسفر جنگی اقدام نماید خالی از معنی عمده نیست و
بسیار طبیعی بنظر میآید

سفر جنگی معروف بسفر جنگی آخال تکه در اول وقتیکه شروع شد پیش از آنکه مردم از حقیقت و اصل مقصود
از آن سفر اطلاع بهمرسانند گفتگو و تحقیقات زیاد در آن میشد و گویا همه کس میگفت از سواحل دریای خزر
حرکت بطرف مرو فایده و ثمری نخواهد داشت مگر اینکه آن حرکت از دو سمت باشد یعنی از سمت ترکستان
و طرف سواحل دریای خزر و قشونیکه از سمت ترکستان حرکت نماید باید کمک باشد از برای لشکری که از
طرف سواحل بحر خزر حرکت مینماید

در هنگامیکه انگلیسها در افغانستان مشغول جنگ بودند همه کس میتوانست خیال و گمان کند که جمع آوری
لشکر روس در چکشلر محض اینست که دولت انگلیس را از مسلط شدن بر دولت ایران مانع شوند
پس از آنکه در روزنامه انوالید روس تحقیقات زیاد در باب مقاصد مجهوله و غرض غیر معلوم سفر
جنگ آخال تکه نگاشته شد میسو کوروپاتکین مطلبی بعنوان ترکمانیه و اهالی ترکمن نوشت و در آن نوشته
اول مرتبه اصل مقصود سفر جنگ آخال تکه را واضح و مبرهن نمود و معلوم شد که عمده مقصود از سفر جنگی
مزبور اینست که یک تنبیه و تدبیری از تراکمه آخال تکه بنمایند که آنها بعد از این مثل سابق متصل حمله و یورش
بترکمنهای مرو نبرند بالجمله اگر مقصود اصلی از سفر جنگ آخال تکه را همین فقره فرض کنیم و بگوئیم از روی حقیقت

قصد

قصد و غرض برقرار نمودن آسایش و امنیت است در سرحد دولت روس پس باید گفت هنوز آن
مقصود بعمل نیامده است هیچ شک نیست که آن ایستادگی و مدافعه که لشکر روس در نزدیکی کیوک تپه
از طرف مقابل دیدند نتیجه مداخله تراکمه مرو بوده است در جنگ و جدالی که ترکمنهای تکه با لشکر روس نمودند
بموجب اخبار و اطلاعاتی که میسو کوروپاتکین اظهار داشته ترکمنهای مرو بارها یا بواسطه تشدد و
تهدیدات متوالیه یا بجهة وعده و نویدهای پی در پی تراکمه آخال تکه را تحریک بجنگ با روس نموده و در
اینصورت اگر لازم شود که در فصل بهار مجدداً شروع باین جنگ نمایند باید در همانوقت و هنگام نیز
اقدام بسفر جنگی بسمت مرو کنند و آن اقدام باید از سواحل رود جیحون بشود

ولی این تفصیلات چه مدخلیتی بمسئله عمومی آسیای مرکزی دارد و چه دخلی بدوام و قوام استیلا و تسلط انگلیسها
در هندوستان و جنگ حالیه انگلیس با افغانستان خواهد داشت باید شخص بسیار خیال باز باشد تا این مسئله
جزئی را که فقط متعلق بمسئله حفظ و نگاهداری و حراست سرحدات یک دولتی است نسبت بدهد بمسئله
عمومی و عمده که مدخلیت بدول و ملل داشته باشد و باید شخص بسیار کم ظرف باشد که محض ثبوت عقاید باطله
خود اصل و حقیقت مطلب را بنوعهای فاسد تغییر و تبدیل دهد و معانی غیر مطابق با واقع برای آن نموده چیزهائی
چند بر آن ضمیمه نماید چنین عقاید و تحقیقات منحصر و مخصوص است ببعضی دول اروپا که اظهار خیرخواهی نسبت
بدولت روس میکنند و هر چیزی را بمعیار و میزان خود وزن و مساحت مینمایند و چون خودشان انواع
و اقسام مسائل استراتژی را بنیاد و مبنای پلتیک خود قرار میدهند کلیه اعمال و کردار دولت روس را

که مبنی بر حفظ و نگاهداری سرحدات خود است حمل بر مقاصد تسخیری و تصرفات ملکی مینمایند و ناخوشترین
عضوی از اعضای دولت خود و محل و مقصد روسها قرار میدهند

جهة همین است که ما یک قسمت از اخبار روزنامه‌های انگلیس را در باب دو سفر جنگی که بنا است در فصل بهار
بانها اقدام کنند تصدیق مینمائیم و صحه میگذاریم ولی بهیچوجه نمیتوانیم انواع و اقسام تحقیقات و تأویلات
روزنامه نگارهای مذکور را تصدیق کنیم زیرا که این تحقیقات و تأویلات بر خلاف مقصود و اصل از سفرهای
جنگی مزبور میباشد که بعقیده آنها خیال تصرف و تسخیرات ملکی است نه امنیت و حفظ و حراست سرحدات
اینحالت و وضع روزنامه نگارهای انگلیس تازگی ندارد و راه آن بدست آوردن و توضیح علت آن سهل است قرب جوار
و همسایگی با طوایف و ملل و دول بی تربیت که بهیچوجه اعتنائی بقوانین و تعهدات بین دول و ملل ندارند
اسباب و باعث بعضی حوادث و وقایع میشود و دولتین روس و انگلیس که با اینطوایف و ملل تربیت
نشده مجاورت و همسایگی دارند مجبور به برخی حرکات و اعمال میشوند و اهالی هر دولتی رفتار و کردار آن دیگری را
حمل بر قصد و خیال تصرف و تسخیرات ملکی مینمایند و چون هر یک از این دو مدعی آسیای مرکزی یعنی هم
روس و هم انگلیس متصل بجهة حفظ و حراست سرحدات خود در حرکت هستند بیشتر طبیعی و معین است
که یکروزی آنها با هم تلاقی خواهند نمود و با وجود حالت حالیه که دول اروپا نسبت بیکدیگر دارند خیال این
تلاقی دولتین ضد و دشمن در اقلیم آسیا اسباب ترس و واهمه عموم ناس شده است و اغلب از
دول معظمه اروپا نیز این خوف و وحشت را تقویت مینمایند زیرا که هر قدر امور روس مشکل تر و مغشوش تر

شود مصلحت و صلاح حالت آنهاست

متعلق بمعاهده و مودت دولتین اطریش والمان

بمحض اینکه انعقاد عهد مودت و دوستی فیمابین دولتین اطریش والمان منتشر و شایع شود آثار
و علامت اغتشاش و اضطراب و وحشت در بعضی از دول اروپا شروع ببروز کردن خواهد نمود
اگر اعتمادی بقول وکیل روزنامه پاریس موسوم بسلیل بنمائیم در ایطالیا جمیع ارکان دولت و روسا و
پیشوایان تمام فرق بنای گفتگو و محاوره را در باب لزوم اتحاد و مودت و نزدیکی با طوایف سلاو نهاده اند
و در فرانسه نیز امنای دولت و اجزای پلیتیک دولت یکمرتبه از وزارت کنت بیکنسفیلد مایوس شده
حالا میخواهند مارکیز گارتینگتون پیشوای دسته لیبرال را بریاست دولت انگلیس به بینند و این میل و
خواهش امنا و ارکان پلتیک فرانسه را روزنامه نگار ژورنال د دبا سه سال تمام بر سبیل استمرار
توصیف و تعریف کرده و از پلتیک وزارت حالیه انگلیس اظهار نموده گوید
مارکیز سالیسبوری وزیر امور خارجه انگلیس در نطقی که در مانچستر کرده در باب دولت فرانسه هیچ
نگفته و ذکری ننموده و گویا آخر الامر مسیو وادینگتن و رفقای او گامبتا و لیون حامی او چشم خود را باز کرده و فهمیده باشند
که پلتیک سه ساله آخر دولت فرانسه چه قدر از روی خبط و اشتباه بوده و ملتفت شده اند که
آن پلتیک بهانه و عنوان حفظ و حراست مشرق اروپا از جنگ دولت روس حالا اسباب
و مقدمات ریاست و سلطنت مطلق دولتین اطریش والمان در کنتنان یعنی در قسمت بری اروپا میشود

روزنامه ژورنال دوبا در حالتیکه متحیر است که چگونه رفع خبط و سهوهای خود را نماید و از آنجائیکه ممکن است
یکمرتبه بطرفداری و حمایت روس برخیزد بنطق مارکیز کارتینگتن رئیس دسته لیبرال انگلیس متوسل
میشود که در آن نطق مارکیز مشارالیه اظهار دلسوزی و حمایت نسبت بطوایف مختلفه شبه جزیره بالکان
که گویا از نو ظهور و وجود بهم میرسانند مینماید و از صفات طوایف افلاق بغدان و یونان و غیره تعریف میکنند
این تغییر رای و عقیده روزنامه نگار ژورنال دبا نباید اسباب حیرت و تعجب شود زیرا آنکسانیکه
سررشته و اطلاعی از امور پلیتیکی دول دارند در کمال سهولت میتوانند درک و فهم نمایند که این عهد
دوستی و مودت که فیمابین دولتین اطریش و المان منعقد شده نه تنها برای دولت روس خطر دارد بلکه
برای دولتین فرانسه و ایطالیا هم از این راه خطر کلی حاصل است بلکه اگر مارکیز سالیسبوری پیش از
وقت بواسطه شادی و بشاشتی که از انعقاد معاهده مزبوره نمود این مطلب را بروز نمیداد باز مطلب در
پرده نمیماند و بروز میکرد یعنی بمحض وقوع یک اتفاق عمده و سانحه مهمی روزنامه نگارها و پلیتیک دانهای
فرانسه و ایطالیا ملتفت مطلب میشدند و همان کاری را که الآن میکنند آنوقت میکردند

میل نزدیکی و آمیزش و الفت با طوایف سلاو و رغبت حمایت و جانبداری از طوایف شبه جزیره
بالکان که تازه وجود و ظهور یافته اگرچه در الفاظ و عبارات آن اختلافست اما اصل و معنی آن عبارات
واحد میباشد و آن معنی اینست که امنا و ارکان دولتین فرانسه و ایطالیا این مطلب را فهمیده و سنجیده اند
که باید فکری و تدبیری در مقابل قدرت و تسلط علی الاطلاق دولتین اطریش و المان بیندیشند و کاری

کنند

کنند که آن دو دولت در اروپا اول دولت و مسلط بر همه نشوند و دیر یا زود امنا و ارکان و روسای
ملل لاتین مجبوراً اقرار خواهند نمود که مطالب آنها اجابت نخواهد شد مگر اینکه با دولت روس متفق
و معاهد شوند و این فقره اهم و الزم است و عنقریب اوضاع جدیدی فراهم خواهد آمد که کل دول اروپا
بموجب آن اوضاع مشغول دسته بندی جدیدی شوند و در مراوده و معاشرت و معامله بین دولتین
تغییر کلی راه خواهد یافت و طرحی تازه ریخته خواهد شد که بواسطه آن خیالات پرنس بیزمارک که میخواست
بواسطه عهد مودت با دولت اطریش از آن طرح و وضع پرهیز کرده باشد باطل و بی ثمر خواهد شد
و با وجود فراهم آمدن آن اوضاع تازه بار دوش دولت روس خیلی سبکتر و حمل آن آسانتر
خواهد بود مارکیز کارتینگتن در نطق خود یکنوع طرح ریزی از پلیتیک آتیه دولت انگلیس کرده است و آن اینست
که دولت انگلیس علی العجاله باید در کمال آرامی و آسودگی منتظر باشد و ببیند که دول متفرقه که محتاج بکمک
و یاری او هستند هر یک چه تکلیفی باو مینمایند و دولت روس که اسباب ترقی جدید و وجود یافتن
طوایف شبه جزیره بالکان شده است نیز میتواند در این مسئله تقلید و پیروی دولت انگلیس را نماید

دولت المان

دیروز در نیم ساعت از ظهر گذشته مجلس شورای دولتی پروس منکشف شد و اعلیحضرت امپراطور المان مجلس
مذکور را خود بنفسه افتتاح فرمودند موافق مخابرات تلگرافی که از شهر برلن رسیده معلوم میشود که نطق اعلیحضرت
امپراطور در برخی از مطالب مستوجب تحسین و درخور تصدیق اجزای مجلس شده و در هنگام دخول

اعلیحضرت امپراطور در تالار سفید بر حسب رسم و عادت سه مرتبه اجزای مجلس صدای هوخ (هورا) بلند نمودند
و جمیع شرایط و تشریفات معموله بجهة شکوه افتتاح مجلس شورای دولتی بعمل آمد ولی حالت باطنی و قلبی اجزای
شوری موافقت درستی با حالت جلال و جلوه ظاهری نداشت زیرا که اجزای شورای مذکور که در مرتبه
اول جمع شده بودند هر یک نسبت بمجلس اول حالت مخصوصی داشتند اولاً قبل از اینکه مجلس اول
منعقد شود چنین شهرت داشت که دو نفر از وزرای دولت یعنی وزیر عدلیه و وزیر علوم خیال استعفا دارند
ثانیاً طریقه و سبک و رویه پلیتیک دولت المان مجهول و غیر معیّن بود و معلوم نبود که آیا بواسطه ملحق شدن
هواخواهان دسته کنسرواتر با دسته مرکزی یا بواسطه تشکیل یافتن یکدسته متوسط از هواخواهان لیبرال
خوددار و کنسرواتر های خوددار وزارت عظمای دولت المان غلبه و برتری بر دسته های مختلفه بهم خواهد رسانید
یا نه ثالثاً دسته هواخواهان ناسیونال لیبرال بعد از مغلوب شدن در انتخابها حالت و دماغی نداشتند که
و قلب آنها درین مجلس اول شوری شاد و خرم نبود همچنین دسته اولترامونتان حالت منتظره داشتند
یعنی بانتظار نتیجه و حاصل سؤال و جواب دولت پروس و حضرت پاپ بودند و بان جهة چندان
حالتی نداشتند که در مجلس شوری بطور اطمینان و با قوت قلب و جرأت حضور بهم رسانند و صورت ظاهر
و تکبر و وقاری داشته باشند جمعیت دسته کنسرواتر ها زیادتر از جمعیت سایر دسته ها بود و نسبت بسایر
با جرأت تر میتوانستند در مجلس و تالار سفید حضور بهم رسانند اما آنها نیز بیک جهة نمیتوانستند چندان
تکبر و تبختری بخرج دهند زیرا که تا آنوقت نمیدانستند کدام یک از دسته های مختلفه آنها را حامی و دوست

و کدام

و کدام دسته بر ضد و مخالف آنها خواهند بود آیا لیبرالها معین آنها خواهند شد یا هواخواهان
پاپ خلاصه همه اجزای مجلس کسل و متفکر بودند و هر یک حالت غیر معین نامعلومی
داشتند چنانکه اینحالت در این اواخر در جمیع روزنامه های دولتی و رسمی و غیره بروز و ظهور داشته
از جهة دیگر خود دولت هم چندان قوت و ثبوتی در خیالات خود ندارد زیرا که علاوه بر حالت
اغتشاشی که در امور داخله دولت هست از مرحمت پرنس بیزمارک بعضی اشکالات نیز در امور
خارجه بهم رسیده انکار و نکول پرنس بیزمارک از دوستی و مودت با خیرخواه ترین از دول نسبت
بدولت المان و طلب تقویت و تکیه گاه در محلی که هنوز نایره خصومت و عداوت اهالی آنمحل نشسته
بپروس بکلی منطفی نشده اوقات پادشاه درست کار صادق المان را تلخ کرده است زیرا که پادشاه
المان که همیشه اوقات دولت روس را باوفاترین از دوستان خود میدانست مجبور شده که پیش
صدر اعظم مقتدر خود تسلیم شود و دولت المان را در یک راه جدید پر خطری بیندازد
وزرای دولت هم دماغی نداشتند زیرا که انقلاب و تردید و تزلزل عقاید و آرای پیشوا و رئیس مجلس را که
نمیدانند بکجا میتواند بطور اطمینان تکیه دهد و اعتماد کند مشاهده مینمودند
چنانکه در مخابره تلگرافی مذکور شده و پیش از این هم در روزنامه های دولتی طبع و انتشار یافته بود مقصود اصلی
از نطق اعلیحضرت امپراطور در هنگام افتتاح مجلس شورای دولتی این بوده که بوکلای جدید ملتی
تکلیف کنند که مشغول تحقیق و گفتگوی بعضی مطالب متعلقه بوجوه و خرج و دخل دولتی شوند مخصوصاً

تحقیقات لازمه درباب تغییر وتبدیل واجرای بعضی تنظیمات جدید در عمل جمع آوری مالیات وعمل راههای آهن نمایند یعنی حتی الامکان سعی کنند که از مالیات متفرقه تخفیف دهند وراههای آهنی که متعلق بمردمان متفرقه شد برای دولت خریداری نمایند ودرصدد ساختن راههای آهن جدید برآیند

اخبار مختلفه

در شهر پاریس پانصد وهفتاد نفر زن ومرد هستند که شغل وکسب مخصوص آنها غیب گوئی وفال گیری وجادوگری است وبانواع واقسام نیرنگها ورنگها باشغل مزبوره مشغول میباشند وبوضعهای غریب وعجیب مردم را فریب میدهند واگر کسی بخواهد معروفترین از این اشخاص را ببیند ودرباب مسئله با او مصلحت ومشورت نماید باید اقلا یکهفته پیش وعده از او بخواهد وروز وساعت را معین کند ووجه اجرت آن شخص برای حضور دریک مجلس ومشورتی اقلا چهل فرانک است که چهار تومان باشد از قراریکه با کمال دقت حساب کرده اند مبلغی که مردمان ساده لوح پاریس در ظرف مدت یکسال باین اشخاص که بایع وفروشنده مجهولات وچیزهای غیر معلوم میباشند میدهند معادل است با پنج ملیان وهشتصد هزار فرانک که یک کرور وهشتاد هزار تومان پول ایران باشد

در اینکه اوان پیری خالی از حمقی نیست

این اوخر در ماکرینی برروی رود مولداو یک پیرمرد هشتاد ساله سوءظنی نسبت بزن هفتاد وهشت ساله خود بهم رسانیده واو را کشته است وعلت این سوء ظن ملاقات آن زن بوده است با یک پیرمرد هشتاد وپنج ساله دیگر در مجلسی

طریقه باز کردن دهن بطری یا ظرف دیگر که با چوب پنبه محکم کرده باشند

برای اینکه در صورت لزوم وحاجت در بطری یا ظرف دیگر را که با چوب پنبه محکم کرده باشند بدون پیچ مخصوص در بطری باز کنند باید یکپارچه لاک بردارند وبواسطه چراغ یا آتش آنرا آب کرده برروی چوب پنبه بریزند بعد از آنکه لاک سرد شد روی چوب پنبه یک چیزی حاصل خواهد شد مثل دسته آنوقت ممکن است دسته را بگیرند وبخط مستقیم بطرف بالا بکشند بدون اینکه بطرف پهلوی درب بطری یا ظرف دیگر کج شود چوب پنبه بیرون خواهد آمد

درباب کوره واوجاق که بواسطه شعاع آفتاب طبخ غذا مینماید

شخصی فرانسوی موسوم به موشو در اکسپوزیسیون پاریس یک آلتی حاضر نمود که بواسطه آن در آفتاب بدون هیزم در غالها ماهی وسبزی وقهوه وغیره را می پخت بلکه بقدری احداث بخار مینمود که قابل حرکت دادن یکدیک بخار کوچکی بود حالا یک شخص فرانسوی دیگر موسوم به گسو این آلت را تکمیل نموده است بطوریکه در فصل تابستان در مدت نیم ساعت ودر زمستان در ظرف سه ربع ساعت بواسطه اشعه آفتاب یک نهار متعارفی را بخوبی میپزد

طریقه غریب وعجیب کفن ودفن اموات

درمیان اهالی جزایر معروف بجزایر شارلوت بلکه در ارشیپل هندوستان اهالی جزایر مزبوره درخت را میبرند ومیان آنرا خالی مینمایند یعنی از امتداد کنده درخت مانند لوله آنرا سوراخ میکنند وجسد ونعش مرده را

دران میگذارند و آن کنده درخت را در نزدیکی خانهٔ اقوام و خویشان میت می نشانند بقسمی که آن کنده درخت بقدر ده پا از کف زمین بیرون میباشد از برای رؤسا و امنا و مردمان معزز و محترم اشجار قطور بزرگتر را منتخب مینمایند و کنده آن درخت را حکاکی و کنده کاری و مزین مینمایند و گاهی اوقات آن کنده را با جسد مرده متشخص در یکی از دیوارهای خانهٔ میت بقسمی نصب میکنند که یک قسمت از آن درخت از درون خانه پیدا و نمایان میباشد شخص واعظی که این تفصیل را نقل کرده گوید در زمستان گذشته من اقوام یکنفر از رؤسای جزایر را که فوت شده بود توانستم معتقد نمایم باینکه این قسم کفن و دفن برای حفظ الصحهٔ عموم اهالی جزایر ضرر و خطر دارد و آنها قول مرا قبول و اطاعت نمودند

اخبار مختلفه

در شهر متس مجلسی منعقد و برقرار است که شغل آن توجه و پرستاری طیور و پرنده های کوچک است که چندان قوت و قدرتی ندارند در فصل زمستان از جانب این مجلس صندوقچه های عدیده در درب قهوه خانه ها و سایر ابنیه و عمارات عامه میگذارند و مردم بقدر همت و استطاعت خود هر یک پولی دران صندوقچه ها میاندازند و مبلغ وجهی که جمع میشود دانه میخرند و دراوقاتیکه زمینها مستور در برف میشود و تحصیل دانه و خوراک برای مرغهای کوچک مشکل و غیر ممکن است آن دانه ها در میدانها و وسعتهای بسیار وسیع میپاشند و طیور مسطوره دسته دسته و گله گله میآیند و آن دانه ها را میخورند و احدی جرأت ندارد که با آنها دستی برند و قصد گرفتن آنها نماید بلکه در شهر متس هیچوجه ممکن نیست که پرنده های کوچک را خرید و فروش نمایند

را

شرح وضع حمل و تولدی بطور غرابت

در یکی از روزنامه های حاجی طرخان مسطور است که در قریهٔ نیکولایوسک که از دهات مملکت حاجی طرخان است در هشتم ماه دسامبر سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هشت مسیحی زوجه یکی از دهاقین در سن سی و پنجسالگی بیک شکم پنج طفل زائیده است که سه طفل از آن پسر و دو طفل دختر بوده زن مشار الیها هر یک از اطفال مزبوره را بفاصله یکساعت زائیده مگر طفل پنجمی که روز بعد متولد شده و یکی از دخترها روز بعد از تولد مرده و چهار بچه دیگر روز سیم فوت شده خود مادر هیچ عیب و ناخوشی بهم نرسانیده والآن در کمال سلامت و صحت زندگانی مینماید

در روزنامه های شهر رون مسطور است که زنبور زیادی حمله و یورش بر چندین باب از خانه های آن شهر آورده اند بطوریکه بنهایت غریب و اسباب تعجب میباشد این هجوم و حمله زنبورها از روی کمال اصرار و ابرام و مداومت بوده است از جمله عدهٔ غیر محدود و بیحسابی زنبور بطرف کوچهٔ معروف بکوچه گردوس ارلوز حرکت کرده و ریخته اند بکارخانه یکنفر شیرینی ساز بقسمیکه جمیع عمله جات کارخانه مجبور از دست از کار کشیده و هیچیک از آنها از صدمه و آسیب گزیدن زنبورها محفوظ و سالم نمانده است بلکه یکی از آن عمله جات را زنبورها بحدی صدمه زده اند که محتاج بطبیب شده است تدبیری بنظر صاحب کارخانه آمده قدری گوگرد در کارخانه سوزانیده که بلکه از دود و بوی گوگرد آن مهمانهای ناخوانده بیرون بروند ولی این تدبیر مطلقا مفید اتفاق نیفتاده فرقی که کرده این است که زنبورها از مرتبه تحتانی عمارت بمرتبه فوقانی رفته اند و بعد از آنکه دود و بوی گوگرد تمام شده

تا بنیاد مراجعت نموده اند و کثرت عده زنبورها بحدی بوده که بر روی بعضی جاهای از دیوارها بقطر چندین سانتیمتر زنبور بر روی هم نشسته بوده است

در روزنامه شاریواری نگاشته اند که شخصی موسوم بروزر از آوازه خوانهای بسیار معروف روزی برحسب وعده و دعوت بخانه یکی از تجار رفته که آواز بخواند و حق القدم و اجرت او را یکهزار و پانصد فرانک قرار داده پیش از وقت برای او فرستاده بودند در اوایل مجلس مسیو روزر مشغول خواندن میشود ولی صاحب خانه و مهمانهای او بصحبت خود پرداخته چندان توجه و اعتنائی بآواز او نمینمایند مسیو روزر ساکت شده و فی الفور از مجلس بیرون میرود و روانه خانه خود میشود اهل مجلس ملتفت میشوند که مسیو روزر غایب شده است و هرچه تجسس میکنند او را پیدا نمینمایند روز بعد مسیو روزر یک اسکناس هزار و پانصد فرانکی و یک اسکناس پانصد فرانکی در پاکت گذاشته رقعه باین مضمون بتاجر مزبور مینویسد و میفرستد اسکناس هزار و پانصد فرانکی که برای من فرستاده بودید که وجه اجرت من باشد بجهة شما پس فرستادم بعلاوه یک قطعه اسکناس پانصد فرانکی هم برسم جریمه و وجه مصادره از خود برای شما ارسال داشتم تا تلافی دلتنگی و اوقات تلخی که برای شما و مهمانهای شما از آواز من حاصل شده بشود

یکنفر مکانیسین راه آهن سمت مشرق فرانسه شرحی در روزنامه ادب از یک عقاب کوچکی نوشته که

بکمال

بکمال غرابت و تعجب را دارد و فی الحقیقه خالی از مزه نیست و شرح مذکور از قرار ذیل میباشد

عقابی است کوچک که در جمیع ترنهای راه آهن با ما همراهی دارد و خط راه و منزل و حرکت او را هرگز تغییر و تبدیل نیست و همیشه بیک روش و طریقه است یعنی از مرکرینی میآید بروم ابلی و از روم ابلی بمرکرینی و قریب یازده سال است که کار او این است و جمیع عملجات راه آهن این عقاب را می شناسند و تماشای حالت و سبک تعجب آور او را مینمایند این مرغ فهمیده و دانسته است که مرغان کوچک نهایت وحشت و واهمه از لوکوموتیف و کالسکه های راه آهن دارند و بمحض نزدیک شدن کالسکه ها و لوکوموتیف جمیع طیور کوچک فرار کرده بحصارها و دیوارهای اطراف پناه میبرند این عقاب کوچک همیشه بارتفاع پنج یا شش ذرع در بالای سر ما پرواز مینماید و خود را در بخارهای دیگ لوکوموتیف مخفی و پنهان میکند تا بیک مرغ بدبختی برخورده حمله باو میبرد و گویا هرگز هم خطا نمینماید یعنی همه دفعه صید خود را بچنگ میآورد احیاناً در حسب اتفاق اگر آن شکار طوری از چنگ عقاب خود را نجات داده خلاص کرد عقاب باز بجای خود میآید و کلیةً محال است که او را از جائی که دارد جابجا کنند و دور نمایند بارها گلوله بطرف او انداخته اند ولی نتوانسته اند او را بزنند یعنی بمحض خالی شدن تیر بواسطه یک حرکت سریعی از طرف چپ یا راست از محاذی گلوله خود را دور کرده است و فی الفور باز از بالای سر ما روان شده است

پرواز این عقاب بسیار تند و سریع است مثلاً اتفاق میافتد که مشغول تعاقب یکمرغی میشود و تقریباً یکصد و پنجاه یا دویست متر از کالسکه ها عقب میماند ولی بلافاصله در آن واحد خود را بکالسکه ها میرساند و بهمان قدرها

هم ارگان که از پیش بیافتد و در این ضمن باطراف هم سرکشی مینماید که بلکه شکاری پیدا کند و اگر چیزی پیدا
نکرد باز بر سر جای خود مراجعت مینماید

در مملکت المان مسیو پشک کتاب لغتی تألیف و طبع نموده است این لغت از زبان المانیست بالسنهٔ فرانسه و انگلیس و روس و هنگری و سرویه و کرواسی و سلاو و رومنی و ایطالیائی و اسپانیولی و پرتوغالی و هولاندی و سوود و دانمارک و یونانی جدید و لاتین در این کتاب لغت رسم فرازیونی که لغات مختلفه بمعانی مختلفه در آنها استعمال شده باشد موقوف و متروک است ولی جمیع معانی عمده لغات مختلفه بهمه زبانهای مذکوره ترجمه و معنی شده است

روزنامه فرانس این اواخر یک مطلب بامزه از روزنامه های امریکائی متعلق باعلان اخذ و طبع نموده است و آن مطلب اینست که اعلان را باید چندین مرتبه طبع کرد تا مقصود حاصل شود مثلا اعلان اول دفعه که طبع میشود مطالعه کنندگان روزنامه همینقدر آنرا می بینند ولی سرسری دفعه دویم که طبع شد درست می بینند ولی باز نمیخوانند دفعه سیم که طبع کردی میخوانند دفعه چهارم نگاه بقیمت آن چیزیکه اعلان متعلق بآنست مینمایند دفعه پنجم که اعلان را دیدند باهل خانه خود میگویند که همچنین اعلانی شده است دفعه ششم که اعلان طبع شد و دیدند بر خود حتم میکنند که آنچیز را بخرند مرتبه هفتم که اعلان نمودی میخرند

استعمال

استعمال قهوه در عکاسی

از برای اینکه عکسی را که بر روی شیشه انداخته اند پیدا و آشکار نمایند قهوه استعمال میکنند پنج قسمت قهوه کوبیده بسیار نرم را در قیف یا صافی کاغذی میریزند و یکصد قسمت آب جوش که مخلوط شده باشد با دو قسمت شکر سفید بر روی آن قهوه ریخته تأمل میکنند تا آن مخلوط آب و قهوه و شکر از صافی بگذرد و بعد از آنکه از صافی گذشت و سرد شد یکمرتبه دیگر آنرا با صافی صاف مینمایند صفحه شیشه یا غیره را که با کلدیوم آماده کرده در سه حوضچه (حمام) آب که اولی از آنها کمی اتر داشته باشد میشویند و بعد از آن بر روی آن صفحه مخلوط صاف کرده آب و قهوه و شکر را میریزند و صفحه مذکور را مدتی طوری نگاه میدارند که آن مخلوط بکلی تا قطره آخر تمام میشود آنگاه همین عمل را دو بار دیگر تکرار میکنند و برای خشک کردن صفحه آنرا در یک اطاق تاریک در پهلوی دیواری گذاشته چنانکه یک گوشه صفحه بر زمین باشد و تکیه آنرا بدیوار داده باشند وقتیکه صفحه خشک شد ممکن است آنرا در روشنائی بگذارند پس از آنکه صفحه بقدر لزوم در روشنائی ماند باید آنرا با آب بشویند

شرح آلت مخصوصی که بجای ترازوی شیمی کار میکنند

بر هر کسی معلوم است که ترازوهای شیمی بسیار گران است و علت این گرانی اینست که میزان کردن آلات و اجزای آن ترازوها بسیار کار مشکل پر زحمتی است و نهایت صعوبت را دارد تا اینکه هر دو دوش ترازو و شاهین آنرا بی کم و زیاد از روی کمال صحت و دقت برابر و میزان کنند

شخصی موسوم به زگریک آلتی اختراع کرده که انواع و اقسام اشیا و اجسام را در کمال درستی و صحت وزن

مینماید و این آلت عبارتست از دو لوله بقطرهای مختلف که هر دو لوله بهم وصل است و زیبق در آنها
ریخته است و بنا بر قواعد علم شیمی زیبق این لوله‌ها باید در یک سطح و ارتفاعی باشند و هرگاه بر روی سطح
زیبق یکی از لوله‌ها شیئی ثقیلی را بگذارند زیبق لوله دیگر باندازه ثقل آن شیئی بالا خواهد آمد پس شیئی ثقیلی را که
وزن معین مشخصی دارد بر روی سطح زیبق یکی از لوله‌ها میگذارند و چون زیبق لوله دیگر بالا رفت آن نقطه را خط
زده نشان میکنند و بدین تقسیم برای انواع و اقسام اوزان مثل خطوطی که در ذرعها و مترها هست در آن لوله
خطوط و نشانها میگذارند و بنا بر این ترازوی بسیار خوب معتبری بدست آمده است بر حسب عادت
آن ظرف یا کفه را که شیئی ثقیل را یعنی آنچیز را که میخواهند وزن کنند در آن گذاشته اند بر روی سطح زیبق
آن لوله که قطرش بیشتر است میگذارند و جهة اینست که بالا و پائین رفتن زیبق لوله که قطر آن کمتر است
نمایان‌تر و معلوم‌تر خواهد بود و ممکن است هر دو دهنه لوله‌ها را باز بگذارند یا اینکه دهنه یک لوله را یعنی آن
لوله را که دارای خطوط و نشانهاست به بندند و مستور دارند در صورتیکه یکدهنه لوله را بگیرند یک بارومتر یا میزان
الهوای متعارفی هم خواهیم داشت در هر حال باید ملتفت حالت هوا بود و درجه او را منظور نمود و موافق
لزوم و حاجت باید بعضی تصرفات در این آلت نمایند

تحقیق متعلق بسرعت قوه تنفس حیوانات

سرعت تنفس حیوانات مختلفه بسته باندازه و حجم جثه و ریه آنهاست باینمعنی که هر قدر حیوان کوچکتر
باشد سرعت تنفس آن زیادتر است مثلاً شیر در هر دقیقه شصت دفعه تنفس میکشد و فیل بیست دفعه

اسب ده الی پانزده دفعه بملاحظه کوچکی و بزرگی آن و نهنگ دریا چهار دفعه و انسان در طفولیت چهل و
چهار دفعه و در سن پنجسالگی بیست و پنج دفعه و در سن بیست و هشت سالگی هیجده مرتبه و در زمان
پیری از پانزده الی هیجده دفعه در هر دقیقه نفس میکشد

در هفتم ماه سپتامبر یک ساعت و سه ربع بظهر مانده در عمارت اکسپوزیسیون صنایع شهر برلن چند نفر
از محاسبین مشغول حساب و معلوم کردن عده اشخاصی که بتماشا و بازدید این اکسپوزیسیون
آمده میبودند در این بین در نزدیکی یکی از درها که از آن داخل عمارت اکسپوزیسیون مزبور میشوند یکنفر آدم قطور
تنومندی را که داخل عمارت میشد چند نفر از محاسبین مشار الیهم بغتةً دو دیده گرفتند و فریاد برآوردند
که اینک ملیانم (دوکردرمی) مدتی اهالی اکسپوزیسیون خاصه شخص قطور متعجب و متحیر بوده و سر مطلب را
نفهمیده است تا معلوم شد که عده اشخاصی که قبل از این شخص بازدید و ملاحظه اکسپوزیسیون را نموده یک کرور و
چهارصد و نود و نه هزار و نهصد و نود و نه نفر رسیده بوده و این شخص دوکردرمی است که وارد شده لهذا
او را گرفته اند که این است ملیانم نفوسی که در اینجا بتماشا آمده اند فی الفور در آن اکسپوزیسیون عکس
این شخص را بهمین اسم و رسم که شخص دوکردرمی است که بتماشای اکسپوزیسیون آمده انداختند و ضبط نمودند

فایده الکتریسیته در عمل کشتی رانی در دریا

شخصی انگلیسی موسوم بهنری سوئن باعانت الکتریسیته قطب نمائی درست کرده است که بواسطه

یکزنگ مخصوصی هر وقت کشتی از راهی که باید بپیماید عدول کند و منحرف شود بکاپیتن کشتی خبر بدهند کشتی از راه بدر رفت این قطب نما را در یک جعبهٔ کوچکی قرار داده اند و حمل و نقل آن بسیار سهل و سبک است و از روی قاعده این جعبه باید در اطاق کاپیتن جهاز باشد بمحض اینکه سفینه از راه خارج شد بطرف یمین یا یسار فی الفور زنگ میزند و صدای آن بلند میشود تا کشتی دوباره براه اصلی داخل شود زنگ از صدا نخواهد افتاد

موزهٔ پست در شهر برلن

رئیس کل پستخانه های دولت المان در شهر برلن یک موزه ترتیب داده که نمونه از سال و مرسول و طرایق مراسلات و مکاتبات کل دنیا را از قدیم الایام الی الآن بترتیب تاریخی بنظر تماشا کنندگان میرسانند قدیمی ترین طریقهٔ مکاتبات طریقهٔ مراسلات و نامه هائیست که حامل آن کبوتر بوده در دولت ایران در عهد کیخسرو اعظم (سیروس) یعنی در نیمه مائهٔ پنجم قبل از تولد حضرت عیسی علیه السلام اول مرتبه اساس که بنای پست گذاشته شد یعنی راهها و جاده های دایمی موافق قاعده تعیین و مقرر کرده و در کنار جاده ها در مسافت معینه کاروانسراها ساختند در دولت یونان نامه ها را بواسطه سفاین و قاصدها میفرستادند در دولت رومه نیز مراسلات بتوسط قاصدهای مخصوص ارسال میشد و بسیار دیر بمحل مقصود میرسید تا زمان سلطنت امپراطور اگوست شد امپراطور مشار الیه چاپار سواره معمول نمود و در امتداد راهها منزلگاهها قرار داد و کاغذها را چاپاری میدادند و میرساند در منزل دیگر بچاپار دیگر و باین نحو دست بدست میگشت تا بجائیکه باید برسد میرسید چون دولت رومه رو بزوال نهاد ایصال مکاتبات و نوشتجات منحصر شد

باینکه

باینکه اتفاقا چاپاری بجهه کاری روانه جائی شود آنوقت مردم هم میتوانستند بصحابت آن چاپار نوشتجات خود را بآن محل برسانند و کار برین منوال میگذشت تا در نزدیکی سنه هزار و دویست و نود و شش مسیحی در دولت فرانسه بنا بر سعی و کوشش اونیورسیتهٔ پاریس یعنی مدرسه اعلای علوم اول پست عمومی معمول و دایر شد تقریبا دویست سال بعد از آن یعنی در سنه هزار و چهارصد و پنجاه و یک مسیحی امپراطور ماکسیملین همین سبک پست را در المان دایر و معمول نمود اول پستی که فیمابین دو ملت و دو دولت دایر شد پستی بود که در سنه هزار و پانصد و هفده مسیحی فیمابین شهر وینه و بروکسل برقرار گردید و مقصود از این پست ارسال و ایصال مراسلات و مکاتبات پلتیکی بود پست سریع السیر تقریبا در ربع اول این مائه یعنی در هزار و هشتصد و بیست مسیحی دایر و معمول شده است و قبل از دایر شدن این پست جمیع نامه ها و نوشتجات بنهایت دیر بمحل مقصود میرسید

در موزهٔ مزبورهٔ پست برلن جمیع اسباب و آلات که از قدیم الایام الی زماننا هذا برای مکاتبات و مراسلات وضع و استعمال شده بردیف یعنی بترتیب تاریخی نشان داده میشود و بموجب آن اظهارات در اوایل برای نوشتجات و مکاتیب قطعه سنگها و تخته چوبها و صفحه های گلی و چوبی و اوراق اشجار ترتیب داده میشده و بکار میرفته و بعد تخته های موم آلود که در این باب در کتاب ششم تورات ایلیای پیغمبر شرحی مسطور است و پاپیروس مصر که تقریبا هفتصد سال قبل از تولد حضرت عیسی علیه السلام در یونان معمول بوده و پوست آهو که سیصد سال قبل از میلاد مسیح علیه السلام پیدا شده و کاغذ تحریری چینی که از پنبه درست کرده بودند

تا این اواخر که در سنه هزار و سیصد و چهارده در ایطالیا از جل و کهنه شروع بکاغذسازی نمودند و اول
کارخانهٔ کاغذگری در شهر مانتیس بنا شد طرز و طریقهٔ کاغذنویسی حالیه از مائهٔ چهاردهم معمول و متداول
شده و برای نوشتجات و مراسلات از سنه هزار و هشتصد و بیست مسیحی پاکتها اختراع کردند

عمل پرورش و تربیت شترمرغ

مهاجرین انگلیسی در افریقا ابتدا مشغول گله داری شدند ولی بعد از چندی معلوم شد که پشم گوسفندهای
کاپ نسبت به پشم سایر گوسفندها بدتر و پست تر است لهذا عمل گله را ترک کرده اقدام بتربیت و پرورش
شترمرغ نمودند در دماغهٔ بن اسپرانس در سنه هزار و هشتصد و شصت و پنج عدهٔ کل شترمرغها زیاده
از هشتاد نبود ولی در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و پنج شمارهٔ آنها رسید به بیست و یکهزار و هفتصد و پنجاه و
یک و رفته رفته شترمرغها با آب و هوای آن صفحات انسی گرفتند و معتاد بآن شدند حالا خود شترمرغها
بنا کرده اند بخوراک پیدا کردن برای خود و دیگر مواظبت و نگاهداری آنها چندان صعوبتی ندارد و از هر یک
شترمرغ ممکن است در ظرف یکسال سیصد و هفتاد و پنج فرانک منتفع شد و فایده برد راست است که
هر یک دانه شترمرغ از هفتصد و پنجاه الی دو هزار و پانصد فرانک قیمت دارد ولی هرگاه شترمرغ پرواز
کرده برود یا اینکه بنا بر حمق و بی شعوری که دارد جزئی از اجزای بدن خود را بشکند یا خود را بکشد یا در اوقات
نشستن بر روی تخمهای خود بجهة درآوردن جوجه پر و بال خود را خراب و ضایع کند خسارت و ضررهای کلی
بصاحب شترمرغ وارد میاید برای رفع این عیب آخری تدبیری کرده اند و آن این است که جوجه های شترمرغها را

بواسطهٔ طریقهٔ مصنوعی در میاورند و این خیلی اسباب بهبودی عمل شده ولی اینفقره هم شد و نشد دارد
و محتمل الطرفین است و در اینصورت صاحب تخمهای شترمرغ متحمل خسارت و ضرر کلی میشود زیرا که
هر یک تخم شترمرغ یکصد و بیست و پنج فرانک قیمت دارد

ترجمهٔ بعضی اعلانات

ترجمهٔ بعضی اعلانات دیوانخانه های شهرهای روس از ورقه هائیکه گاهگاه بروزنامهٔ سنت پطرزبورغ
ملحق میشود

محکمهٔ بلوکی شهر ریبنیک بموجب فقرات ۲۹۹ و ۲۲۵ و ۳۰۱ قوانین غیر نظامی سیو دیگین تاجر درجهٔ
اول شهر سنت پطرزبورغ را که منزل و مسکن او معلوم نیست بدیوانخانه و محکمهٔ شهر ریبنیک احضار
مینماید و از روزی که اعلان آخری در روزنامهٔ اعلانات شورای سنا طبع و انتشار یافت تا موعد شش ماه
سیو دیگین باید حاضر شود و جواب گونگینا زن تاجر شهر سولیکامسک را که بموجب تمسک معتبر مورخ
بتاریخ دهم ماه ژوئیه سنهٔ ۱۸۶۹ مبلغ چهار هزار منات باو ادعا مینماید بدهد گونگینا در جوف عریضهٔ خود
سواد نوشته و تمسک را در دیوانخانهٔ مزبوره حاضر نموده است

محکمهٔ شهر خرسون بموجب فقرات ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۹ قوانین غیر نظامی سیو گرس کرتنشتین
تاجر و یاکوف ایلیام را احضار بدیوانخانه و محکمهٔ شهر خرسون مینماید و از روزیکه اعلان آخر در روزنامهٔ
اعلانات شورای سنا طبع و انتشار یافت تا موعد شش ماه باید اشخاص مزبور در دیوانخانهٔ مذکور حاضر

شوند و جواب ادّعای بلیاکوف تاجر شهر خرسون را که وکالةً از جانب بانک تجارتی نیکلایویسک ادّعای
یکهزار و پانصد منات با تنزیل آن بموجب دو طغرا تمسک مینماید بدهند هرگاه تاریخ موعد مسطور
اشخاص سابق الذّکر در دیوانخانه حاضر نشوند و رفع این ادّعا را ننمایند موافق فقرات ۳۱۱ و
۳۲۰ قوانین غیر نظامی رفتار خواهد شد در جوف عریضه که بدیوانخانه داده شده وکالت نامه
بلیاکوف و سواد عریضه و دو طغرا تمسک یکهزار و پانصد منات مورخ بتاریخ هشتم ماه نوامبر سنه ۱۸۷۶
ملفوف و ثبت است

محکمه بلوکی شهر سکوا اعلام میدارد که درباب فقره طلب یکهزار و پانصد منات که سیو پاپوسمو بموجب
تمسک از سیو موسین پوشکین دارد در غیاب سیو موسین پوشکین حکم صادر نموده و باید موسین
پوشکین یکهزار و پانصد منات را با تنزیل آن از سلخ ماه اکتبر تا روزیکه تنخواه مذکور را کارسازی مینماید
بانضمام یکصد و هیجده منات مخارج دیوانخانه بدون عذر کارسازی دارد

قاضی بلوک پنجم محال الیساویتپل بموجب فقره ۱۲۴۱ جلد دهم کتاب قانون ورثه اموال و املاک
مخلّفه از زن داشیخکو فرمانده باطالیا را احضار مینماید که وارثین مشار الیهم حاضر شده حقوق خود را
ثابت نموده املاک مذکور را که در نزدیکی قریه دربود میباشد ضبط نمایند

قاضی بلوک اوّل محال بلوستوکو سوکولوفسکی بموجب فقره ۱۲۴۱ جلد دهم کتاب قانون غیر نظامی موعد
معیّن در قانون مذکور ورثه سوفیا توچکوی را که در بیست و ششم ماه فوریه سنه هزار و هشتصد و هفتاد و نه

وفات

وفات کرده است احضار مینماید که حاضر شده حقوق خود را ثابت نموده اموال مخلّف شده از
توچکوی مزبور را ضبط کنند

در دهم ماه ژوئیه سنه هزار و هشتصد و هفتاد و نه در اداره چهارم محکمه بلوکی سکو در حضور مجلس عامّه
رسیدگی و تحقیقات درباب یکهزار منات که زن کلنل مینخایلف بموجب تمسک معتبر از پرنس اوبولنسکی
ادّعای طلب مینمود کردند و در غیاب پرنس اوبولنسکی حکم صادر نمودند که پرنس مشار الیه مبلغ مذکور را
با تنزیل آن از بیست و چهارم ماه او سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هفت تا یوم ادای مبلغ مزبور
بزوجه کلنل مینخایلف کارسازی دارد و بعلاوه مبلغ هشتاد و پنج منات و شصت و پنج کوپک مخارج
دیوانخانه را بدهد

در ششم ماه ژوئیه سنه هزار و هشتصد و هفتاد و نه در اداره چهارم محکمه بلوکی شهر سکو در حضور جمیع
اجزای مجلس رسیدگی و تحقیقات درباب ادّعائیکه زوجه شیلاوسکی به پسر نابالغ ژنرال السوفیف
مینمود کردند و در غیاب ژنرال مشار الیه مقرّر داشتند که بموجب تمسک معتبری که زوجه شیلاوسکی
در دست دارد مبلغ یکهزار و پانصد منات اصل مع فرع آن از دوازدهم ماه اکتبر سنه هزار و
هشتصد و هفتاد و هشت از ژنرال السوفیف دریافت نموده بزن شیلاوسکی بدهند بعلاوه از ژنرال
مشار الیه مبلغ یکصد و نوزده منات و چهل کوپک مخارج دیوانخانه دریافت نمایند

بموجب فقرات ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۵۱ کتاب قوانین از اداره محکمه بلوکی شهر کنیچه حکم

بتجسس و گرفتن اشخاص مفصله ذیل که از اهالی ایران میباشند شده است رحیم کریم اغا و احمد

دلاک اغلی و عباس شیرین اغلی و جبار قلی بیک اغلی و صفر علا اغلی زیرا که اینها قصد بخت

و غارت آسیای کربلائی رحیم بابرام اغلی را نموده و در این مقدمه حق وردی و حسین پسران رستم

را مجروح کرده اند علامات اشخاص مذکوره در فوق از قرار ذیل است

رحیم کریم اغا متوسط القامه و موهای سر و سبیل او سیاه و چشمهای سیاه و صورت پاکی دارد

احمد دلاک اغلی بلند قد و سیاه مو و چشمهای او نیز سیاه است جبار قلی بیک اغلی نیز دارای

همین علامات است صفر علی اغلی متوسط القامه و موهای سیاه دارد هر کس آنها را بشناسد

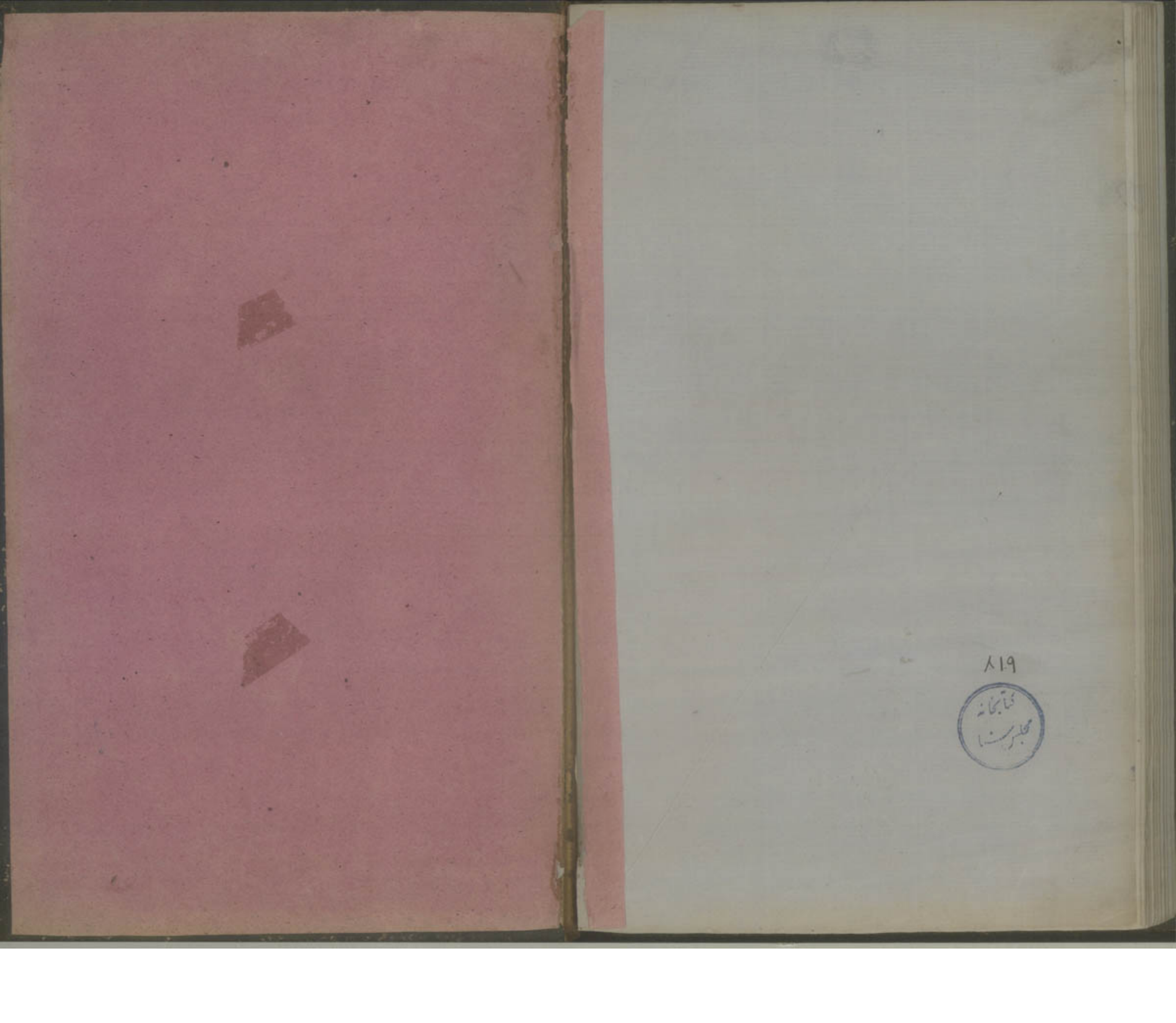
واطلاع از منزل و مکان آنها داشته باشد باید اطلاعات خود را بدیوانخانه

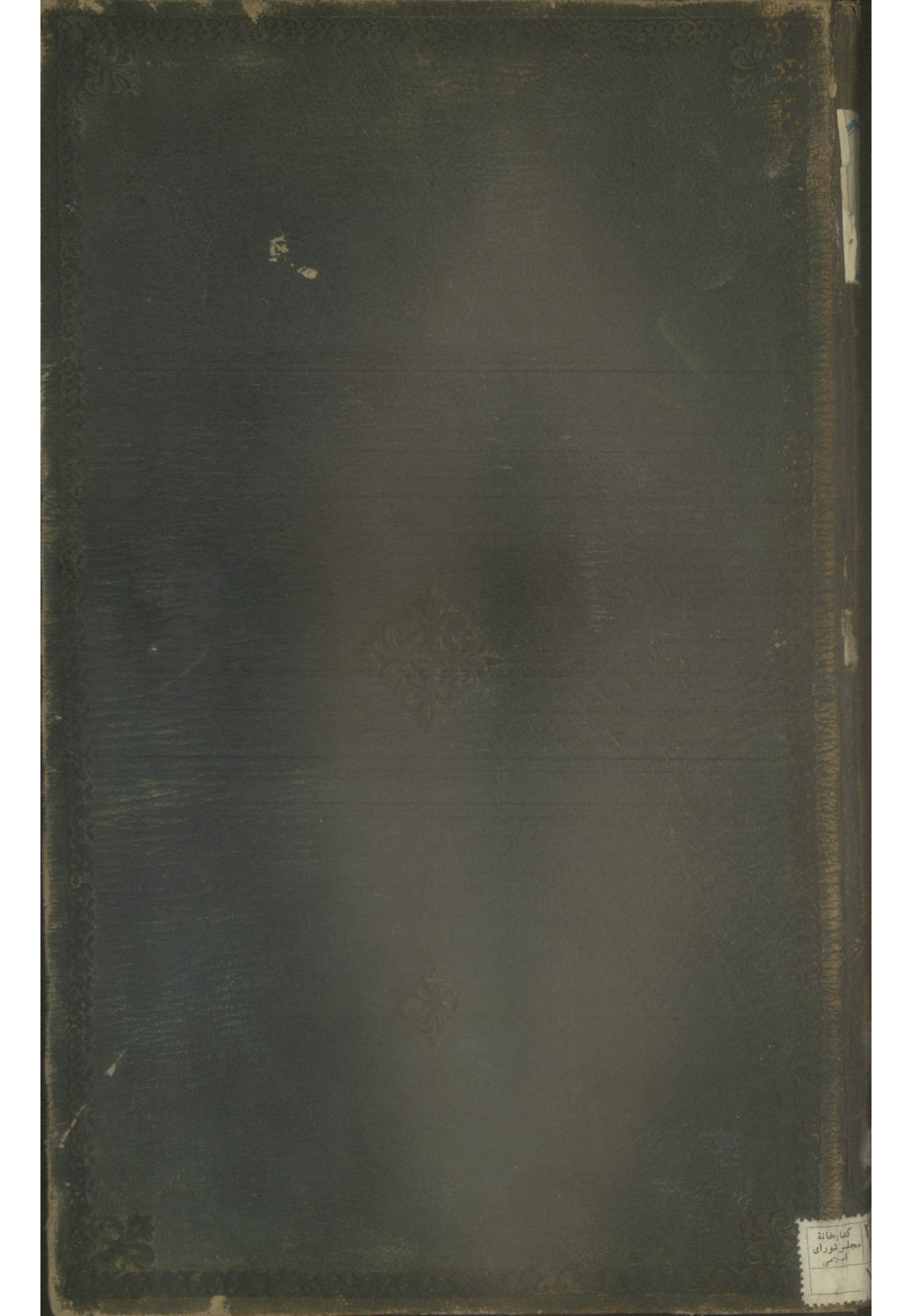
اظهار نماید و اموال آنها باید ضبط دیوان شده

باداره قیمی سپرده

شود

م


٨١٩
کتابخانه
مجلس سنا



کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی